اولین آژانس عکس خبری ایران ۱۰ دوربین نت

کاغذ پاره

ویژه نامه نوروز ۱۳۹۱
| کاغذ پاره |
| نشریه داخلی اعضای دوربین نت |
| سال دوم | دوره جدید | شماره دهم |
| ۸۰ صفحه | فروردین ۱۳۹۱ |



به همراه CD تصویری
گفت و گو با عکاسان
نرم افزارهای عکاسی
تیزرهای دوربین نت

به همراه مجموعه هایی از
آلفرد یعقوب زاده/مجید سعیدی
بهروز مهری/ابراهیم نوروزی
آرمین کرمی/آرش حمیدی

به همراه گفت و گوهایی با
مهدی قاسمی/حسن غفاری
جاوید نیکپور/رضا موسوی
سیاوش حبیب الهی/حسین کریم زاده

به نام نوروزی به افتخار ایران
WORLD PRESS PHOTO

اولین کنفرانس عکاسی ایران

بهترین عکس من

www.bestphotos.ir

اردیبهشت ۹۱ – تهران

به‌همراه گفت‌وگوهایی با

مهدی قاسمی/حسن غفاری/مهدی منعم
جاوید نیکپور/رضا موسوی
سیاوش حبیب الهی/حسین کریم زاده

گفت‌وگو با عکاسان
نرم‌افزارهای عکاسی
تیزرهای دوربین.نت

در هنگام دریافت مجله
دقت کنید سی‌دی روی این صفحه
چسبیده باشد

به همراه CD تصویری

وب سایت‌های عکس ایران







































کلوب‌های عکس











دنیایی از لینک‌های سایت‌های عکاسی ایران و جهان

انجمن‌های عکس




















مجلات عکس










| l i n k . d o o r b i n . n e t |

سایت‌های عکاسی خارجی







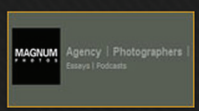
















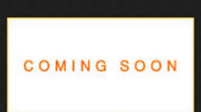


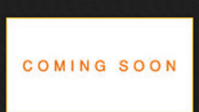






مالتی‌مدیا











بخش عکس خبرگزاری های داخلی













چهارمین جشنواره عکس های برتر سال

دوربین نت
www.BestPhoto.ir


خوشمزه‌ترین بخش دوربین.نت
دووونات
یک جامعه مجازی خوشمزه و پر عکاس
www.doonut.ir


تو کدوم خرخوان
عکس بفرستم؟
کجا برم عکاسی؟
از چی عکس بگیریم؟
الان کجا خوبه؟
عکاس‌های
دیگه دارن
چیکار می‌کنن؟
سینما؟
تئاتر؟
موسیقی؟
خوردنی؟
نگار خونه؟
کدوم نمایشگاه عکس رو ببینم؟
الان کی نمایشگاه داره؟
یه سفر خوب عکاسی؟
یادم باشه
کدوم مسابقه
باید عکس
بدم
سایت‌های
خوب چی ان؟
آخر هفته
Weekend
Weekend.doorbin.net
کلی پیشنهاد ریز و درست عکاسی
نرم افزار خوب
واسه عکاس‌ها؟
کتاب
خوب؟
کدوم کافی شاپ
برام بهتره؟



دوربین نت

اولین آژانس عکس خبری ایران

WWW.DOURBIN.NET

برترین سایت هنری سومین جشنواره رسانه‌های دیجیتال



دوربین نت
سایت گزارش تصویری خبری
www.dourbin.net

کاغذ باطله
هفته‌نامه تخصصی عکاسی
tele.doorbin.net

دوربین نت
سایت اصلی و راهنما
www.doorbin.net

festival
جشنواره سالیانه عکس خبری
festival.doorbin.net

CLUB!
کلوپ اعضای دوربین نت
club.doorbin.net

SAFAR
تورهای عکاسی و آموزشی
www.doorbin.net

خبر
آخرین اخبار دنیای عکاسی
news.doorbin.net

دووونات
جامعه مجازی عکاسی
doonut.doorbin.net

TOP
جشنواره عکس‌های برتر سال
top.doorbin.net

workshop
کارگاه و کلاس‌های آموزش عکاسی
Amouzesh.doorbin.net

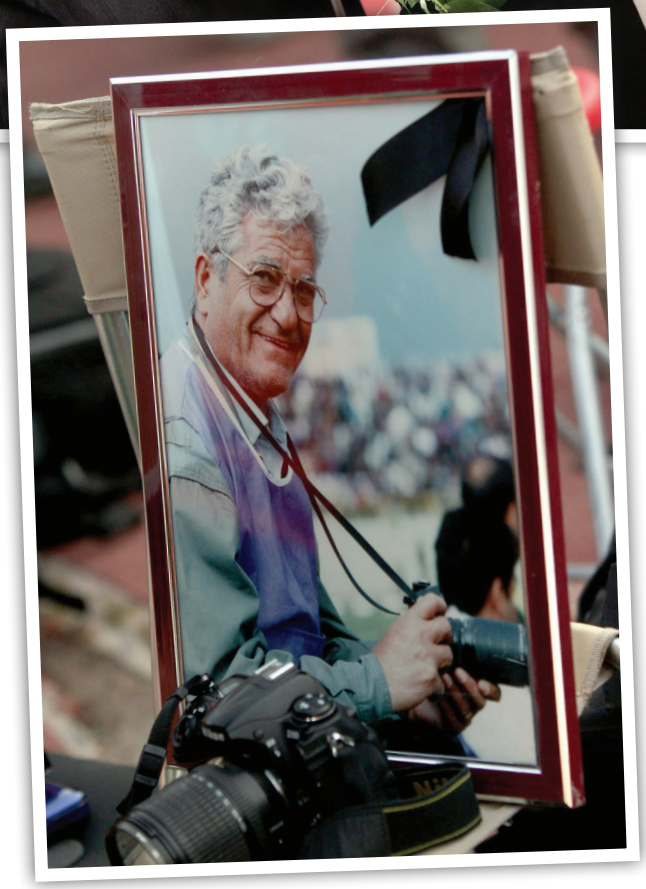
Link
لینک‌های مفید عکاسی
Link.doorbin.net

پوستر
پوستر نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها
Poster.doorbin.net



این شماره پیشکش به
استاد اسماعیل زرافشان





به یادی استادی که با وجود کهولت سن
همچنان عشقش عکس بود و عکاسی

استادی که سرما و گرمای ورزشگاه‌ها برایش اهمیتی نداشت
فقط عشق به عکاسی بود و عشق و عشق و عشق ...

استادی که دیدنش درس‌های زیادی داشت
استادی که خنده از لب‌هایش دور نمی شد

استادی دوست داشتنی
استاد زرافشان
چند وقتی است ورزشگاه آزادی دلش برایت تنگ است
چند وقتی است جای خالی‌ات تماشاگران را هم آزار می‌دهد
جایت خالیست استاد...


تیم پروین دوبار
نسل آفتاب
به همت موسسه "نسل آفتاب"
جایزه "آفتاب ماندگار"
تجلیل از پیشکسوتان رسانه های ورزشی
اسماعیل زرافشان


نسل آفتاب
به همت موسسه "نسل آفتاب"
جایزه "آفتاب ماندگار"
تجلیل از پیشکسوتان رسانه های ورزشی



سعید زارعیان

حاج اسماعیل زرافشان







به همراه مجموعه‌هایی از

الفرد یعقوب زاده

مجید سعیدی

پهروز مهدی

ابراهیم نوروزی

آرمین کرمی

هادی صمدی

آرش حمیدی



نشریه کاغذ با تله

زیر نظر آژانس عکس دوربین.نت

نشریه داخلی مخصوص اعضای کلوپ دوربین.نت

با مسوولیت و سردبیری: احسان رافتی

دبیر تحریریه: معصومه اصغری

اخبار و تازه ها: فربد پهلوان

سی دی ضمیمه: مرتضی مهدی‌زاده، علی چاشنی گیر

عکس جلد یک
یاشاوکیلی

مدیر داخلی: حمیدرضا معدنی

مدیر اجرایی: منصور ملکی

ویرایش: پریسا موسوی

مدیر روابط عمومی: آیدین روشن ضمیر

توزیع و اشتراک: بهاره خطیری

مدیر هنری: احسان رافتی

به نام نوروزی
به افتخار ایران

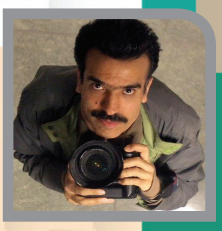
به همراه گفت و گوها و یادداشت هایی از:
ابراهیم نوروزی / محمد نوروزی
مهدی قاسمی / علی رفیعی

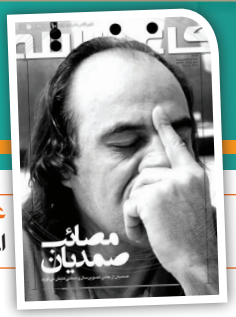


۴۰

آغازی نو برای عکاسی ایران
موضوع مهمی به نام زیرنویس
خلاء بنیاد تخصصی آموزش عکاسی خبری







عکس جلد دو
احسان رافتی

باهمکاری افتخاری

آلفرد یعقوب زاده - مجید سعیدی - بهروز مهری
ابراهیم نوروزی - محمد نوروزی - حسن غفاری
مهدی قاسمی - علی رفیعی - رضا موسوی
آرش حمیدی - کاوه فرزانه - جاوید نیکپور
سیاوش حبیب الهی - مهدی منعم - حسین کریم زاده

الهام صالح - حسین جلالی - سعید زارعیان
حجت عطایی - آرمین کرمی - هادی صمدی
مهدی غفاری - بهنام صدیقی - یاشا وکیلی

تلفن: ۰۹۱۹۲۰۵۳۰۰۹
نشانی اینترنتی:
http://tele.doorbin.net
ایمیل:
doorbin.net@gmail.com



ملاقات با «حسین پرتوی»، عکاس همافران:

باید بشناسی‌اش اگر عکاس باشی!

الهام صالح/ دوربین.نت: نگاهش حرف دارد، حرف‌هایش اما تمامی ندارد. چشم هایش می‌گوید دوست ندارد در این وضعیت باشد، دوست ندارد روی تخت خوابیده باشد، این دستگاه‌های لعنتی را دوست ندارد، اما چه می شود کرد؟

«حسین پرتوی»، با این دستگاه‌ها زندگی می‌کند، در کنار همسرش «پوران دخت پرتوی» و پسرش «سیاوش» که هزینه‌های درمان را بر عهده گرفته و مادر را هم در رسیدگی به پدر یاری می‌رساند.



«حسین پرتوی»، این نام آشناست. اگر عکاس باشی، باید بشناسی‌اش؛ عکاس بیعت همافران با امام خمینی (ره)، دبیر سرویس عکس روزنامه کیهان در سال‌های پیـروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی. نگو که نمی شناسی اش! اگر عکاس باشی، باید او را بشناسی.

متعهد به اخلاق حرفه ای

بـه بهانه‌ها زنده‌ایم. نه؟ درسـت اسـت! به بهانه‌ها زنده‌ایم. گاهی باید بی‌بهانه زندگی کرد، نفس کشید، کار کـرد، اما گاهی بهانه هم لازم اسـت. اگر بهانه احوال پرسـی از «حسـین پرتوی»، ۱۹ بهمن باشد، بهانه خوبی است. ۱۹ بهمن؟ چه خبر بوده در این روز؟ این روز در تاریخ ثبت شده. ۱۹ بهمن ۵۷، همافران در دبیرستان علوی با امام خمینی (ره) بیعت کردند. این لحظه بدون شک در تاریخ ثبت می شد، اما اگر پرتوی نبود، عکسی از این لحظه وجود نداشت بی اغراق. او از این لحظات تاریخی عکاسی کرد و متعهد شد که از چهره افراد حاضر در دبیرستان علوی، عکس نگیرد. به تعهد خود وفا کرد. او به اخلاق حرفه ای پایبند بود.

خفته بر بستر

برگردیم به حال. به این لحظاتی که دشـوار و طاقت فرساسـت، به نگاه پرتوی که در آن غـم و غرور را یک جا می توان دید. ما اینجا هسـتیم، در منزل او، کنار بستر کسی که لحظه‌های مهمی را ماندگار کرد. ما کیسـتیم؟ «محمد نوروزی»؛ عکاس بازنشسـته کیهـان که روزگاری، عکاس کیهـان بود و پرتوی،

دبیر سرویس و «احسان رافتی»؛ مدیر آژانس عکس خبری ایران، دوربین.نت. می‌خواهیم از پرتوی، احوالی بپرسیم. با نزدیک شدن به روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، خیلی ها احوال عکاس همافران را می پرسند، اما بعد چه؟ کاش ما جزو آن هایی باشیم که همیشه احوالش را می پرسیم.

احوالش؟ خوابیده بر بستر بیماری، در حالی که با دستگاه نفس می کشد، همان دستگاهی که اگر برق قطع شود، نه یو پی اس می تواند به کارش بیندازد، نه حتی ژنراتور برق. بانو پوران دخت باید با فشردن دست روی دستگاه، در نفس کشیدن به همسرش کمک کند.

احوالش؟ نای او را سوراخ کرده اند تا بتواند نفس بکشد. با دستگاهی به نام «پیک» و از راه معده به او غذا می دهند. «ای ال اس»، قدرت تکلم را از او گرفته. این اتفاق در همان آغاز بیماری رخ داد. آن موقع می توانست بنویسد، امروز اما نه!

زندگی با یک عکاس خبری

زندگی با یک عکاس خبری دشوار است. روزهایی که همه تعطیلند، شاید یک عکاس خبری تعطیل نباشد، لحظاتی که همه در حال استراحتند، شاید یک عکاس خبری در حال فعالیت باشد. بانو پوران‌دخت، به این شرایط آگاه بود، آن را پذیرفت و همسر یک عکاس شد. اما آیا هیچ وقت گلایه کرد؟ می گوید:«نه خب، من شرایطش را قبول کرده بودم. می دانستم عاشق کارش است. پدر و مادر پیری هم داشت که مراقبت از آن ها به عهده من بود. گاهی ۲ ماه خانه نمی‌آمد.» بچه ها چطور؟ آیا آن ها هم شرایط پدر را درک می کردند؟ بانو پوران دخت توضیح می دهد:«آن ها هم می دانستند شرایط کار پدرشان این است.»

مرد بی‌ادعای جامعه عکاسی

می‌گوید:«اینجا خانه امید ماست.» «محمد نوروزی»؛ عکاس ارشد بازنشسته کیهان این جمله را با صداقت محض می گوید، بی اغراق. حدود ۵ سال، او عکاس بود و پرتوی، دبیر سرویس. خاطرات خوشی دارد از این سال ها، مثل خاطره آن روز که پرتوی ژست گرفت تا از او عکاسی کند. مطالب بسیاری هم از پرتوی آموخته. فنون عکاسی به کنار، اخلاق حرفه ای را در حضور پرتوی آموزش دیده. همین‌هاست که عکاس همافران را از نگاه نوروزی به مرد بی ادعای جامعه عکاسی تبدیل کرده، مردی که جامعه عکاسی، او را نمی شناسد، یا قدردانش نیست. همان مردی که به اعتقاد نوروزی باید دکترای افتخاری را به او تقدیم کنند. همان عکاسی که هنوز هم می توان او و همین طور منش هایش را در عکاسی به نسل جدید عکاسان شناساند.

در قاموس پرتوی، «به من چه» و «نشد عکس بگیرم» وجود نداشت. نمی‌پذیرفت یک عکاس دست خالی و بدون عکس به روزنامه بازگردد. «نگذاشتند



عکس بگیرم»، «نشـد»، «نتوانسـتم» برایش معنا نداشـت. با این وجود به رعایت اخلاق حرفه‌ای هم پایبند بود. عکاسـان سرویس عکس روزنامه کیهان را هم به رعایت اخلاق حرفه‌ای تشـویق می کرد. از نگاه پرتوی، عکاس به داور فوتبال شباهت دارد. باید اتفاق ها را روایت کند، اما بی قضاوت. او معتقد است عکاس نباید قضاوت کند، عکاس باید نسبت به جامعه و همکاران خود اخلاق حرفه ای داشـته باشد، نباید دروغ بگوید. خودش هم به این نکات پایبند بود، مثال ملموسش؛ عکس بیعت همافران با امام خمینی (ره). برای ثبت این لحظه اجازه گرفت و متعهد شد که فقط از یک زاویه عکاسـی کند؛ پشت به همافران و رو به امام خمینی (ره).

یک عمر با صلابت و سلامت

مراقبت از پرتوی دشـوار اسـت، اما بانو پوران دخت و پسرش سیاوش، این سـختی را به جان می‌خرند. مراقبت لحظه به لحظه، کار هر کسـی نیسـت، اما روزهایی هم شـرایط دشـوارتری وجود داشـت. آن روزها پرسـتارها ۳ شـیفته از او مراقبت می کردند. دائم فشـار خونش بالا می‌رفت، قنـد خونش پایین می‌آمد، نمی‌توانسـت بخوابد. اما از این بدتر، شرایط روحی‌اش بود. پرتوی دوست نداشت، خانواده اش به زحمت بیفتند، از همسـرش می خواسـت تا او را به خانه سالمندان منتقل کنند، اما این خواسته‌ای بود که نمی‌شد پذیرفت.

پرتوی را آن‌گونه که باید قدر نمی دانند. این نکته‌ای اسـت که خانواده اش بـه آن اشـاره ای ندارند، اما «محمـد نوروزی» به صراحت بر زبـان می آورد. در عین حال اعتقـاد دارد که افـرادی مانند پرتوی، به تکریم نیازی ندارند. آن ها با اقتدار زندگی کرده‌اند و عمر حرفه‌ای‌شان هم با سلامت و صلابت طی شده. نوروزی اما می پرسد:«ولی وظیفه متولیان فرهنگی کشور چه می شود؟»

از صلابت پرتوی همین بس که دوست نداشت کسی به ملاقاتش برود، با حالت های چهره و چشم‌هایش این خواسـته را مطرح می کرد. اما این روزها بیماری را پذیرفته. این روزها می توان به ملاقاتش رفت. هر چند که چشـم هایش هنوز هم غمگین اسـت. این چشـم ها وقتی از عکاسـی گفته می شود، به اشک می نشینند. حتما دلش برای عکاسی تنگ شده. یک عـکاس، بدون دوربین؟! بدون ثبـت لحظه ها؟! نه! ممکن نیست! حتما خیلی دشوار است...



احسان رافتی

سالی خوب و پربار و شیرین

اول؛ یک‌سال دیگر را با دوربین.نت و عکاسان عزیز سپری کردیم و امروز آخرین روز سال ۹۰ می باشد سالی که برای دوربین.نت سال خوب و موفقی بود ...

دوم؛ امسال بخش‌های متنوع زیادی به دوربین.نت اضافه شد از جمله همین آخرهفته که پانزده هفته در خدمت شما دوستان بود تا بتواند کمی اوقات فراغت شما دوستان عزیز را پر کند.

خبرنامه‌اس‌ام‌اسی دوربین.نت نیز گامی بود برای اینکه عکاسان بتوانند سریع‌تر از موعد مقرر اخبار و اطلاعات مربوط به نمایشگاه‌های عکس، فراخوان‌های مهم عکاسی را با خبر شوند.

نشریه کاغذ با تله دوربین.نت امسال خیلی ویژه تر در هشتاد صفحه به صورت رنگی و کاغذ گلاسه منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت.

سوم؛ امسال در جشنواره رسانه های دیجیتال حضوری ویژه تر داشتیم و با برپایی هر روز یک نمایشگاه عکس از عکاسان معتبر و حضور آن ها در غرفه توانستیم غرفه ای خوب در خور عکاسان کشور ایجاد کنیم ...

چهارم؛ اول شدن دوربین.نت در چهارمین جشنواره وب سایت ها در بخش هنری نیز از موفقیت های دوربین.نت در سال ۹۰ بود.

پنجم؛ برگزار شدن ششمین جشنواره عکس خبری دوربین.نت این نوید را داد که خواستن توانستن است و اعضای دوربین.نت توانستند برای اولین بار یک جشنواره عکس خبری را به دور ششم برسانند. برگزاری کارگاه های عکاسی و حضور عکاسان معروف کشور در کارگاه ها از نقاط قوت این جشنواره بود.

ششم؛ جشنواره عکس های آخرسال دوربین.نت نیز به دور چهارم رسید. سالی که گذشت سه نمایشگاه در شهرهای مختلف برگزار شد که امسال در تلاشیم در شش شهر مختلف نمایشگاه را برگزار کنیم.

هفتم؛ مانند خیلی کارها که برای اولین بار انجام دادیم این بار نیز اردیبهشت سال ۹۱ قصد داریم برای اولین بار کنفرانس علمی عکس ایران را با حضور اساتید دانشگاه و عکاسان صاحب نام برگزار کنیم که امیدوارم خداوند مانند همیشه یاورمان باشد و این کنفرانس برای اولین بار در کشور برگزار شود.

هشتم؛ سال آینده نیز کارهای خیلی زیادی انجام خواهیم داد که بهتر است انجام دهیم تا بخواهم درباره اش صحبت کنم ...

نهم؛ در مورد فیلتر شدنمان چیزی نگویم بهتر است. فعلا که به ظاهر همه چی امن و امان است و آرام ...

دهم؛ عیدتان مبارک. سال خیلی خوبی داشته باشید.



حمیدرضا معدنی

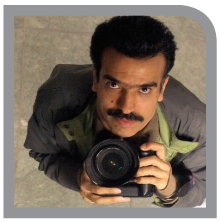
آموزشی‌صادقانه

عکس وعکاسی درایران باسرعت درحال افزایش است که بسی جای خوشحالی‌است .دراین راستا روزبه روز چشم‌مان به جمال دوربین به‌دستان عزیزی روشن می‌شود که گاهی اوقات اشک شوق در چشم‌مان حلقه می‌زند وامید در دل‌ها که هرایرانی بتواند یک عکاس یا حداقل یک بیننده حرفه‌ای عکس باشد.

البته نباید سهم سازندگان لوازم عکاسی را نادیده گرفت که روز به روز دوربین‌های مختلف و متفاوتی را ارایه می‌دهند و شوق عکاسی را در کاربران دوربین ایجاد می کنند. اما حواس‌مان باشد که این لوازم مدرن ما را از اصول عکاسی دور نکند. دیده شده عزیزانی با تکنولوژی به طوری پیش می‌روند که دوربین‌شان بیش از چند ماه در دست‌شان دوام نمی‌آورد وسریع تعویض می‌شود، یا با دو، سه دوربین به عکس گرفتن در شرایطی می کنند که انگاری به جنگ سوژه می‌روند در صورتی که یک دوربین هم کافی‌است.

این امر بنده را بران داشت تا اطلاعاتی در این خصوص به‌دست بیاورم که ماحصل آن چنین شد که طبق آمار(غیر رسمی) درسال ۸۹ تعداد یک میلیون دوربین مختلف در ایران به فروش رفته است که امیدوار کننده است و اگر ازاین تعداد ده درصد حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای وحتی آماتور باشند یعنی ۱۰۰/۰۰۰نفرکه آمار خیره‌کننده‌ای است.

اما درکنار این آمار فکری به حال آموزش این عزیزان نشده است و باعکاسانی روبه‌رو می‌شویم با توجه به لوازم مدرن از اصول عکاسی هیچ نمی‌دانند وصادقانه عنوان می کنند محل مناسبی برای آموزش وجود ندارد و از گرانی آموزش گله داشته وحتی بعضا از اساتید با تجربه هم به‌دلیل بی‌توجهی به امر آموزش گله داشته واین دلایل باعث گردیده تا آن‌ها متوسل به نرم‌افزارهای مختلفی شوند. اگر این اتفاق یک عادت شود دیگر هیچ عکاسی با نگاه خلاقانه وهنری عکس نخواهد گرفت وتنها با تکیه بر نرم‌افزار شاتر را می‌چکاند واگر این اتفاق بی‌افتد در آینده شاهد نزول هنرعکاسی خواهیم بود بنابراین از اساتید عزیز عکاسی و آموزشگاه‌ها تقاضا می‌شود اگر به موضوع آموزش توجه دارند برنامه‌ای اصولی برای آموزش این عزیزان ارایه دهند تا تا افق روشنی در آینده عکاسی‌مان داشته باشیم.



محمد نوروزی

بهمن جلالی استادی خستگی‌ناپذیر

زنده‌یاد اســتاد بهمن جلالی آغاز خوشی در سال ۱۳۲۳ و پایانی غم‌انگیز در سال ۱۳۸۹ داشت.

او را دانشجویان‌اش به دلیل خوبی و تسلط و صداقت بسیار دوست داشتند و او جزو معدود اساتیدی بود که اهل تجزیه و تحلیل و نقد استادانه عکس بود. وقتی به پای سخن‌اش می‌نشستیم به هنر سخنوری‌اش پی می‌بردیم و کلام او به جان می‌نشست. او در عین صداقت به راحتی و بسیار عالی در باب عکس سخن می‌گفت. دوستی‌های او مخصوصا با دانشجویان کلاس‌هایش صمیمی و پر از نکات طنز بود و در میان نام‌های ماندگار عکاسی ایران نام بهمن جلالی رنگ و بو و نقش و نگاری خاص دارد.

اســتاد پر از تجربه و کوشای عکاســی ایران در عین حال سختگیر بود و در میانه میدان بسیارجدی هم ظاهر می‌شد. اعتقاد قلبی او همیشه بر این بود که عکاس در دنیای امروز باید خیلی چیزها را بداند، بشنود، بخواند و بتواند صحبت کند. اهل مطالعه دائم و آگاهی داشتن به اوضاع، جریانات و اتفاقات مختلف بــود و چیزی کــه او را آزار می‌داد و رنجش را افزودن می‌کرد حرف زدن زیاد و عمل نکردن به طرح‌ها و پروژه‌های عکاسی بود و همیشه به دانشجویانش تاکید می‌کرد که کاری را با مطالعه و تحقیق آغاز کنند و به پایان برسانند و بعد سراغ کار دیگری بروند.

به راحتی می‌توان از او به عنوان یک عکاس و یا یک محقق تاریخی نام برد چرا که با اشتیاقی فراوان به عکاسی از شهرها و آبادی‌ها و بناهای تاریخی ایران می‌پرداخت. همچنین در ثبت وقایع مهمی نظیر انقلاب و جنگ توجه خاصی داشــت و به همین دلیل بود که در یکــی از مصاحبه‌هایش در مورد انقلاب می‌گفت:« انقلاب ایران اتفاقی بود که جلوی چشمان ما روی داد در حالی که مشابه آن را در کتاب‌ها همیشه خوانده و دیده بودیم؛ مثل انقلاب کوبا یا روسیه. انقلاب ما به قدری خاص و عجیب بود که دوست داشتیم همیشه در آن سهیم باشیم و چون چنین دوره‌ای را تا به حال در زندگی نداشتیم این روزها برایمان تازگی زیادی داشت و عکاسی از آن هم با وجود خطرات شیرین و لذت‌بخش بود و من دوست داشتم در آن روزها از همه جلوتر باشم تا خوب عکاسی کنم.»

بهمن جلالی در زمینه آموزشی هیچ‌وقت عکاسان شهرستانی‌ها را فراموش نمی‌کرد و به دانشجویان و علاقمندان عکاسی توجه ویژه‌ای داشت و همیشه به آنان یادآور می‌شد که «عکاسی در انحصار هیچ‌کس نیست.»

زندگی حرفه‌ای و هنری بهمن جلالی در فیلمی مستند به نام «عکس ناتمام» کار مشترک تورج ربانی و عمید راشدی به خوبی نمایش داده شده است.

روحش شاد و جایگاهش عالی



حجت عطایی

نقد، راهگشای عکاسان

بیشتر عکاسان جوان از اینکه عکس‌هایشان مورد قضاوت و داوری قرار بگیر هراسان هستند. شاید بیشتر دوست داشته باشند که آثارشان مورد ستایش قرار بگیرد. البته دراین مسیر نقد صحیح مسیر حرکت عکاس را هموارتر می‌کند و بیان محاسن و معایب و راهنمایی‌های مناسب راهکارهای درستی را پیش پای عکاس قرار می‌دهد. در مقابل بسیار پیش آمده است یک نقد ناسره چنان ذوق عکاس را کور کرده که هنرمند دست از کار خود می‌کشد و به مشاغل دیگری مشغول می‌شود. جوانی و ناپختگی نقادان می‌تواند یکی از این دلایل باشد که بحث جداگانه‌ای است. در نوشته سعی شده بر این نکته تاکید شود که یک نقد صحیح خود موتور فرهنگی یک ملت را چنان به چالش می‌کشد که موجب به وجود آمدن انقلاب‌های فرهنگی می‌شود. هنرمند می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد و در نهایت محصول هنری تولید می‌کند اما این محصول هنری به طور مطلق درست و صحیح نیست بلکه بر اساس معیارها شناخته شده جامعه احتمال خطا و اشتباه وجود دارد به این دلیل است که آثار باید در بوته نقد نقادان قرار بگیرد و درستی و نادرستی آن معلوم شود.

نقد واژه‌ای عربی به معنی جدا کردن دینار و درهم ســره از ناســره و تمیز دادن خوب از بد و همچنین به معنی آشکار ساختن محاسن و معایت سخن آمده است. منتقدان نویسندگانی هستند که هنر را دوست دارند و تصمیم می‌گیرند که زندگی خود را در راه اندیشیدن راجع به این مقوله صرف کنند. کارکرد نقادانه به معنی کلی و عام کلمه یعنی داوری ومعرفی آثار به منظور ساده کردن به طوری که مخاطب اثر به راحتی بتواند آنرا بخواند و اثر هنری را درک کند.

انتقاد واژه بسیار پیچیده‌ای است و معانی متعدد و گوناگونی دارد منتقدان وقتی نقد می‌نویسند موارد چهارگانه زیر را مد نظر قرار می‌دهند. آنها اثر هنری را توصیف تفسیر و ارزیابی می کنند و درباره آن نظریه پردازی می کنند. اما قضاوت درباره آثار هنری بیش از آنکه منفی باشد مثبت است پر واضح است که سخن گفتن درباره آثار هنری به منظور بالا بردن فهم و ارزیابی صورت می‌گیرد.

نقد وسیله‌ای است که نهایتا به ارزیابی عکس می‌انجامد و اگر این کار درست و صحیح انجام شود بسیار سودمند خواهد بود. زیرا فهم نقاط قوت و ضعف اثر به عکاس کمک خواهد کرد که عیب‌های کارش را بفهمد و در جهت برداشتن معایب کارش تلاش بیشتری کند و دراین مسیر رشد مضاعفی خواهد داشت. نقد به مثابه درس استاد می‌باشد. همانطور که گفته شد دیدن جنبه‌های منفی اثر و شناخت آنها بسیار سودمندتر خواهد بود.

یک اثر هنری محتاج و نیازمند نقادان آشنا و بی طرف است در واقع نقد متن و اثری مستقل و آموزنده است که گاه پیامی فراتر از پیام خود اثر هنری دارد.

منابع / شیوه های مختلف نقد هنری دکتر حبیب الله آیت اللهی / نقد عکس
تری برت ترجمه اسماعیل عباسی / بوطیقای عکاسی داریوش محمد خانی


法国外籍兵团
L'Amical des Anciens Légion


謝卓賢



آلفرد یعقوب زاده

مراسم سال نوی چینی ها در پاریس



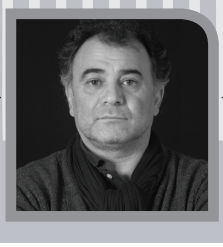










آلفرد یعقوب زاده

مراسم سال نوی چینی ها در پاریس











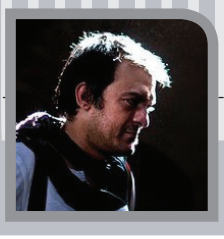












مجید سعیدی

پرورش اندام در افغانستان











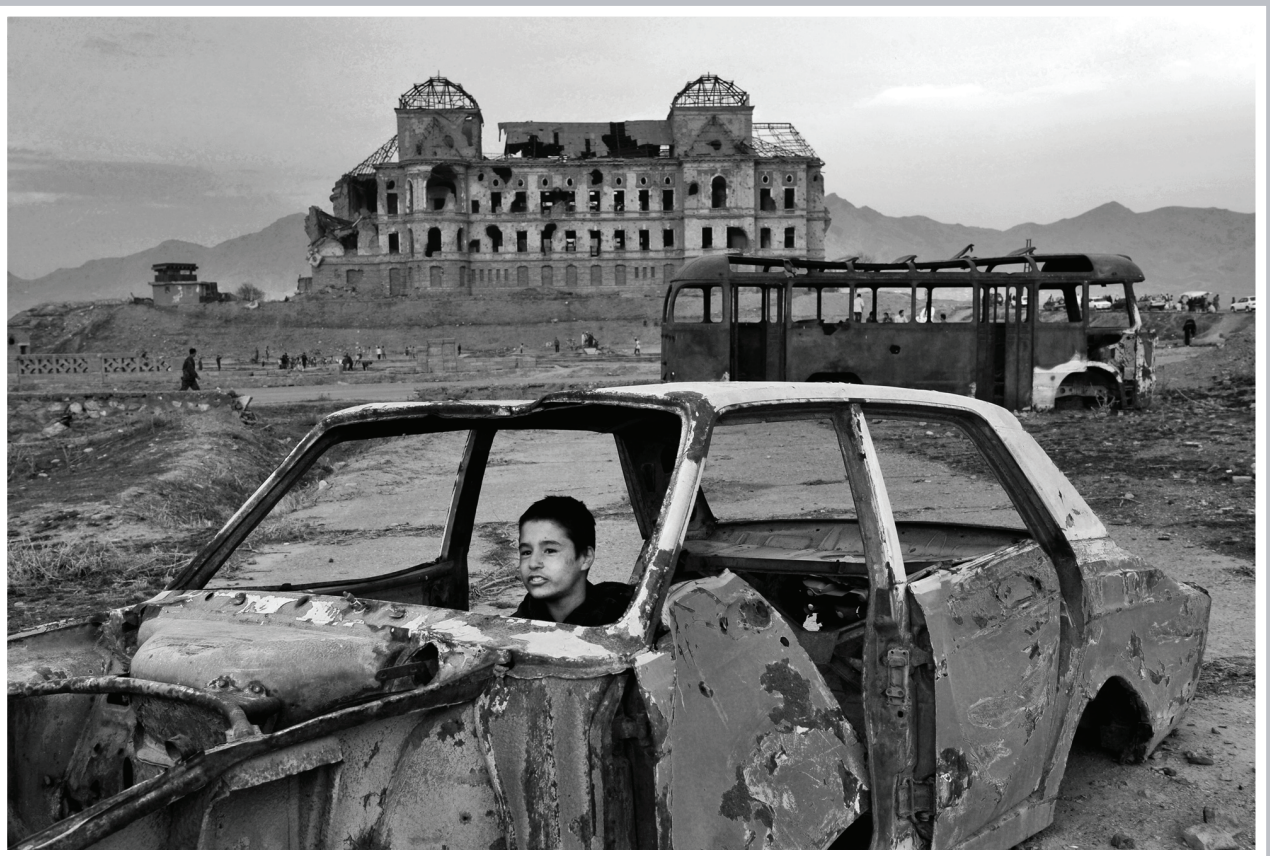
بهروز مهری

سیرک جانباز پاکستان











ابراهیم نوروزی

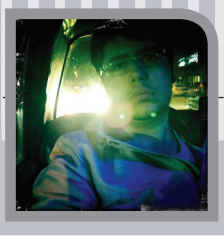
چهارگوشه دنیا؛ایران/هند/پاکستان/افغانستان











آرمین کرمی

مراسم پیر شالیار











هادی‌صمدی

نگار و دیوار مرگ






Being
Human





آرش حمیدی

جشن رنگ هندی‌ها





میش درمشت شبان!

برداشتی آزاد از نمایشگاه عکس حسن غفاری با عنوان بره های ایرانی

مهدی غفاری

کسی نمی داند که نخستین میش وحشی کی، کجا و چگونه به دست کدام انسان نخستین شکار شد اما از وقتی که اولین میش وحشی در برابر این اصل طبیعی که "قوی ضعیف را از پا درمی آورد" سرخم کرد و پذیرفت که از قله‌های دست نیافتنی و دشت‌های گسترده بگذرد و دست آموز انسان شود(که راهی نیز جز این نداشت)، شالوده‌ی دامداری با محوریت انسان به نام شبان و میش به عنوان دام پی ریزی شد.

شبان–رمه گی تحولی بزرگ در زندگی انسان و میش ایجاد کرد. تا پیش از آن میش‌ها آزاد و رها در حیات وحش می‌چریدند و زاد و ولد می کردند. آن‌ها برای این آزادی و بقای نسل خطراتی را به جان می‌خریدند که از سوی بلایای طبیعی و تغییرات جوی و حیوانات شکارچی تهدیدشان می کرد. سر و کله انسان که پیدا شد معادله میش‌ها و چرخه حیات به نامعادله شبان و میش بدل شد. در برابر جان‌دار دوپایی که قدرتی مهارنشدنی و میلی سیری ناپذیر داشت، میش‌ها انتخاب چندانی نداشتند. دو پا خوب شد و چهارپا بد. پس تسلیم شدند و بع بع کنان در خدمت انسان قرار گرفتند.

نمایشگاه عکس بره های ایرانی که مجموعه عکس‌هایی از عکاس ایلات و عشایر ایران، حسن غفاری را در موزه ی عکسخانه ی شهر تهران به تماشا نهاده تصویری ست از نسل امروزین همان میش‌هایی که کوتاه آمده، حیات وحش را رها کرده، دست از آزادی و یله گی برداشته دست آموز شدند تا میش‌هایی باشند در مشت شبان.

■ حسن غفاری متولد ۱۳۴۸ بویراحمد، عکاس مستند اجتماعی‌ست. در کارنامه وی بیش از دو دهه فعالیت حرفه‌ای، برگزاری چندین نمایشگاه عکس، کسب مقام‌های برگزیده، تدریس عکاسی و داوری در جشواره های مختلف دیده می شود. او در ایل به دنیا آمده، در روستا قد کشیده و سال‌هاست که یک شهرنشین تمام عیار است. از نسلی است در حال گذار که یک پایشان در سنت و پای دیگرشان در دنیای مدرن است. از دامنه‌های دنا تا تهران را کوبیده و آمده اما در هر فرصتی دوباره برگشته پا به پای ایلاتی که دوام آورده اند، همراهشان کوچ کرده، دکمه دوربین را چکانده و کوشیده تا با استفاده از این رسانه هنری مدرن زندگی آن‌ها را و گاهی آخرین آیند و روندشان را ثبت و ماندگار کند؛ (عکس اول)

■ در نمایشگاه بره‌های ایرانی، میش‌ها می‌زایند و بره‌ها به دنیا می‌آیند. اگر چنین اتفاقی برای کسی که زاده شهر است و بالیده در گیر و دار تراکم و ترافیک و ساز و کارهای تجدد، در حد یک سرگرمی است برای شبان همه چیز است. شبان لر در نیایش خود چنین می سراید:

ای خدا بارون بیا میشم بزایه / برشه نرز ایکنم وایم ورایه

ای خدا باران ببارد میشم بزاید / بره اش را نذر می کنم آرزویم برآورده شود

میش همه چیز شـبان اسـت و بره ای که به دنیا می آید برای او نماد فراوانی و امید و زندگی است؛ (عکس دوم)

■ زن شبان اگر نور چشم خود را به پشت می‌بندد، بره میش خود را نیز در بغل می گیرد. وقتی میش‌ها چاق باشند و بره‌ها سالم، نشانه خرسندی و رضایت را می توان از پس آن‌همه زحمت و کار در چهره


۱


۲


۵


۶

آفتاب سوخته ی زن دید؛ (عکس چهارم)

■ هم شبان و هم میش در چرخه ی زندگی (circle of life) جا می گیرند. شبان میش را به چرا می برد و مراقب اوست و میش برای شبان غذا و زندگیست. شیر و گوشت و پشم و کود و پولی که از فروش میش به دست می آید، همه در خدمت شبان و تداوم زندگی اوست. اگر پولدار به پول و مالک به ملک می نازد، شبان به میش می‌نازد. در ادب محلی، شبان جوان عاشق دختری زیبا می‌شود و چشم انتظار پاسخ است اما دختر عشوه می ریزد و امروز فردا می کند. جوان چنین می سراید:

اگر سی ریشمی ریشم ایتراشم /اگر سی میشمی میش پر قاشم
تری نای نای نای / تری نای نای نای
اگر به خاطر ریشم هستی، ریشم را می تراشم /اگر به خاطر میشم هستی
آغل من پر از میش است/ تری نای نای نای / تری نای نای نای

این عشق از زندگی سرچشمه می گیرد و در تار و پود دست بافته های شبانان نقش می بندد تا عکاس آن را چنین به تصویر کشد؛ (عکس سوم)

■ میش زیر بنای معیشت و دوام در شیوه ی زیست شبان–رمه گی ست. سایر چیزها روبنایند. اگر ناف شهرنشینان را در کشور ما با نفت بریده اند، ناف زاد و زیست شبانان را با میش بریده اند. در یکی از عکس‌ها، زن شبان گله را در سپیده دم به چرا برده است. در دوردست چاه نفتی می سوزد، دود می شود و به هوا می رود؛ (عکس پنجم)

■ برای شبان، میش از همه چیز مهم تر است، برای میش نیز هیچ‌کس از شبان مهم‌تر نیست. پس از هزاران سال شبان و میش سفت و سخت به هم دل بسته و وابسته شده اند. اگر اولین شبان برای رام کردن نخستین میش خون دل می‌خورد، اینک برای سر به راه نگه‌داشتن میش‌ها نیازی به کارهای طاقت فرسا نیست. شبان برای به راه آوردن میش‌های گوش نگیر و دغل همان چماق همیشگی را در دست دارد. در سایه چماق، او نه در پس گله که پیشاپیش آن‌ها با خیال آسوده گام برمی‌دارد. میش‌ها سر به زیر و آرام در پی او روان هستند بی‌آن که به چشم اندازی از قله حیات وحش که روزی سرزمین اجدادشان بود و اینک پیش رویشان است، نیم نگاهی بیاندازند. رمه ردپای شبان را دنبال می کند حتی اگر شبان نخواهد؛ (عکس ششم)

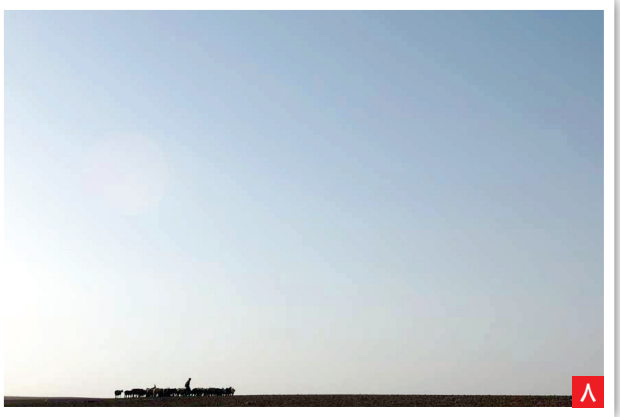
■ این تصویری است که در دنیای مدرن به ندرت چنین آشکار دیده می شود. امروزه روز اگر شبانان اندکی یافت می شوند و شبانی دیگر چنگی به دل نمی زند و شبان–رمه گی راه به جایی نمی برد، عیب و ایراد از میش ها نیست. ایراد را جای دیگر باید جست؛ (عکس هفتم)

■ میش بودن درد بدی ست. میش ها تاوان میش بودن خود را می پردازند. گاهی طعمه گرگ‌ها می شوند، گاهی در مسیر کوچ، گله وار زیر ماشین می روند، هم در عزا و هم در عروسی سرشان را با کارد می برند، برای رضای خدا و خلق به قربانگاهشان می‌برند، شیرشان را می دوشند، بره هایشان را به سیخ کباب می کشند و آن‌ها را به هر قصابی که پول بیشتری بدهد می فروشند. حتی وقتی در نقش برجسته‌های تخت جمشید و نگاره‌های محلی جای می گیرند، سرانجام خوشی در انتظارشان نیست. عکس‌های نصب شده بر دیوار نمایشگاه این‌ها را چنان نشان می دهند گویی که بخواهند عبرتی برای دیگر میش‌ها باشند. با این همه، آخرین عکس در یک نگاه به ما نشان می دهد که در ایران عزیز، پای قله ی بالا بلند دماوند در مراتع سرسبز و میان شقایق های سرخ، میش های بی شبان بدون آن که عبرتی در کار باشد، آرام و سر به زیر می چرند و این یعنی گرچه شبان–رمه گی به پایان راه رسیده، همچنان که دیده می شود، هنوز هست ؛ (عکس هشتم)


۳


۴


۷


۸

جزو اولین تبعات گران شدن دلار، گرانی دوربین‌های دیجیتال بود که شـوک وحشتناکی بین عکاسان و علاقمندان عکاسی ایجاد کرد.

عکاسانی که به دلیل سـونامی و زلزله ژاپن یک‌بار شـاهد گران شـدن دوربین‌های عکاسی بودند این بار نیز با گران شـدن تقریبا دو برابری دوربین‌های دیجیتال رو به رو شـدند به طوری که خیلی‌ها قید خرید دوربین دیجیتال را زدند و ترجیح دادند با همان وسایلی که داشتند سر کنند.

در این بین دوربین "پنج‌دی کانن" شاهد بیشـترین تغییر در بین دوربین‌ها بود. دوربینی که به واسطه فیلمبرداری خوبـش و اسـتفاده در چنـد فیلم سـینمایی کاربردی دو طرفـه دارد. هـم برای عکاسی و هم برای





5 اَم آرزوست

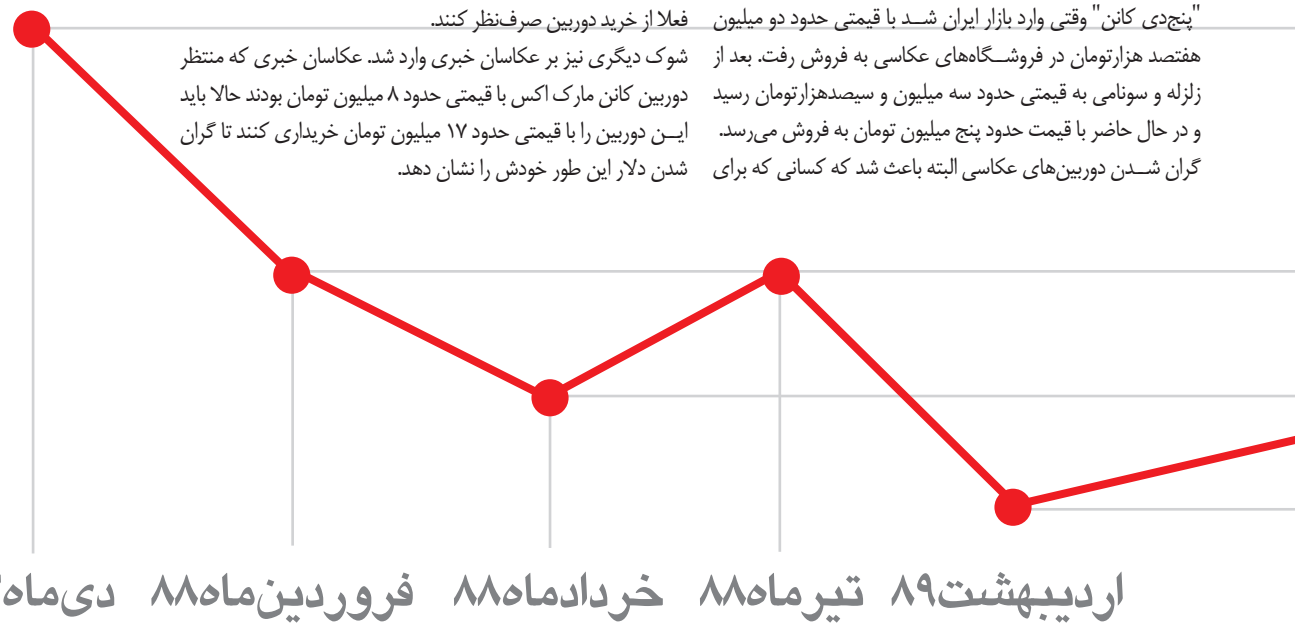
احسان رافتی

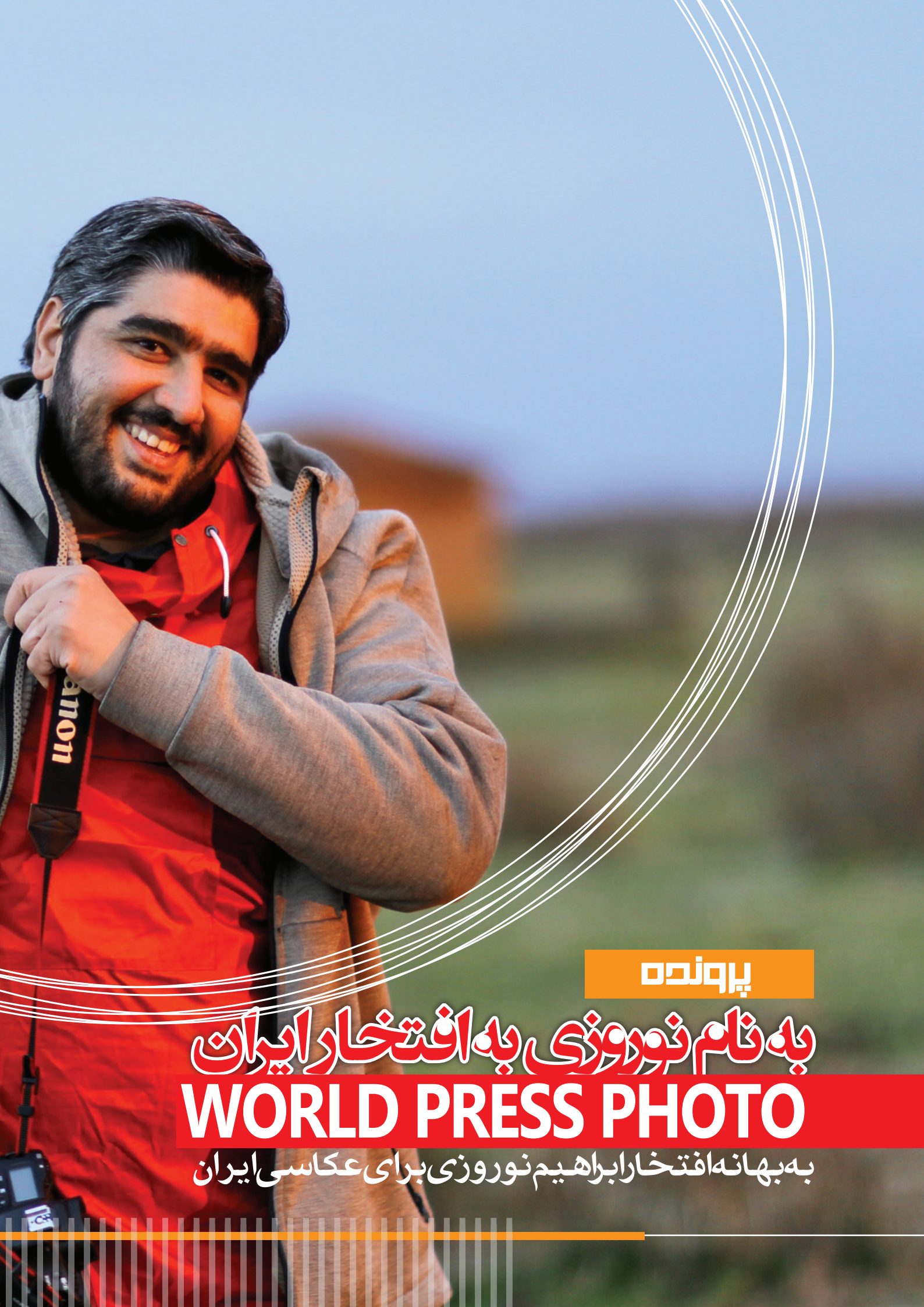
و قیمت‌هایی که روز به روز بالا می‌رود...

فیلمبـرداری...

"پنج‌دی کانن" وقتی وارد بازار ایران شـد با قیمتی حدود دو میلیون هفتصد هزارتومان در فروشـگاه‌های عکاسی به فروش رفت. بعد از زلزله و سونامی به قیمتی حدود سه میلیون و سیصدهزارتومان رسید و در حال حاضر با قیمت حدود پنج میلیون تومان به فروش می‌رسد. گران شـدن دوربین‌های عکاسی البته باعث شد که کسانی که برای تفریح و تفنن می‌خواستن از دوربین‌های دیجیتال اس‌ال‌آر استفاده کنند فعلا از خرید دوربین صرف‌نظر کنند.

شوک دیگری نیز بر عکاسان خبری وارد شد. عکاسان خبری که منتظر دوربین کانن مارک اکس با قیمتی حدود ۸ میلیون تومان بودند حالا باید ایـن دوربین را با قیمتی حدود ۱۷ میلیون تومان خریداری کنند تا گران شدن دلار این طور خودش را نشان دهد.





پرونده

به نام نوروزی به افتخار ایران

WORLD PRESS PHOTO

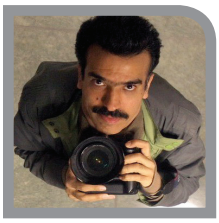
به‌بهانه‌افتخارابراهیم‌نوروزی‌برای‌عکاسی‌ایران



بهنام صدیقی

«World press photo» نام موسسه‌ای غیرانتفاعی و مستقل است که در سال ۱۹۵۵ میلادی در هلند پایه‌گذاری شده و تلاش دارد در حرف و در عمل بدون رویکردهای سیاسی و ملیتی از حرفه عکاسی و خبرنگاران حمایت کرده و در جهت توسعه آن بکوشد. کمتر عکاسی است که پس از دوره‌ای فعالیت حرفه‌ای به دنبال ارسال عکس در این مجموعه حتی در حد امتحان توانایی‌های خود نبوده باشد و هرسال بهترین عکس‌های گزارشگران خبری در بخش‌های مختلف ارائه و در نهایت بهترین عکس‌های سال در بخش‌های مختلف معرفی می‌شود. مجموعه World press photo در این سال‌ها بخش‌هایی نظیر بخش «خبری»،«عمومی»، «اسپات نیوز»،«ورزشی»،« مسایل معاصر»،« پرتره»،« زندگی روزمره»،« هنر و نمایش»،« طبیعت» و عکس‌های روایی در دو بخش تک عکس و مجموعه عکس بوده است و به گفته بسیاری از عکاسان هر دوره این رقابت جهانی نسبت به دوره قبل تغییرات زیادی دارد و نمی‌توان نوع نگاه و دلایل انتخاب در هر دوره را پیش‌بینی کرد چرا که در هر دوره حتما موضوعی جدید در نوع انتخاب و داوری عکس ها مد نظر قرار می گیرد.

در سال‌های اخیر محمد فرنود عکاس به نام و خوش سابقه سمنانی در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱ برای عکس هایی از جنگ ایران و عراق و زلزله شمال (منجیل و رودبار) و عطاالله طاهر کناره در سال ۲۰۰۴ برای عکسی از زلزله بم در این مسابقه مهم انتخاب شده‌اند و امسال نیز مجموعه عکس ابراهیم نوروزی پس از هشت سال و در شرایطی که بسیاری از عکاسان امیدی برای انتخاب ایران نداشتند به خاطر مجموعه‌ای که اعدام در ملاءعام و حضور مردم در بخش‌های مختلف را نشان می‌داد، در بخش ـ مسایل معاصر ـ این رقابت انتخاب شده است.



محمد نوروزی

موضوع مهمی به نام زیرنویس

رقابت world press photo امسال قدمی رو به جلو برای خود و عکاسان مختلف و یک درس و پیام آموزشـی خوب برای عکاسـان ما به خصوص عکاسان جوان داشت که ابراهیم نوروزی به عنوان یکی از برنگان این رقابت بزرگ از ایران هم در یکی برنده از مصاحبه های خود به آن اشاره کرد و این موضوع چیزی جز زیرنویس و توضیح برای عکس نیست که بارها و بارها در مورد استفاده از این قابلیت کوچک اما بسیار مهم و کاربردی صحبت کرده ایم. ابراهیم نوروزی در مصاحبه خود تاکید کرده بود که دوستان دیگری همزمان با او عکس هایی با موضوع مشابه در مورد اعدام برای این رقابت ارسال کرده اند که به نظر او بسیاری از آن عکس ها قابلت انتخاب را هم داشته اند اما او برای عکس ها زیر نویس گذاشته و داوران نیز علاوه بر عکس به این موضوع مهم نیز قطعا امتیاز داده اند.

این نکته و تاکید بر آن برای یادآوری به عکاسان جوانتر بسیار مهم است تا از همان ابتدا با اطلاع و آگاهی با سوژه خود ارتباط برقرار کنند و شرح حال ان موضوع و ماهیت و چرایی ان را به خوبی بدانند و بتوانند در مورد آن توضیحی را ارائه کنند. در شرایطی که جشنواره های برگزار شده در ایران بدون رعایت استاندارد های لازم و بدون هیچ اصل مشخصی شکل می گیرد و هر عکسی که انتخاب شود تبدیل به الگویی برای عکاسان جوان شده و سال بعد شاهد ارسال تعداد زیادی از آن عکس هستیم، همین یک درس از رقابت بزرگ و سازنده world press photo می تواند برای ما مهم و سازنده باشد و ما را چندین قدم جلو ببرد.

در عین حال عکاسان جوان نباید برنده شدن در این عرصه های بزرگ و مهم را دور از ذهن خود بدانند و فکر کنند انتخاب در چنین فضاهایی نیازمند یک اتفاق و حادثه عجیب و غریب مثل زلزله بم اسـت چرا که با انتخاب ابراهیم نوروزی برای آن مجموعه عکس مستند از اعدام متوجه شدیم این مجموعه های بین المللی و تخصصی عکس به دنبال کار خوب هستند و با یک شرح عکس خوبتر می توان امتیاز زیادی به عکس داد.

بهتر اسـت که عکاسـان جوان باید در این مسابقات که معمولا بخش های مختلفی دارند با وسواس و توجه زیادی شرکت کنند و یادشان نرود world press photo هر سال نسبت به سال قبل خود تغییرات زیادی دارد و هر بار جلوتر رفته و کاملتر می شود و ما هم باید به همان نسبت خود را تغییر داده و جلو ببریم و به عبارتی عکاسان جوان از این به بعد باید خوب ببینند، خوب عکس بگیرند و خوب برای آن بنویسند. البته در این میان نباید دچار جشنواره جشـنواره زدگی و کسب رتبه و مقام شوند و این همان نگرانی این روزهای جامعه عکاسی کشور است.



مهدی قاسمی

آغازی نو برای عکاسی ایران

موفقیت یک شـخص در زمینه‌های مختلف عکاسـی و عـدم قدردانی دیگران و یا بی اعتنایی نسـبت به این موفقیت یکی از موضوعاتی است که نوشـتن در باره آن برایم سخت است چرا که نگران وارد شدن برخی خاطرات شخصی خودم به این موضوع هستم.

اخیرا دوسـت و همکار خوبم ابراهیم نوروزی درمسابقه جهانی world press photo مقـام دوم را بـا یک مجموعه عکس بدسـت آورد و باعث شادی بسـیاری از دوستان و همکاران شد. اما آن چه در این میان آزاردهنده اسـت رفتار و اظهارنظرهایی است که متاسفانه سال‌هاست در جامعه کوچک هنری و رسانه‌ای شایع است و دلایل مختلف هم دارد که نتیجه واحد دارد. نادیده گرفتن، تحقیر کردن و ندیدن یک موفقیت شاید ریشـه در ناکامی یا حسادت یا بسـیاری دلایل شخصی داشته باشد ولی متاسـفانه تنها تاثیر این بدرفتاری دلسرد شدن جوانان و دلگیر شدن آنان از فضای حرفه‌ای است.

قطعا تحسین بی‌جا باعث ایجاد شخصیت کاذب برای یک عکاس می‌شود ولی تحسین بعد از یک موفقیت در این ابعاد و حرکتی رو به جلو و درست باعث ایجاد انگیزه برای ادامه راه و تلاش بیشتر می‌شود.

تـا جایی که می‌دانم حرکات و حرف‌های برخی از دوسـتان باعث دلگیر شـدن ابراهیم نوروزی شـده اسـت اما بر اسـاس تجربه شخصی تنها پیشنهادم به این دوست عزیزم «سکوت و نشنیدن» حرف‌هایی است که باعث توقف در حرکت او می‌شود.

هرچند که این نوع رفتارها که شـاید بهتر اسـت اسـم آن را بی اخلاقی بگذاریم نسـبت به سال‌ها پیش کمتر شـده است اما هنوز هم به فراخور موضوع و زمان‌های خاص خود را نشان می‌دهد و من امیدوارم بهار پیش رو آغازی نو برای عکاسـی ایران باشد و دریافت این جایزه انگیزه‌های نو را به جامعه عکاسی به خصوص دوستان جوانتر بدهد و همه ما یاد بگیریم با نگفتن حرف‌هایی که باعث رنجش دیگران می‌شود به کشتن انگیزه در جوان‌های پر تلاش و خوش‌فکر پایان دهیم.

این موفقیت چه به نام ابراهیم یا هر فرد دیگر، امتیاز و چراغ روشنی برای جامعه عکس ایران است که باید آن را فارغ از فرد و جایگاه ارج بگذاریم و سعی در بزرگ و بیشتر کردن و پروبال دادن به آن باشیم.



علی رفیعی

خلاء بنیاد تخصصی آموزش عکاسی خبری

عکاسی خبری یکی از پیچیده ترین شاخه‌های عکاسی است. این پیچیدگی تا به آن‌جاست که بسیاری معتقدند عکاسان برای ورود به آن، باید راهی طولانی و ناهموار را پیموده و در بسیاری از ژانرهای عکاسی، مدتی را به تمرین و سیاه مشق سپری کرده باشند تا شاید پس از مدتی آموزش و یادگیری، خود را آماده برای دست و پنجه نرم کردن با این راه دشوار بیابند. اما با وجود تمام سختی‌ها و گزندها، جمع عظیمی از علاقه‌منـدان به مقوله دوربین و تولیدات اش، در بدو ورود به دنیای عکاسـی، عرصه خبر را برای فعالیت برمی‌گزینند. شـاید جذابیت‌های پیدا و پنهان در رگ و پی عکاسی خبری این وسوسه را به جان جوانان علاقه‌مند می‌اندازد ویا این نکته آن‌ها را وسوسه می‌کند که می‌بینند حاصل کار عکاسانِ خبری هر روز در روزنامه‌ها، مجلات و خبرگزاری‌ها در مقابل چشمان خیل عظیمی از مردم قرار می‌گیرد، دست به دست می‌شود و گاه نیز جنجال می‌آفریند.

این‌جاسـت که سنگ بنای یک اشـتباه تکراری رقم می خورد. عکاس نوپا می‌بایست خود را در محیط خشک مطبوعاتی با حرفه‌ای‌هایی ـ گاه مغرور ـ طرف ببیند تا ظرافت‌های کار را بیاموزد. شـاید تک و توک‌اند عکاسانی که در برابر تشـرهای ریاستی محیط رسانه دوام بیاورند و چه بسیارند عکاسانی که همان روزهای نخستین، طعنه‌های نیشدار سردبیران و خبرنگاران کهنه کار را تاب نمی آورند و عطای کار را به لقایش می بخشـند و از همان سـیاه قلم کاری‌های مسـتند اجتماعی هم دلسرد می‌شوند. اما هستند کسانی که این دوران را سـپری کنند و شاید سـال‌ها بعد، خود تبدیل به یکی از همان حرفه‌ای‌های مغرور شوند، یا تنگناهای بسیار و استرس‌زای عکاسی خبری در سال‌های گذشته، شیشه حوصله‌شان را آنقدر نازک و شکننده کند که از مقوله آموزش حین کار به جوان‌ترها گریزان باشند که در هر دو صورت چرخه معیوب پرورش و آموزشِ عکاس خبری هم‌چنان ادامه خواهد داشت.

بـا توجه چند مؤلفه مهم نظیرجوان بودن جامعه عکاسـی ایران، تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان این رشته و نیز وضع سیاسی کنونی جهان و تحولات جاری در منطقه و همچنین پیشـرفت شتابان و روزافزون سلیقه و اشتهای بصری خبرگزاری‌های داخلی، ضرورت وجود بنیادی خاص برای دسـت‌چین کردن عکاسان و آموزش تخصصی عکاسی حرفه‌ای برای مطبوعات داخل کشور و به روز نگاه داشتن عکاسان شاغل در رسانه‌ها بیش از گذشته احساس می شود. در عین حال تورهای کوتاه مدت آموزشی خارجی که گه‌گاه از سوی بنیادهای بین‌المللـی همانند وردپرس، مگنوم و غیره برگزار می شـود و تعداد کمی از عکاسان (گاه حتی نامرتبط به عکاسی خبری) شانس شرکت در آن را به دست می آورند، دردی از عکاسی خبری کشور دوا نمی کند. درثانی امکان ادامه ارتباط مستمر با بنیادهای فوق و آپدیت آموزش‌های بدست آمده برای عکاسانی که این دوره‌ها را سپری کرده اند، هیچ‌گاه به‌دست نخواهد آمد و این امید وجود دارد که نهادهای مرتبط، به جای تاسیس انجمن‌های رنگارنگ و بیشتر تزئینی برای جامعه عکاسی کشور، با راه‌اندازی چنین سیستمی، پایه‌های آموزش حرفه‌ای را مستحکم تر کنند.

ESS PHOTO

اگر بگوئیم ۹۰، سال اسکار ایران بود، چندان دور نیست و تقریبا همزمان با اصغر فرهادی که مثل قهرمانان ورزشی پرچم ایران را در بین کشورها برای اسکار شیرینش بالا برد، ابراهیم نوروزی هم بعد از سال‌ها در رقابت بزرگ world press photo پرچم ایران را بالا برد و جایگاه عکاسی ایران را تکانی داد. نوروزی حالا و بعد از این انتخاب، خوشحالی‌های بعد و حرف‌های و حدیث‌های در ادامه‌اش که انگار خیلی بیشتر بوده و بی‌انصافی در حق خود و جایزه اش بوده دنبال برنامه‌های بزرگ و مهم دیگری است. او قصد دارد در فضای بی تفاوتی و کم‌کاری بسیاری از دوستانش راهی نو در مالتی مدیا و مستند باز کند و برای این کار هم می‌خواهد آژانس عکس ایران را به شکلی فعال در سال ۹۱ اجرایی کند.

نوروزی از سال ۸۳ در خبرگزاری فارس با حضور در بخش IT به طور غیر مستقیم وارد دنیای عکاسی شده و در سفرهای مختلف همراه عکاسان بوده و به مرور و با گرفتن تجهیزات عکاسی و گذراندن دوره‌های مختلف و کار تجربی عکاسی را آغاز کرد و اضافه می‌کند: پس از حضور در سفرهای مختلف استانی و همراهی با عکاسان مختلف، عکس‌های متفاوتی را ثبت کردم و پس از مدتی خروجی کارم مورد توجه عکاسان دیگر قرار گرفت و نتیجه کارهایم دیده شد و پس از آن به مرور به شکل جدی عکاسی را آغاز کردم.

او در این سال‌ها و تا این‌جای کار مشکلات زیادی داشته و سختی‌های زیادی را متحمل شده و در توضیح فراز و نشیب کار در این سال‌ها می‌گوید: تا سال ۸۸ در خبرگزاری فارس مشغول بودم، اما پس از انتخابات و اتفاقاتی که مدیریت این مجموعه رخ داد از این مجموعه جدا شدم. این جابه‌جایی هم به دلیل تغییر در خبرگزاری فارس و هم تغییر در علایق خودم و اینکه لازم بود برای کار مستند وقت بیشتری بگذارم، بود. پس از آن در موسسه ایران مشغول به فعالیت شدم و قرار شد آژانس عکس ایران را که از نظر جامعه عکاسی کار خوب و حرفه‌ای بود، آغاز کنم اما به مرور به آنچه می‌خواستیم نرسیدیم و تا اوایل سال ۹۰ در مجموعه ایران مسئولیت بخش ایران دیلی، ایران ورزشی، الوفاق و چند مجموعه دیگر را بر عهده داشتم اما در آنجا هم تغییر مدیریت اتفاق افتاد و مدیران جدید اهمیتی به آنچه ما برای عکس برنامه‌ریزی کرده بودیم ندادند. در حال حاضر نیز در روزنامه جام جام مشغول به فعالیت هستم.

وی تاکید می‌کند که در این سال‌ها به دنبال فعال کردن آژانس عکسی با قابلیت‌های مورد توجه برای ایران بوده است و می‌افزاید: به خصوص در شرایطی که بسیاری از آژانس‌های بین‌المللی موضوع مالتی‌مدیا را به عنوان یکی از اولویت‌ها و موارد جدی در دستور کار خود قرار داده‌اند، بهتر است ما نیز هر چه زودتر وارد این فضا شویم و من به طور جدی دنبال این هستم که در آژانس عکس مورد نظرم



معصومه اصغری



WORLD PR
EBRAHIM
NOUROZI

موضـوع مالتی‌مدیا فعال شـود و بتوانیم افرادی که تاکنون در این زمینه اقدامات موثری را انجام داده‌اند برای ورک شاپ‌های داخلی دعوت کنیم.

وی تاکید می‌کند که دغدغه این روزهای او تاسیس آژانس عکس و فعال کردن مالتی مدیا نیسـت، اما نمی‌تواند نسبت به فقدان و کمبود این مساله در بین جامعه عکاسی بی‌تفاوت باشد و نمی تواند در شرایطی که بسیاری از عکاسان نسبت به این مساله بی‌اهمیت و یا ناآشنا هستند هیچ کاری نکند. به همین دلیل در حال حاضر خود را موظف می‌داند تا بیشترین انرژی را برای انجام این کار بگذارد.

■

نـوروزی دو دختـر دارد و در تهـران زندگی می‌کند تقریبا شخصیتی جدی دارد چرا که هرچقدر موضوع صحبت را به سـمت شـوخی برخی از مسـائل روز می‌کشانم باز هم کاملا جدی جواب می‌دهد تا این‌که سراغ سوال‌های جدی‌تر رفتیم و کلا فض سنگین شد.

او در مورد علت شـرکت در جایزه world press photo توضیـح داد: چندین سـال بود که در این مسـابقه شـرکت می‌کردم، البته در سـال‌های اول و دوم دقیقا نمی‌دانسـتم که باید به چه شـکل و با چه عکس‌هایی وارد این رقابت شوم، به همین دلیل موفقیتی نیز نداشـتم، چراکه اساسا شرکت در چنین رقابت‌هایی باید حساب‌شـده و کاملا آگاهانه باشد، چراکه انتخاب هر عکس و زاویه نگاه ما نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی خودمان و کشورمان خواهد بود.

وی ادامـه داد: در سـال اول و دوم به همین دلایل انتظار برنده شـدن نداشتم اما به نظرم کارهای ارائه شـده ارزش دیدن را داشـت. اما در دوره قبلی و این دوره اگرچه باز هم انتظار انتخاب شـدن را نداشتم، اما به نظرم عکس‌ها ارزش دیده شـدن را داشـتند. در زمانی که قصد شـرکت در این مسابقه را داشتم، خیلی‌ها می‌گفتند که از ایران کسی انتخاب نخواهد شد و سال‌هاست به ایران امتیاز و انتخاب نمی‌دهند، مگـر اینکه اتفاق و حادثه خاصی بیفتد چرا که پیش از این و حدود ۸ سـال پیش عطـا طاهرکناره برای عکسـی از زلزله بم در این رقابت انتخاب شده بود، اما پس از آن کسی موفق به دریافت این جایزه نشده بود.

■

نـوروزی اذعان کـرد که انتخـاب در ایـن رقابت برای خودش نیـز تکان‌دهنده بـود و گفت: پس از انتخاب خوشـحالی زیادی داشتم و درآن زمان دیگر احتمال انتخاب عکسـم به یقین تبدیل شده بود. در زمـان اعلام خبر با مهدی قاسـمی و یلدا معیری از برنامـه برمی‌گشـتیم و در حال خـوردن آش بودیم که ابوالفضل نسـایی ـ از دوستانم ـ برای تبریک با من تمـاس گرفت و من مثل خیلـی از مواردی که دوستان شوخی می‌کنند به تصور اینکه باز هم شوخی می‌کنند از او خواستم که چنین شوخی بدی را با من نداشته باشد، چون واقعا ناراحت می‌شوم اما بعد متوجه شدم که شوخی در کار نبوده و واقعا انتخاب شدم.

■

پس از اعلام این جایزه واکنش های مختلفی در مورد این انتخاب و خود نوروزی مطرح شد هرچند که اخبار منتشـر شده در موردش خیلی کم بود و نوروزی در رابطه با واکنش دوستان و سایر جامعه عکاسی نسبت به این انتخاب دخور اسـت امـا دلش نمی‌خواهد در مورد این موضوع صحبت زیادی داشته باشد.









او در پاسخ به سوال ما گفت: در واقع واکنش خوبی از سوی بسیاری از دوستان و جامعه عکاسی نداشتم؛ خیلی از دوستان از صمیم قلب تبریک گفتند و خوشحال بودند. هم به خاطر من و هم به خاطر جامعه عکاسی، چراکه بسیاری از آنها جنبه‌های مختلف این جایزه را درک می‌کنند. اما برای بسیاری نیز این انتخاب سخت بود و تبریک گفتن به من سخت‌تر، اما در نهایت تبریک گفتند. برخی هم با طعنه و کنایه تبریک گفتند و برخی دیگر نیز اصلا اشاره‌ای نداشتند و در مجموع نوع برخورد آنها در مدت اخیر برای من خیلی گران تمام شد و سخت گذشت.

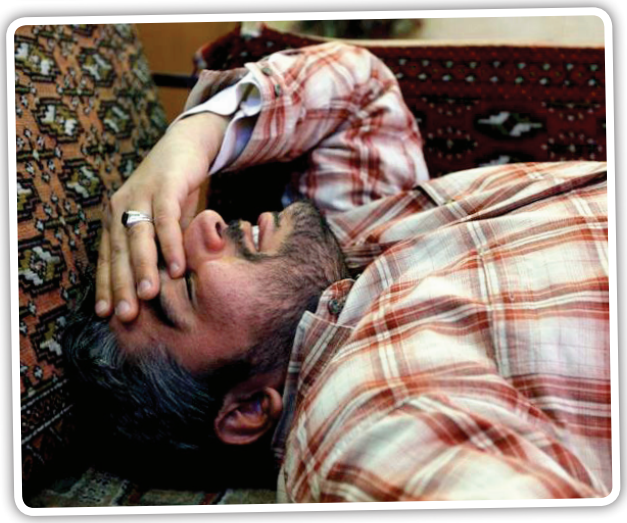
وی افزود: فکر می‌کردم این جایزه می‌تواند جامعه عکاسی را خوشحال کند و با توجه به ارتقایی که در جامعه عکاسی به وجود آمد، اشخاصی از بزرگان جامعه عکاسی در مورد این موضوع صحبت کنند، اما هیچ صحبت و اشاره‌ای نشد و بسیاری از رسانه‌های عکس کاملا سلیقه‌ای و با توجه به جایگاه شخصی خود با این موضوع برخورد کردند. انتظارم از جامعه عکاسی این بود که حداقل این جایزه و اهمیت آن را برای بسیاری از عکاسان جوان معرفی کنند و یا در مورد این صحبت می‌شد که اساسا گرفتن این جایزه چه تاثیری برای ما خواهد داشت. اما فارغ از رفتار و واکنش عکاسان و دوستان و برخوردهای شخصی این انتظار در مورد رسانه‌ها برآورده نشد و متاسفانه باید گفت که رسانه‌های تخصصی عکس با توجه به اینکه در اختیار برخی افراد است، کاملا سلیقه‌ای و گروهی اداره می‌شود. بسیاری از دوستانی که من را می‌شناسند می‌دانند که در شخصیت من واکنش منفی نسبت به این موضوعات و رفتارها و بی‌مهری‌ها وجود ندارد و جایی نیز در مورد این موضوعات صحبتی نکرده‌ام تا کسی ناراحت نشود. اما اخلاق حکم می‌کرد که چنین اتفاق مهمی نه برای من بلکه برای عکاسی ایران خیلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت تا در فضایی که بی‌انگیزگی و رخوت در بین عکاسان موج می‌زند، شرایط رنگی‌تر و بهتری ایجاد شود. قطعا صحبت در مورد این موضوع می‌توانست بهتر از نگفتن آن ، پنهان کردن یا بی‌تفاوتی نسبت به آن باشد، چراکه این جایزه قطعا برای یک نفر نیست و من نیز خود را تنها مالک آن نمی‌دانم.

وی با انتقاد از برخی عکاسان به خصوص پیشکسوتان گفت: همیشه در مورد انتقاد از دیگران یک پای ثابت ماجرا هستیم، اما زمانی که پای انتقاد خودمان به میان می‌آید دیگر هیچ صحبتی نمی‌کنیم و همه مسائل به سمت بی‌تفاوتی و سکوت پیش می‌رود. در عین حال جای سوال هست که اگر شخص دیگری غیر از من این جایزه را می‌گرفت باز هم این نوع برخورد نسبت به دریافت این جایزه وجود داشت و رسانه‌های تخصصی عکس همین نوع پوشش خبری را داشتند؟

پس از انتخاب نوروزی در این رقابت حرف‌های متفاوت زیادی در مورد گرفتن این جایزه توسط ایران و عکاس‌اش و حتی موضوع مجموعه انتخاب شده حرف‌های زیادی مطرح شد و او در مورد علت انتخاب مجموعه عکس با موضوع «اعدام» در رقابت world press photo نیز توضیح داد: از نظر خودم علت انتخاب این عکس‌ها قطعا موضوع اعدام به تنهایی نبوده است، چراکه در تمام عکس‌ها عامل انسانی به طور کامل به چشم می‌خورد و من در همه









عکس‌هایم از جمله این مجموعه موضوع عامل انسانی را به طور جدی پیگیری می‌کنم. بسیاری در این مدت در انتقاد از این مجموعه عکس و جایزه‌ای که من گرفته‌ام این حرف را گفتند که« چون مجموعه در رابطه با اعدام و محدودیت‌های عکاسی در ایران و همچنین برخی موضوعات سیاسی مرتبط با آن» بوده است این جایزه را گرفته‌ام، در حالی که این حرف درست نیست و افرادی که این موضوع را مطرح می‌کنند جایگاه world press photo را نمی‌شناسند چراکه این مجموعه کاملا به صورت ژورنالیستی، حرفه‌ای و هنری کار می‌کند و به هیچ وجه در این سال‌ها موضوعات سیاسی را در کار خود دخالت نداده است. در عین حال در سال‌های گذشته تاکنون افراد بسیاری به صورت پنهانی و یا آشکار از مراحل متفاوت اعدام در شهرهای مختلف در ملا عام و یا بدون حضور مردم در شرایطی متفاوت عکس‌های مختلفی برای این مسابقه ارسال کرده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها در این سال‌ها انتخاب نشده‌اند. در واقع این مجموعه انتخاب شده چون حرفی برای گفتن دارد و تک‌تک عکس‌های آن برای خودشان به طور کامل معنی‌دار هستند و اگر این‌طور نبود قطعا world press photo عکس های مرا به عنوان رتبه دوم انتخاب نمی‌کرد. ضمن اینکه غیر از این مجموعه در بخش تک عکس نیز آثاری را ارائه کرده بودم چراکه به هیچ وجه احتمال صددرصد نمی‌دادم چنین مجموعه‌ای انتخاب شود و این اطمینان واقعا وجود نداشت، اما کاملا مطمئن هستم که انتخاب آنها نه به خاطر موضوع اعدام و منفی بودم فضای آن بلکه به خاطر رعایت شرایط محیطی و انسانی آن بوده است. در همه فضاها و محیط‌های اعدامی که در این چند ساله حاضر شده‌ام به هیچ عنوان با رویکرد خبری حاضر نمی‌شدم و در مورد این مجموعه نیز به هیچ وجه به دنبال گرفتن عکس با هدف حضور در جشنواره نبوده‌ام. حتی بسیاری از مراسم‌های اعدام برای من سخت تمام شد و بدون گرفتن حتی یک عکس از بسیاری از آنها بیرون آمدم. این محیط‌ها و دخالت انسان‌ها در آن فضا؛ از فردی که جرم را مرتکب شده تا فردی که حکم را اجرا می‌کند و افرادی که آمده‌اند تا اجرای حکم را ببینند همه و همه در این فضا دخیل هستند و چنین فضایی انسان، روحیه انسانی، اخلاق انسانی و در مجموع فضای تلخی را ایجاد می‌کند که به تصویر کشیدن آن واقعا سخت است و من در این سالها تلاش کردم این عوامل انسانی را در چنین موضوعی به تصویر بکشم. البته هنوز هم از گرفتن عکس اعدام خسته نشدم و در فضاهای دیگر قطعا این کار را ادامه خواهم داد.

نوروزی سال ۹۰ را جدای از جایزه آخرش، سال خوبی می‌داند و امیدوار است در سال ۹۱ مجموعه آژانس عکس ایران به صورت رسمی فعال شود و او بتواند دو بخش مستند و مالتی مدیا را به طور کامل و جدی در آن اجرایی کنید، چراکه این شرایط برای خود و سایر عکاسان فایده زیادی دارد.

او در سال ۹۱ سوژه‌های شخصی‌اش در حوزه مستند و اجتماعی را ادامه می‌دهد و در تعطیلات نوروز هم برای دومین‌بار به افغانستان سفر می‌کند. او در این کشور برای ثبت بسیاری از مسائل از جمله موضوعی که خودش می‌گوید مربوط به یک شخص خاص است سوژه‌های زیادی دارد.



عکس‌ها: مهدی قاسمی

سالی که گذشت دوربین.نت سال موفقی را پشت سر گذاشت. یکی از موفقیت‌های دوربین.نت حضوری فعال در جشنواره رسانه‌های دیجیتال بود. هر روز یک عکاس و عکس‌هایش میهمان غرفه دوربین.نت بودند و نمایشگاهی از عکس‌هایشان در غرفه دوربین.نت برگزار شد.
در صفحات بعدی گزارش تصویری و مصاحبه‌هایی از عزیزانی که نمایشگاه عکس داشتند را می‌بینید و می‌خوانید.
همچنین در سی‌دی ضمیمه مصاحبه‌های این عزیزان را می‌توانید ببینید.















حضور پررنگ دوربین.نت در جشنواره رسانه‌های دیجیتال

حسین جلالی / فربد پهلوان





















رضا موسوی:
عکس خوب تئاتر ربطی به تئاتر خوب و بد ندارد

موسوی با مجموعه‌ای از عکس‌های سیاه و سفید تئاتر لیرشاه که توسط گروهی غیرایرانی اجرا شده بود در نمایشگاه غرفه دوربین دات نت در نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال حاضر شد. او عکس‌ها را سیاه و سفید انتخاب کرده چرا که فضای تیره سالن نمایش و لباس‌ها کنتراست زیبایی با تاج لیرشاه داشته و عنصر اصلی تاج در اکثر عکس‌ها به چشم می‌خورد.

وی معتقد است برخی اتفاقات در فضای عکاسی تئاتر اگرچه به خودی خود خوب نبوده اما در نهایت اثر مثبتی برای عکاسی تئاتر داشته و حساسیت روی کیفیت تئاتر را بیشتر و عکاسان جدی تری را وارد عرصه تئاتر کرده است و می‌گوید: در شرایط فعلی جامعه دوربین به دست گرفتن در فضای خیابان سخت و پردردسر شده و اگر اتفاقی رخ دهد عکاس مسئول مستقیم اقدامات خود است.

موسوی معتقد است عکاسی خوب از تئاتر ربطی به خوب یا بد بودن تئاتر ندارد و عکاس خوب عکاسی است که از شرایط و فضای بد و یا سخت تئاتری که حوصله را سر می‌برد عکس و فضایی خوب را به نمایش بگذارد.

وی به افزایش علاقه‌مندان به عکاسی تئاتر نسبت به سال‌های قبل اشاره می‌کند و می‌گوید: عکاسی تئاتر جذاب و جالب است اما به همان اندازه آسیب پذیر هم هست و با بی موالاتی و بی پروایی برخی عکاسان فضای کار خراب می‌شود و در واقع عکاسی تئاتر مثل حرکت روی لبه تیغ است. به همین دلیل نباید با جوزدگی و شتاب پیش رفت و باید بیشتر در پرورش نیروهای جدید تلاش کنیم چرا که جای آموزش در بین عکاسان تئاتر خالی است.

وی به قرار دادن امکان عکاسی در برخی از تئاترها اشاره کرد و اینکه پس از برگزاری دوره‌های مختلف بین عکاسان علاقه مند حالا ۱۶۰ تا ۱۷۰عکاس تئاتر شناسایی شده که کارهایشان تحت نظر و بررسی است و نتایج این اقدامات را حداقل ۵ سال دیگر که عکاسان خوب تئاتر داریم، خواهند دید.

این عکاس تئاتر از نبود فضای نمایشگاهی مناسب برای عکاسان جوان گفت و این‌که بسیاری از عکاسانی که وارد فضای تئاتر می‌شوند شناختی از تئاتر ندارند و فقط تئاتر را در لحظه می‌بینند و عکس می‌گیرند.

مهدی قاسمی:
هیچ فضای امنی نیست اما باید کارت را بکنی

عکس‌های قاسمی به دلیل به روز بودن سوژه و نشان دادن عمق فاجعه‌ای که همین حالا در کشور محروم سومالی اتفاق می‌افتد مورد استقبال بیشتر و متفاوتی مواجه شده و تصاویر کودکان محروم و در حال احتضار و قحطی زده در قاب کوچک نمایشگاه ما به چشم‌های زیادی گره خورد.

قاسمی به شرایط متفاوت کشور سومالی پس از ۲۰ سال جنگ داخلی با کشورهای دیگر و حتی کشورهای دور و اطراف خود در افریقا گفت و این‌که بخش زیادی از این شرایط بد و اسفبار در این سال‌ها وجود داشته و حالا با این قحطی به اوج نابسامانی رسیده است.

او دو هفته با نیروهای هلال احمر ایران در شهر موگادیشو و در کمپ‌های مستقر شده توسط کشورهای کمک دهنده که بیشترشان مسلمان هستند بوده و در ادامه از شرایط خوب و بد آن می‌گوید: حضور گروه‌های تندرو الشباب جلوی کار عکاسی و خبرگیری را به شکلی جدی و خطرناک گرفته و درگیری گروه‌ها باعث شده که هیچ فضای امنی وجود نداشته باشد. بدون محافظ نمی‌توان در این محیط ها تردد کرد و از هر چیزی هم نمی‌توان



عکس گرفت. در همین شـرایط احتمال تیراندازی و گروگان‌گیـری وجـود دارد و در روزهـای آخری کـه در این محیط بودیم شـنیدم که تصویربرداری از کشـور مالزی هدف شلیک گروه‌های تندرو قرار گرفته است.

او می‌گویـد: در فضایـی باید از زنـان و کودکان و محرومیـت آنان عکـس گرفت که صـدای ممتد تیربارها و انفجارهای گاه‌وبیگاه می‌آید و باید بدون توجه به آن‌هـا کار عکاسـی‌ات را انجام دهی چرا کـه من با گروه‌های هلال احمر امکان کافی برای فعالیت نداشتم وباید از حداکثر زمان و فضا استفاده می‌کردم و قطعا عکاسـانی که به صورت شخصی و جداگانه به سـومالی رفته‌اند دسـت بازتری برای عکاسی در فضاهای مختلف داشته اند.

قاسمی معتقد است که ارگان‌های دولتی کشورمان در چنین فضاهایی کمترین توجه را به رسـانه‌ها و بـه خصوص بـه عکس دارند و درعیـن حال هیچ مسـئولیتی در قبال حضور عکاس قبول نمی‌کنند و امکاناتی هم به تبـع در اختیار قرار نمی‌دهند؛ به عبارتی نبود امنیت را بهانه محدودیت‌ها می‌کنند به همین دلیل باید از فرصت‌ها حداکثر استفاده را کرد.



حسن غفاری:
سفر خیلی گران شده!

حسن غفاری از جمله عکاسانی است که تقریبا همیشه به تنهایی عکاسی کرده اما در موارد زیادی همراه عکاسـان بوده و نمی‌شود او را از جامعه بزرگ عکاسان حوزه‌های مختلف جدا کرد و البته روحیه خودمانی و شوخ و گه‌گاه معرتضش در این همراهی بی‌تاثیر نبوده است. او با مجموعه‌ای از عکس‌هایش که مربوط به روسـتاهای مختلف ایران ما است تلاش کرده حجم و روند استفاده بی رویه از منابع جنگل‌ها علی‌رغم بهره‌مندی از یارانه‌های سوخت را به تصویر بکشد که موفق هم بوده است.

رشته تحصیلی غفاری عکاسی بوده اما حالا دیگر به اندازه یک پژوهشگر یا مردم‌شناس اطلاعات و تجربه دارد و نشستن پای حرفش قطعا طولانی خواهد بود. عرق ناسیونالیستی اش قوی است و با حساسیتی خاص در مورد عکاسی در بین قومیت‌ها و عشایر و یا شهرهای کوچک و شهرستان‌های محروم یا سنتی صحبت می‌کند و می گوید: عکاسـی مسـتند اجتماعی شاخه‌ای از عکاسی و عکاسی خبری است با این تفاوت که خارج از فضای شهر و در میان عشایر و روستائیان و با گرایش‌های قوم شناسی انجام می‌شود، همه عکاسان به رفتن در چنین فضاهایی آن هم در فرصت کافی علاقه دارند اما عموما به دلایلی چون نداشتن اطلاعات لازم در مورد این فضاها و عدم تطابق و نیز گران بودن این سفرها و پروژه‌ها دیگر انگیزه ندارند و ترجیح می‌دهند در همین فضای کلاسه شده و روتین شهری بمانند.

غفاری تاکید دارد که اسـتفاده از تورهای عکاسـی برای عکاسان تازه کار که نیاز به تجربه دارند مناسب و جوابگوست چرا که برنامه‌ریزی تور کمک خوبی برای جبران برنامه‌ریزی عکاس دارد اما این قاعده را برای خودش چندان قبول ندارد و می‌گوید: من از همین فضاها کار را شروع کرده‌ام و در همین فضا باقی مانده‌ام و در این سال‌ها دوستان و آشنایانی را برای خودم دارم که بسیاری از هزینه‌های مادی و معنوی و حرفه‌ای کار و سـفرهایم را پوشـش می‌دهند. در عین حال شناختم از ایلات و عشایر مناطق مختلف و سران ایل و قوم آنها موقعیت‌های خوبی را برایم به وجود آورده است.

او معتقد است که برای عکس خوب از قومیت‌های مختلف باید فرهنگ و ظواهر شهر خود را کنار بگذاری و همرنگ جایی که در آن قرار می‌گیری شوی وگرنه از سوی آن گروه یا قوم پذیرفته نخواهی شد و اضافه می‌کند: عکاسـی مسـتند اجتماعی نمایش و تخریب قومیت‌ها و یا نشان دادن مشکلات و فقر میان آنها نیسـت بلکه برای یادآوری، بهبود اوضاع و ارائه راهکار اسـت و من همواره تلاش کرده‌ام که به شناخت اقوام مختلف ایران در دهه‌های حاضر بپردازم و نشان دهم آنها با وجود سنت و آدابی که هنوز در بینشان هست چطور زندگی می کنند.

این عکاس مستند اجتماعی اما در مورد ادامه سفرهای خودش و وجود فضای مناسب برای عکاسان دیگر اظهار ناامیدی می‌کند ومی‌گوید: دیگر سـفر به نقاط مختلف صرفه اقتصادی ندارد و عواملی نظیر شهری شـدن فضاهای بکر روستاها، نبودن امنیت لازم، بی‌اعتنایی نسبت به مسائل اخلاقی وعکاس و در نهایت افزایش قیمت بنزین باعث شده کوتاهترین سفرها هزینه بردار باشند و عکاسان تمایلی به سفر رفتن نداشته باشند.





سیاووش حبیب اللهی:
عکاسی خوب و حرفه‌ای مثل میت روی زمین مانده است

■ شروع کارحبیب‌اللهی با روزنامه کیهان در سال ۵۹ بوده و قبل از آن کار آزاد داشته و به قولی خودش هم آزاد بوده و حالا هم هنوز آزاد است.

■ در دوران جنگ عکاس نبوده اما چند تا از عکس‌های خوب کارنامه‌اش از روزهای اعزام به جبهه ها بوده و او فقط لحظه‌های نابی را ثبت کرده که حالا بعد از این همه سال هنوز هم ناب هستند !

■ حبیب اللهی عکاسی مستند را هم جزوی از کار خبری می‌داند که سوژه برای کار در آن زیاد است و فقط باید با علاقه دل به این دریا زد. او می‌گوید که عکاسی خوب و حرفه‌ای و دنیای سوژه‌های خوب مثل میت روی زمین مانده و دیگرانی که اون نمی خواد خیلی در موردشان حرف بزند نمی دانند چطور این میت را دفن کنند و ما و دیگرانی مثل ما در حال عزاداری برای او هستیم و این شرایط خیلی تلخ است ! او تاکید دارد که کارهای خوبی از سوی عکاسان اتفاق نمی‌افتد. نه نسل‌های قدیمی‌تر به دنبال تربیت و یاددهی به نسل جدید هستند و نه نسل‌های جدید به دنبال یادگیری هستند و در تسلسلی از روزمره‌گی عکس گرفتار شده‌ایم. بسیاری از حوزه‌های کاری عکس دور و منفک از یکدیگر فعال هستند و نبود فضایی مشترک بین همه در بین عکاسان جدید به خوبی احساس می‌شود.

■ او علاقه‌ای به دخالت در این فضا و حرف و حدیث‌های ادامه آن ندارد اما دورادور مراقب ونگران است و معتقد است در آینده نزدیک از این شرایط برای عکس و خلاها و محدودیت‌هایی که برای عکس وجود دارد آسیب و ضرر زیادی خواهیم دید و بخش قابل توجهی از موضوعات جامعه ثبت نخواهد شد.

■ حبیب‌اللهی می‌گوید: عکاس به عنوان یکی از اعضای جامعه که وظیفه ثبت وقایع را دارد باید در بطن بسیاری از مسائل باشد اما متاسفانه سرشان به چیزها و مسائل دیگری در این روزها گرم شده و کارهای دیگری می‌کنند.

■ من بیشتر به دنبال حاشیه‌ها در اتفاقات و وقایع هستم و چشمم بیشتر این مسائل را می‌بیند و در بیشتر موارد دیگران از این نگاه غافل هستند. در عکس‌ها زمان را حذف می‌کنم، یعنی عکس‌ها تاریخ مصرف ندارند و می‌توان آن را در دوره‌های مختلف دید !

حبیب اللهی در نمایشگاه عکس دوربین دات نت با ده تک عکس شرکت داشت.

جاویدنیکپور:
هیچ کس سر جای خودش نیست

■ بسیاری از عکس‌های ورزشی نیکپور را بسیاری از مردم بارها دیده‌اند. عکس‌هایی که هم سوژه‌اش معروف و مهم بوده و هم عکاس در بهترین نقطه و بهترین شرایط قرار داشته و در نهایت عکسی تحویل مخاطب داده که جذبه و هیجان خودش را دارد.

■ نیکپور همان ابتدای کار دو اصل اساسی در عکاسی ورزشی یعنی محل خوب و پیدا کردن زاویه دید عکاسان دیگر به خصوص در مسابقات بین‌المللی را مورد تاکید قرار می دهد و اضافه می‌کند: در بسیاری از مسابقات آسیایی یا جهانی بهترین محل‌ها برای عکاسان شبکه‌های اصلی خبری و یا عکاسان کشورهایی است که بیشترین شانس برای مدال را دارند و عکاسان ایرانی اگر بخواهند منتظر گرفتن محل خوب باشند از اصل ماجرا عقب می مانند، به همین دلیل باید با تجربه قبلی، رایزنی و دوستی و البته به کارگیری زبان خارجی محلی را به موقع پیدا کنند.

■ نیکپور به دیدن سایت‌های خبری و پیگیری آخرین اخبار روز و عکس‌های عکاسان دیگر تاکید دارد چراکه در همان مسابقات و ورزشگاه‌ها کمک زیادی به عکاس ورزشی می‌کند. مزیت کار در عکاسی ورزشی به خصوص در مسابقات بین المللی استاندارد بودن بسیاری از شرایط و نزدیک بودن بسیاری از امکانات و بهترین میزبانی‌هاست اما اگر در این شرایط نتوانید با زبان خارجی مکالمه داشته باشد قطعا با مشکل مواجه شده و کارایی‌تان افت قابل توجهی



می‌کند.
این عکاس ورزشی معتقد است اخلاق در میان ورزشکاران و در میادین ورزشی وجود دارد اما خیلی کم است. در عین حال عکاسان ورزشی هم درگیر بسیاری از این شرایط و اتفاقات شده و و بسیاری از اصول اولیه شغل خود و حتی مسائل اخلاقی را رعایت نکرده و باعث می شوند ورزشکاران و مسئولان ورزشی رفتار مناسبی با عکاسان نداشته باشند.

■ او هم از نبود قاعده و قانون در مورد کپی‌رایت در ایران دلخور است و می‌گوید این موضوع همه کار را تحت تاثیر خود قرار داده و بسیاری از رسانه‌ها خود را در استفاده از عکس‌های عکاسان دیگر محق می‌دانند و به این ترتیب هیچ کس سرجای خودش نیست.

■ نیکپور معتقد است اطلاع عکاس از آخرین اخبار و دیدگاه تصویری او و در نهایت جوگیر نشدن در اتفاقات بازی و ورزشگاه و قرار گرفتن در کنار اتفاقات مهم بازی برای عکاس ورزشی لازم است و اضافه می کند: بسیاری از عکاسان ورزشی در لحظه ثبت عکس، عکس‌شان را نمی‌بینند چراکه در لحظه ثبت آن بوده‌اند و اگر بخواهند صحنه‌ای را ببینند دیگر نمی‌توانند آن را ثبت کنند و این از شرایط این حوزه کاری است.



حسین کریم زاده:
باید دوستی‌هایمان را برای کارمان حفظ کنیم

■ کریم‌زاده عکاس طبیعت و میراث فرهنگی است و با مجموعه عکس‌هایی از نگارهایی سنگی با نام بازگشت در نمایشگاه ما حضور داشت؛ عکس‌ها مخاطب را به حال و هوای آثار تاریخی و در عین حال بازگشت خاک و سنگ از نقوش و مجسمه‌هایی در دل دیواره‌ها به ماهیت اصلی خود یعنی خاک و سنگ متوجه می‌کرد.

■ او به فعال بودن انجمن عکاسان میراث فرهنگی با حدود ۸۰ عضو اشاره دارد و می‌گوید: متاسفانه تاکنون کارهای خوبی در حوزه آموزش و تربیت نیروهای جدید و جوان نداشته‌ایم و این کار نیاز به سفر و رفتن به فضاهای تاریخی دارد اما این اقدام با شرایط فعلی هزینه‌ها و حذف یارانه بنزین با مشکلات زیادی همراه است. اگرچه این نوع سفرهای راحت نیستند اما معمولا از آشنایی‌ها و دوستانمان و در برخی موارد از سازمان میراث فرهنگی کمک می گیریم.

■ وی به این مسئله اشاره دارد که عکس طبیعت و میراث را فرد یا ارگان خاصی خریداری نمی‌کند و می‌افزاید: سال‌های قبل از سوی برخی سازمان‌ها و ارگان‌ها پروژهای عکاسی وجود داشت اما حالا دیگر چنین اقداماتی منسوخ شده است. در عین حال مطبوعاتمان هم قاعده‌ای را برای خریداری عکس ندارند و به دلیل دسترسی‌های گسترده اینترنتی بدون هیچ قاعده‌ای عکس‌ها کپی و استفاده می‌شوند.
اما کریم زاده فارغ از همه اینها هنوز هم لذت بی شائبه عکاسی میراث و طبیعت را با چیز دیگری عوض نمی‌کند و از شناخت تاریخ و جزئیات و ثبت آنها سر شوق می‌آید.

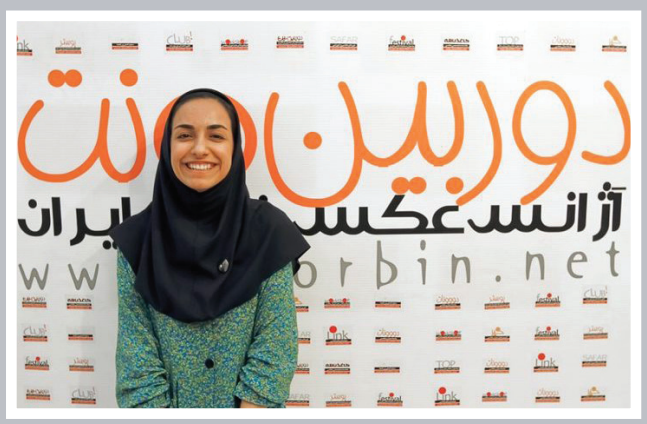
■ او به عکاسان جوانی که به این عرصه می‌آیند توصیه می‌کند که دوستان زیادی داشته باشند و آنها را حفظ کنند چرا که در این حوزه دوستان در شهرهای مختلف کمک بزرگی هستند و این رابطه متقابل کمک و دوستی باید حفظ شود و در ادامه می گوید: عکاسان قدیمی‌تر معمولا از انتقال تجربه‌های خود به عکاسان جوان دریغ نمی‌کنند و در جریان سفرها راهنمایی و جریان سازی آنها مشهود است.


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net

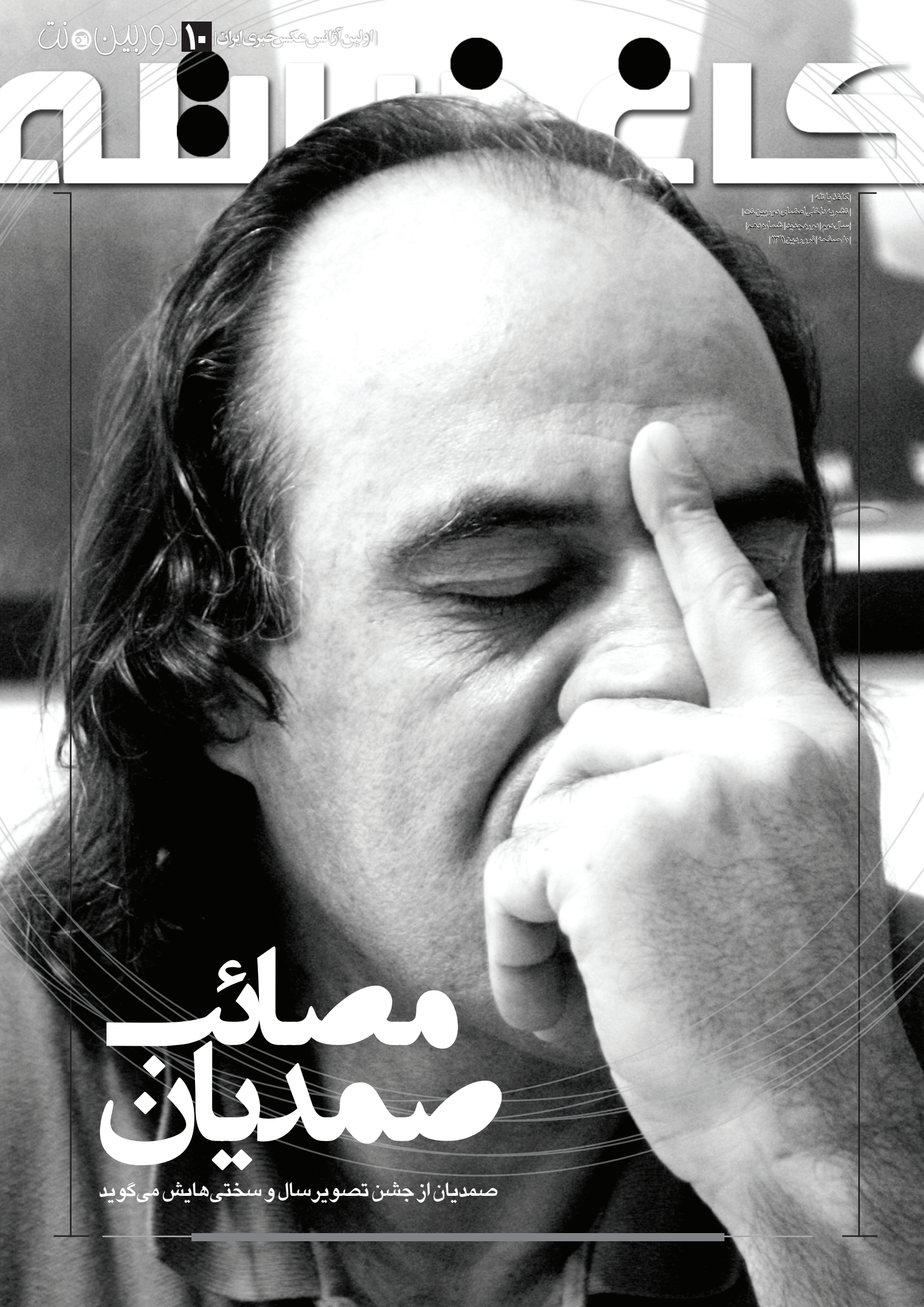

دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net


دوربین.نت
آژانس عکس خبری ایران
www.doorbin.net

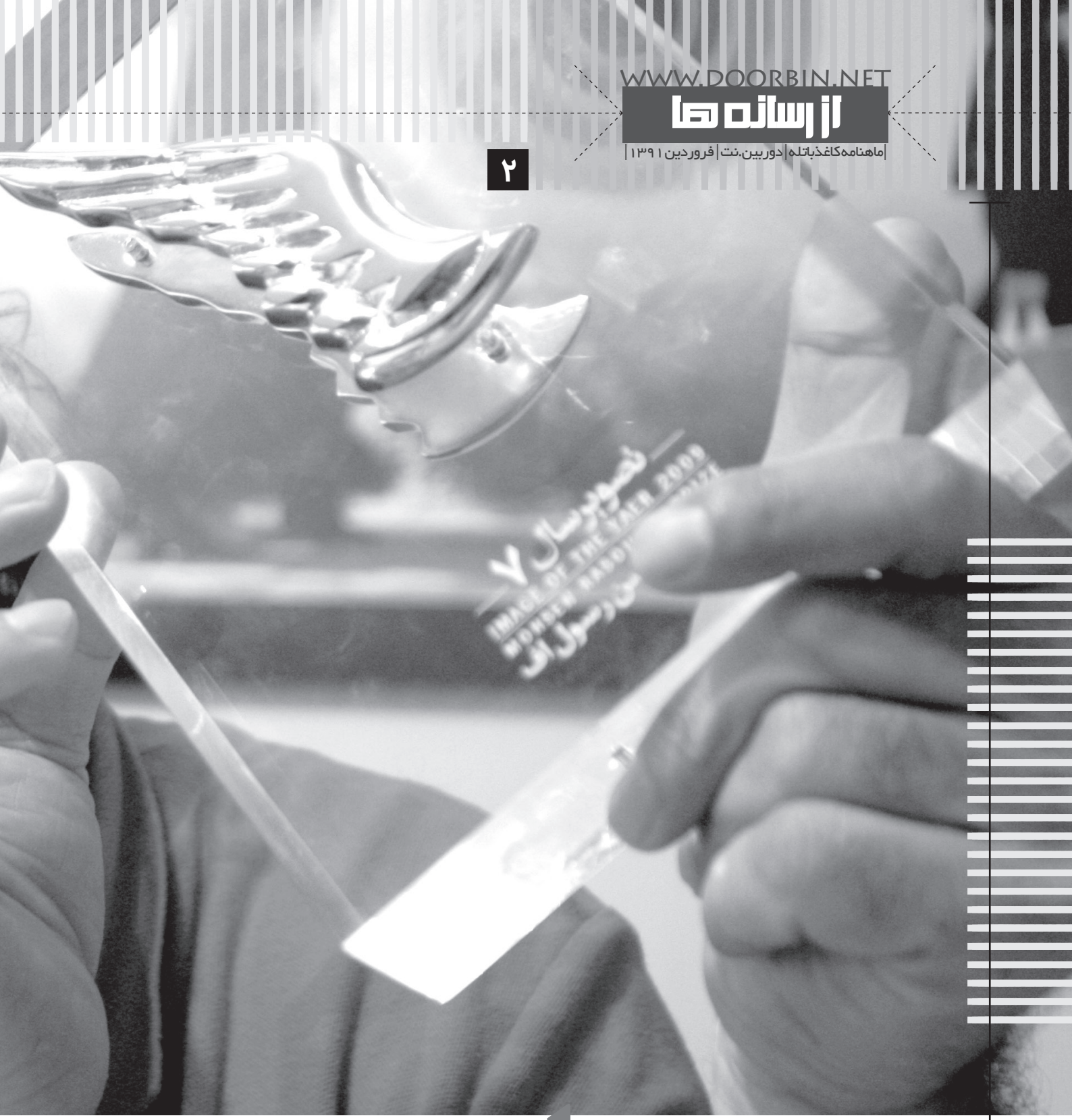
کاغذ باطله

| کاغذ باطله |
نشریه داخلی	عضای دوربین نت
سال دوم	دوره جدید	شماره دهم
۱۰ صفحه	فروردین ۱۳۹۱



مصائب صمدیان

صمدیان از جشن تصویر سال و سختی‌هایش می‌گوید



نگین نصیری / روزنامه شرق

صمدیان
از جشن تصویر سال و سختی‌هایش می‌گوید

روز بعد از اتمام داوری‌ها بالاخره توانستیم سیف‌الله صمدیان را پیدا کنیم؛ کسی که ۹ سال است جشن تصویر سال را برپا می‌کند؛ جشن مستقلی که امسال حدود یک هزار هنرمند را دور هم جمع کرده و حالا بعد از ۹ سال، خود صمدیان هم می‌گوید: « هدف تصویر سال روشن نگهداشتن این چراغ کم سو است. در مورد هر بخشی که با او صحبت می‌کنیم، نداشتن بودجه مناسب مطرح می‌شود. صمدیان می‌گوید آقایان باید توضیح دهند که بودجه‌های



فرهنگی کشور را چه می‌کنند؟ با همه این سختی‌ها تصویر سال هنوز پابرجاست و امسال با برگزاری بخش ویژه، تهران را به دیگر پایتخت‌های جهان هم معرفی کرد.عمر جشن «تصویر سال» کم‌کم به یک دهه نزدیک می‌شود. سال ۱۳۸۲ که اولین دوره آن را برگزار کردید، چه اهدافی داشتید؟

تصویر سال فرزند خلف نشریه تصویر است که ۲۰ سال پیش با حضور هنرمندان بزرگی چون مرتضی ممیز و محمود کلاری شروع شد. سه نفری نشستیم و به این نتیجه رسیدیم که مجله عکاسی را که امتیاز آن به نام من بود، به «تصویر» تغییر نام دهیم. آرزویی که داشتیم و داریم این بود که بتوانیم پلی ارتباطی و حسی بین هنرهای تصویری باشیم؛ بین یک عکاس، فیلمساز، گرافیست و کاریکاتوریست. هنرمند این زمان باید از همه این هنرها سر دربیاورد. هنرمند باید چند وجهی باشد و من بهترین نمونه‌ای که سراغ دارم، پیکاسو است. سعی کردیم جاده رسیدن به این عوالم را بازتر کنیم تا جوانانی که استعداد دارند چند وجهی عمل کنند و به هدف‌شان برسند. در ۱۲ سال اول انتشار ماهنامه تصویر سعی کردیم این هدف را در نوع مطالب و لی‌اوت‌ها پیاده کنیم. ولی از هشت سال پیش یعنی از ۱۳۸۲ که همکاری‌مان به دلیل مشغله آن دوستان قطع شد، تصمیم گرفتم مجله تصویر را به یک رویداد سالانه ارزیابی تصویر در کشور تبدیل کنم؛ ارزیابی و نمایش کل آثار عکاسی، گرافیک، کاریکاتور و سینمای غیرتجاری این برنامه شکل دیگری به ایده ما داد و از آن ایده‌آل‌های انتشار یک ماهنامه فاصله گرفتیم. در اولین سال یادم هست که با ۱۲۰ هنرمند

منتخب نمایشگاه را برگزار کردیم.

بزرگ شدن تصویر سال با سیر صعودی شرکت‌کنندگان همراه بود. سال اول با ۱۲۰ نفر شروع شد و امسال از بین بیش از ۲۸۰۰ نفر، ۹۱۴ نفر را برای ارایه انتخاب کردید...

ما حدود دو هزار نفر را حذف کردیم. همین جا لازم است بگویم که هنرمندان، ما را ببخشند، چون هم برای حفظ اندازه‌ها و حرمت‌ها و هم به دلیل کمبود فضا مجبور هستیم بخشی از آثار را حذف کنیم ولی بیشتر سعی می‌کنیم آثاری را انتخاب کنیم که آنها را جای دیگری نمی‌شود دید.

فکر نمی‌کنید جشن امسال این قابلیت را داشت که عکس‌های بیشتری از آن حذف شوند؟ خصوصا از این نظر که هنوز هم عکس‌های تکراری روی دیوارهای خانه هنرمندان دیده می‌شود...

عکاسی پدیده عجیب و غریبی است که با تولد انسان شروع می‌شود. هر تصویری که می‌بینید در تاریک‌خانه ذهن‌تان ثبت می‌شود ولی امکان ظهور آن را ندارید. از وقتی که می‌توانید، دوست دارید آن را منتقل کنید. در دنیا همه چیز به لحاظ موضوعی تکراری است. نمی‌توان در عالم هنر موضوعی را خط کشید و گفت تکراری است. تمام موضوعات جوامع بشری تکراری هستند ولی می‌بینید که ورود یک نفر به موضوعی خاص فرق می‌کند. پس من در تصویر سال نمی‌توانم موضوعات تکراری را کنار بگذارم. باید ورود و خروج جدید را کشف کنم. هر موضوع را ممکن است هر کس یک جور ببیند. ما صدها عکس تکراری را حذف کردیم و شاید دو عکس را برای نمونه روی دیوار گذاشتیم آن هم به تجربه دیداری ادیتور و دبیر یک جشنواره و هیات انتخاب بستگی دارد. آنها تعدادی را انتخاب می‌کنند که روی دیوار ببینید ولی اگر می‌خواستم نمایشگاه شخصی یا حرفه‌ای عکاسی بگذارم، شاید ۵۰ عکس روی دیوار می‌آوردم. سوال اینجاست که چرا بقیه را می‌گذارم؟ برای اینکه به جوانان آموزش دهیم وقتی می‌خواهند وارد حوزه‌ای شوند نمونه‌های آن را ببینند. سعی می‌کنیم هر سال عکس چاپی کمتر شود. عکس‌های چاپ‌شده عکس‌های ضعیف‌تری نیستند، ممکن است که دو عکس از مجموعه باشند و ما کل مجموعه را در اینتراکتیو نشان داده باشیم. ما ادعا نداریم که اینها بهترین عکس‌ها هستند ولی اینها واقعیت جامعه تصویرساز ما در قالب عکاسی بوده است.

مگر قرار نبوده تصویر سال بهترین‌های سال را نشان دهد؟ آیا سخت‌گیری بیشتر، کمک نمی‌کند که کیفیت تصویر بهتر شود؟

بله، ولی ما بیشتر از این، قدرت حذف عکس‌ها را نداشتیم. تصویر سال با منتخب هنرمندان شروع شد، ولی بعد فکر کردیم که به یک هنرمند شهرستانی که تا به حال دیده نشده و استعداد دارد هم باید فرصت دهیم. البته ما داریم هر سال محدود و محدودتر عمل می‌کنیم، اما امیدواریم در ۱۰ سالگی تصویر سال، به یک ایده‌آل برسیم. مطمئن باشید که عکس خوبی پنهان نمانده است. سعی می‌کنیم تا از این به بعد خروجی را محدودتر کنیم ولی باز هم می‌گویم آنقدر شرایط اقتصادی و برنامه زمانی ما پیچیده و مضطرب است که نمی‌توانیم دوباره کارهایی را که انتخاب اولیه شده‌اند بازبینی و حذف کنیم. این کار به ما فشار می‌آورد. با این کار حتی هزینه‌های‌مان هم کمتر می‌شود.

چون عکس‌ها را از نظر کیفیتی فوتو آرت چاپ می‌کنیم که در هیچ نمایشگاه جمعی با این وسعت این کار را نمی‌کنند. تا این لحظه هزینه‌ای هم نگرفته‌ایم ولی امیدواریم از سال آینده بتوانیم ورودیه بگیریم. مشکلات مالی زیادی داریم که اگر بخواهم این موضوع را باز کنم، موقعیت بعضی نهادها و وزارتخانه‌ها به هم می‌ریزد. خیلی فشار مالی داریم، بر خلاف استعدادی که این جشنواره در آرامش دادن به هنرمندان دارد، اینها موجب می‌شوند در یک اضطراب زمانی کارهایمان را انجام دهیم که نتیجه‌اش همین می‌شود که نتوانیم تعداد بیشتری را حذف کنیم. ما تصویرسازهایی را که از مدیوم عکس استفاده می‌کنند، نمی‌توانیم از خودمان دور کنیم. در بخش خلاقه تعداد کمی هنرمند داشتیم که کار کرده بودند. ممکن است در بین کارها، آثاری را ببینید که شبیه به کار هنرمند دیگری باشد. آقای کیارستمی می‌گفت اگر کسی کاری را کپی کند ولی چیزی به آن اضافه کند عین حلال است. دوره ما حتی کپی هم نداشتیم. حالا اینترنت این خطر را به همراه دارد که از طریق آن کپی‌کاری شود، با این حال ما سعی می‌کنیم از همه این کارها نمونه‌ای را به شما نشان دهیم.

از عکس‌های فرستاده شده راضی بودید؟

این را برای اولین بار است که می‌گویم. حرفی است که در دلم مانده: من با تجربه ۲۵ سال ادیتوری عکس و ۳۲ سال عکاسی فهمیدم که انگار عکاسان ماموریت دارند بدترین عکس‌هایشان را به مسابقات بدهند. چقدر عکس خوب و شاهکار در سطل آشغال رفته و پاک شده است. چون دیدی که یک ادیتور دارد، فرق دارد. ادیتور، بدون پیش زمینه ذهنی و حسی به عکس نگاه می‌کند. قرار نیست هر عکاس خوبی، ادیتور خوبی باشد ولی در کشور تعدادشان کم است. موقعیت کشور ما شرایطی را ایجاد کرده که عدالت در ارایه آثار در یک سطح مساوی رعایت نمی‌شود. کسانی که امکانات دولتی و نگاه‌های خاصی دارند، امکان بیشتری پیدا می‌کنند و کسانی که صاحب نگاه مستقل و پیشرفته‌تر هستند، امکان ارایه پیدا نمی‌کنند و همه این هجوم بر سر «تصویر سال» است. نمی‌گویم که تصویر سال مقابل همه امکانات دولتی است، ولی امکانات درست تقسیم نمی‌شود که بر فرض ارگانی بیاید بگوید ما در برگزاری یک بخش به شما کمک می‌کنیم.

من پنج بخش عکاسی را برگزار می‌کنم. احمد عالی که به عنوان دبیر میهمان در کنار ما بود به من می‌گفت، نمی‌شود بخش عکس ورزشی را حذف کنی؟ من هم از خدا می‌خواهم که این بخش را انجمن عکاسان ورزشی به صورت تخصصی برگزار کند ولی چون من با تصویر، طرف هستم؛ نمی‌توانم بخشی را جدا کنم. نهایتا اینکه سعی می‌کنم حتی در این بخش هم با دیدی متفاوت عکس‌ها را انتخاب کنم. زیرا این عدالت به لحاظ بودجه فرهنگی نیست. ما مجبور هستیم تمام جوانان شهرستانی با استعداد را در تصویر سال شناسایی کنیم و به اندازه یک وجب جا برای ارایه آثار به آنها بدهیم. می‌دانم که این به ایده‌آل‌های ما لطمه می‌زند؛ ولی تصویر سال یک نهاد سالم غیرسیاست‌زده شده که می‌تواند هنرمند را بیشتر جذب کند. دولتمردان و کسانی که کارهای فرهنگی دست‌شان است، متوجه نیستند که این به نفع خودشان هم هست که کمی از سیاست جدا شوند، بودجه را درست تقسیم کنند، کمی فشار روی تصویر سال کم شود تا این جشن نمادی بسیار حرفه‌ای از شاخص‌های هر رشته هنری شود. مطمئنم عکس‌هایی که در سطل‌های آن موقع دیده نشده و عکس‌هایی که امروزه به سرعت پاک می‌شوند، شاهکارهایی از بخش تاریخ عکاسی‌اند که پاک می‌شوند. این را می‌گویم که بدانید حواسم هست بهترین‌های هر رشته را نشان دهم؛ حالا شاید تعدادی عکس زیاد هم در این بین باشد.

تصویر سال این وظیفه را نداشته که طی این ۹ سال، روی حافظه تصویری هنرمندان تاثیر بگذارد؟ وقتی شما برای انتخاب عکس، راحت می‌گیرید؛ هنرمند هم اثر خوبی نمی‌فرستد...

نه، اشتباه می‌کنید. اتفاقا اگر ما راحت بگیریم، شاید همان عکس‌های شاهکاری را که پاک می‌کنند

برای ما بفرستند.

پس فراخوان بدهید و بگویید عکس‌هایی را که می‌خواهید پاک کنید، برای ما بفرستید!

باورتان می‌شود یک‌بار می‌خواستم این کار را بکنم؟! می‌خواستم از یک مجموعه‌ای که کسی عکاسی کرده، عکس‌هایی را که خودشان فرستادند یک جا نشان دهم و عکس‌هایی از کنتاکت‌شان را یک جای دیگر؛ تا عده‌ای بدانند اگر ادیتورِ عکس خوب باشد، می‌تواند خیلی از عکس‌ها را نجات دهد. منظورم فقط ایران نیست بلکه کل دنیا. با تمام اینها، همین که تصویر سال شعله کم سو و کم نور جمع شدن هنرمندان را دور هم، روشن نگه داشته، خوشحالم. در کشوری که حتی انجمن‌ها نمی‌توانند دور هم جمع شوند، این مساله برای من مهم است. حالا چند تا عکس بالا یا پایین، به نظر من اهمیتی ندارد. شما خبرنگارها باید یخه مسوولان فرهنگی را بگیرید و بپرسید بودجه فرهنگی کشور را چه کار کردید؛ با این جشنواره‌هایی که مثل قارچ می‌رویند و جایزه‌هایی که ما حتی به داوران‌مان هم نمی‌توانیم بدهیم. این جشنواره‌ها چه خروجی‌ای دارند؟ تلویزیون ما الان به جای فیلم، رادیو شده است. سریال‌ها هیچ جاذبه تصویری ندارند؛ چرا اینقدر برایشان هزینه می‌شود؟

بحث‌های مالی تصویر سال، تاثیر زیادی روی بخش‌های مختلف آن گذاشته. برنامه‌هایتان چطور است؟ چه حمایت‌هایی دارید؟

من فقط یک مثال می‌زنم که ببینید تصویر سال چه کار بزرگی می‌تواند انجام دهد. دو، سه ماه پیش در برزیل نمایشگاهی به نام «نبض ایران» برپاکردیم؛ در مرکز فرهنگی معروفی به نام «سلام آینده» که هشت طبقه آن در اختیار ایران بود. هم بزرگداشتی برای بهمن جلالی بود هم محلی برای معرفی نسل جدید. از من خواسته شد تعدادی عکس را در قالب تصویر سال از نسل جوان زیر ۲۵ سال انتخاب کنم. ۱۲۵نفر را انتخاب کردم تا نمای درستی از نسل بعد از انقلاب بدهم. نکته جالب این بود که وقتی وارد شدیم عکس پانوراماى تصویر سال را ۳۳ متر چاپ کرده بودند. می‌گفتند باورمان نمی‌شود در ایران این همه هنرمند دور هم جمع شوند. بعضی‌هایشان به ما می‌گفتند، ما فکر می‌کردیم در ایران مردم راه که می‌روند در جیبشان اورانیوم غنی می‌کنند! با خود گفتم ما اگر میلیاردها دلار خرج و لشکرکشی می‌کردیم، می‌توانستیم ذهن یک برزیلی را این طور تغییر دهیم؟ من در این شرایط بودجه مشخصی ندارم. بودجه اندکی از نهادهایی که به ما کمک می‌کنند، دارم؛ انجمن گرافیک، موزه هنرهای معاصر و در سال‌های متوالی شرکت‌های مختلف مبلغ ناچیزی به ما کمک می‌کنند.

امسال هم با سازمان فرهنگی – هنری شهرداری کاری را شروع کردیم که امیدوارم از نظر مالی ختم به خیر شود و در دادن جوایز آبرودار بمانیم. بعضی از نهادها چک‌های چند سال پیش ما را هنوز نداده‌اند. چاره‌ای هم نداریم و نمی‌توانیم در کاری به این زیبایی را تخته کنیم؛ چون مطمئنم این به نفع همان کسی است که می‌گوید نباید مستقل باشد یا نباید بودجه داشته باشد.

شما در جشنواره‌های عکاسی بین‌المللی شرکت کرده‌اید. وضعیت جشنواره‌های ایران در مقایسه با آنجا چه طور است؟

اولین چیزی که می‌بینم، احترام به فراخوانی است که خودشان اعلام می‌کنند. اینجا بر عکس است. مثلا جایزه‌های چند هزار دلاری اعلام می‌کنیم و زیرش می‌زنیم. قول کاتالوگ می‌دهیم ولی کار انجام نمی‌شود و آبروی ایران را می‌برند. دوم نگاه مناسبتی است که به اعتقاد من بلایی است که سر هنر آمده. همین‌طور هفته نام‌گذاری می‌کنیم. همین مناسبتی فکر کردن را هم، درست انجام نمی‌دهیم و یک مورد دیگر اینکه، فکر می‌کنند با فراخوان دادن می‌توان آرشیوی برای خود جمع کرد.

چه تجربه‌های خوبی را سعی می‌کنید. وارد تصویر سال کنید؟

هر چیزی که تا به حال وارد تجربه‌هایی شده که من دیده‌ام. همین بخش اینتراکتیو، یک نمونه از این تجربه‌هاست. ما تا چنین تکنولوژی‌ای را دیدیم، آن را وارد تصویر سال کردیم. آرزویی که همیشه برای تصویر سال داشتیم این بود که تک عکس در کار نباشد و به سمت رشد مجموعه عکس برویم تا عکاس، مفهوم جمع‌بندی را یاد بگیرد. امسال می‌خواستم یک «روز عکاسی» اعلام کنم و مجموعه عکس‌ها را نشان بدهم. عکاسان خوبی داشتیم که در تحولات کشورهای اسلامی عکاسی کرده بودند؛ ولی ما فقط چند نمونه را می‌توانستیم چاپ کنیم.

توضیحی در مورد تکنولوژی اینتراکتیو که امسال به جشن تصویر اضافه شده بدهید...

در بعضی سالن‌ها نور نامناسب نگذاشته بود. این تکنولوژی خودش را نشان دهد. شرکتی در ایران هست که این تکنولوژی را وارد کرده. بهترین موقعیت بود که به بهانه ۲۰ سالگی نشریه تصویر، ما از این تکنولوژی استفاده کنیم. مثل شمعی که جلو در فوت می‌کردید. می‌توانید تمام ۲۰ سال تصویر را مرور کنید. اصلی‌ترین کاربردش این بود که ما را از اسلاید شوهای معمولی نجات داد. ۳۰۰ تصویری را که نتوانستیم چاپ کنیم، در تالار پاییز به نمایش گذاشتیم. روز اول نگارخانه انتظامی را که به دلیل تاریکی قرار بود به ما بدهند، به یک گروه تئاتری دادند و مجبور شدیم وارد بقیه سالن‌ها بشود، با این حال سعی کردیم نور سالن‌ها را کم کنیم تا مشکلی نباشد.

هیچ وقت این تصمیم را نگرفتید که برای تصویر سال موضوع خاصی را مطرح کنید؟

به دلایلی که گفتم، سعی کردیم همیشه موضوع آزاد داشته باشیم تا امکان شرکت همه باشد.

ولی بخش ویژه تهران را گذاشتید...

هر سال بخش ویژه‌ای داریم. پارسال «نور» بود. امسال بهترین موقعیت فراهم شد تا جمع‌بندی خاص و صرفا هنری از اتفاقات هنری تهران داشته باشیم. سراغ بهترین‌های هر رشته رفتیم؛ مثل احمد عالی که دبیر میهمان بخش عکس شد. داوران، عکس‌های بخش تهران را هم داوری کردند و سعی کردیم عکس‌های مهم ۳۳ سال گذشته را که با موضوع «تهران» یا در لوکیشن تهران بوده، انتخاب کنیم.

قرار است این آثار را در پایتخت‌های دنیا به نمایش بگذاریم. در بخش گرافیک هم پوسترهای معروف ۳۳ سال گذشته را جمع‌آوری کردیم. در کنار آن بهترین فیلم‌هایی که طی ۳۳سال گذشته با همین شاخص‌ها ساخته شده‌اند را نمایش دادیم. کجای تاریخ می‌شود این جمع‌بندی را پیدا کرد؟ این مجموعه «شهر تهران» آرزویی بود که برآورده شد و ما از بهار سال آینده آن را در پایتخت‌های مختلف دنیا نمایش دهیم.

برای این نمایش، برنامه‌های مشخصی دارید؟

برنامه نه، ولی اهداف مشخصی داریم. به هر جای دنیا بگوییم قطعا قبول می‌کنند.

نمایش بخش تهران در برج میلاد، بازدید را سخت نمی‌کند؟

تنها راهی که داشتیم درگیر کردن شهرداری تهران بود و تنها جایی که داشتیم، برج میلاد بود. دو گالری پایین برج میلاد را مناسب دیدیم. قرار شد که قبل از عید افتتاح شود تا در طول فروردین توریست‌ها و بازدیدکنندگان برج میلاد بروند و آثار را ببینند.

برای سال آینده برنامه‌های خاصی دارید؟

سال آینده ۱۰ سالگی جشن تصویر سال است و قطعا بهانه خوبی است تا بتوانیم کارهای خاصی انجام بدهیم.

گره‌های کور
در تعریف مجموعه‌ی عکس

خلیل غلامی / خانه عکاسان تبریز

تعریف مجموعه‌ی عکس کمی پیچیده‌گی دارد و غالب عکاسان ایرانی در گره‌ی ناگشودنی‌اش گرفتار می‌شوند. من نیز نخواهم توانست گره‌ای باز کنم. شاید بتوان گفت برای باز کردن‌اش گره‌ای دیگر بارش می‌کنم که گشودن این گره آسان‌تر از آن گره باشد. پروین اعتصامی در داستانی آورده است دهقانی گونی گندم پشت‌اش در حال آه و ناله بود که خدایا این چیست در زندگی من گره‌ای ناگشوده، فقر من را فرا گرفته گره‌ی من بگشا و در این هنگام گره‌ی گونی‌اش باز شد و اندک گندمی که با دستان‌اش گردآورده بود بر زمین ریخت و با نفرین گفت: خدایا زین گره را زان گره نشناختی. با افسردگی تمام شروع به جمع کردن دانه‌های ریخته شده کرد که کیسه‌ای طلا یافت. در برخی موارد شاید بد نباشد برای گشوده شدن‌اش نوع گره را تغییر داد. تلاش من نگاه به حاشیه‌هایی‌ست که گونی آثار ما را نفرین می‌کنند و سبب پیچیده‌تر شدن مفاهیم عکاسی می‌شوند.

■ عوامل و عناصری که یک مجموعه را بتواند نشان دهد به خیلی چیزها بستگی دارد. تشخیص این عوامل به ذهن و نگاهی باز وابسته است. در مجموعه‌ی جنگ خروس‌ها کسی می‌تواند روی مجموعه نظر دهد که بتواند در جریان امر قرار گیرد. عکاسی که چند بار در جریان خروس جنگی‌ها قرار گرفته عوامل و عناصری که دست به دست هم می‌دهد تا یک بازی تمام عیار ایجاد شود، کم‌کم می‌شناسد. برخی عناصر به کادر نمی‌آیند. حالا داوری که در گود این جنگ وارد نشده چه طور تشخیص می‌دهد کدام عکس اضافی و کدام مورد نقص دارد؟ دور نیست که در گزینش آثار دخالت‌های او ناروا و تنگ نظرانه باشد. خواهم گفت که او بر چه مبنایی دست به داوری می‌زند و عناصری را اضافی و عواملی را ناقص می‌پندارد.

■ در روش معمول آثاری هم راستا و معنادار برگزیده می‌شود. این جمله خیلی کلی‌ست: هم راستا و هم معنا چه گونه است؟ در واقع، اثری در مجموعه گنجانده می‌شود که جاهای خالی را پر کند. محدودیت در عکس‌ها سبب گزیده و سنجیده گویی در گزارش تصویری می‌شود و این پیچیدگی گزینش را بیش‌تر می‌کند. از دید مردم آیا این گزارش من مثلا به تعداد ۱۲ اثر کل جریان را به خوبی قابل لمس خواهد ساخت؟ آیا آن چه من می‌خواهم هم چنان انتقال خواهد یافت؟ قطعا بند آخر جمله‌ی ما اتفاق نخواهد افتاد. هر کس بنا به تجربه‌ی زندگی خود و علاقه به آن موضوع ارزیابی خواهد کرد. پس چه چیز باید به مردم انتقال یابد؟ یعنی این که، از سویی من می‌خواهم از بین چند هزار تصویری که گرفته‌ام جوری ردیف کنم که بیننده به کنه موضوع برسد و از سوی دیگر امکان هم نشینی در دیدگاه‌ها وجود ندارد. هنگامی که از سوی بیننده مجموعه‌ی خود را می‌چنیم، موضوع را پیچیده‌تر درمی‌یابیم. سلایق و انگیزه‌های گوناگون ما را در تنگنای چینش وامی‌رهد. گاه، عکاس بی‌تفاوت و گوشه‌ی چشم به بینندگان چینش‌اش را انجام می‌دهد و خلاص. این یک مشکل دیگر دارد: عدم شناخت ما از بیننده ما را در محدوده‌ی کوچکی از جهان خود مسکوت می‌گذارد. هیچ آینده‌ای برای این گونه‌ی نگرش نمی‌توان تصور کرد. بنابر این، توجه به سلایق مردم یکی از الزامات کار هنرمند است. ولی این که تا چه اندازه خواسته‌ها و نیازهای مردم را در اثر بگنجانیم، در بین عکاسان متفاوت است. شناخت از انگیزه‌های مردم ما را وادار نمی‌کند که دربست هم سوی خواسته‌های آنان بود. عملا هیچ راهی به تسلیم مطلق شدن به خواسته‌های مردم به سبب متنوع بودن‌شان وجود ندارد و عکاس رهرو در این وادی سرگردان باقی می‌ماند.

■ از بین خلاقیت عکاسانه و نگاه مردم آن چه منطقی‌تر می‌نماید دست یابی به سلایق و خواسته‌های مردم و ترکیب بینابین است. یک پرسش منطقی: اگر کسی به عنوان تماشاگر وجود نداشته باشد، آیا حکم اعدام در ملاء عام هم چنان پابرجا خواهد بود؟ این کار فقط پیام ترس در دل مردم دارد. ولی با تکرار آن ترس و وحشت از طناب دار به یک دل مشغولی بدل می‌شود.

■ ما از آن چه که در چنته داریم با روایتی عام‌تر تصویری خاص‌تر ارایه می‌دهیم. این به نظرم بهترین راه نفوذ بر دل‌ها و روان‌های مردم است. اما برای عملی کردن این نفوذ هر عکاس باید خلاقیت خود را به کار گیرد. بدون شناخت از زندگی و تجربه‌های هنری مردم نمی‌توان سخن خاص نهان در سخن عام گفت.

■ در آیین‌های عروسی چه عواملی یک مجموعه را کامل می‌کند؟ در روش‌های متداول پرتره‌ی عروس و داماد و انبوهی از مردم در حال رقص و پای کوبی و نمایی از خانه‌های کاه‌گلی، در نهایت می‌تواند مجموعه‌ی ما را کامل کند. در این فضای عام سخن خاصی وجود ندارد. سخن خاص همان هنر آفریدگار است که بر هنرمندان واگذار شده است. در چنین مجموعه‌های شراکت مردمی بیش‌تر است چرا که زندگی شهری بیگانه از آن است و جذابیت آن در عکس نیست بل که در فضای روستایی‌ست. نمی‌توان از این جذابیت سود جست. نشان دادن چیزی‌ست و سخن گفتن چیزی دیگر. آفرینش در نشان دادن نیست گرچه گلی زیبا باشد. می‌توان از خاری سخن گفت که جذابیتی بیش از شقایق داشته باشد. طبیعت همیشه سبز و آبی نیست گرچه زیبایی‌اش به همان باشد. پس تفاوت زیبایی را با آفرینش باید دریافت. زیبایی را باید آفرید نه نشان داد.

■ در پروژه‌ی قطار عوامل صوری عبارت‌اند از ریل‌های پیچ و تاب خورده، قطاری در دامنه‌ی کوه، پنجره‌ای رو به

دشـت و سوزن بانی در تقاطع راه‌ها. اگر نام آذربایجان یا لرستان را هم کنار آن داشته باشیم، المان‌های ما گستره‌ی زیـادی را در برمی‌گیرد: کوه‌های سـر به فلک کشـیده، ساختمان‌های سنگی با سقفی بلند، صداهای مانور شبانه‌ی قطار، و جمعیت خیلی اندک در ایسـتگاه‌های بین راهی. صدای مانور قطار را چه گونه می‌توان نشان داد؟ سکوت حاکم بر فضای ایستگاه‌ها؟ ایستگاه‌های متروکه با وسایل جا مانده انگار که زندگی با سکوتی مرگ‌بار جریان دارد؟ ریل‌هـای زنگ زده و علف‌های هرز، منبع‌های بلند آب، تونل‌های بی‌شمار و . . . این عناصر که نمی‌توانند همگی در مجموعه نگه داشته شود. پس باید گزیده سخن گفت. گزیده سـخن گفتن عین نتیجه‌ی سخن را گفتن است. بیش‌تر ما اهل سخن‌رانی هستیم با ایده‌هایی ناتمام. کوتاه کردن شاعرانه سخن گفتن است.

■ از مجموعه‌ی عناصر موجود در تجربه‌ی کاری ما باید حسی ایجاد کند که شـورانگیز و تمام کننده باشد. پس عناصر موجود در مجموعه حس نظام یافته‌ی ماست نه عکس‌های زیبا و خوش سـاخت. یک عکس محو و تار شاید خیلی بهتر از یک عکس خوش فرم و با وضوح کافی وصول به معنا شود.

■ برای مجموعـهْ تعاریف قاعده‌مندی وجود دارد که بر مبنای آن نام آذربایجان یا لرسـتان را هم می‌توان از آن بازخوانی کرد، بدون این که تجربه‌ی زیستی داشت: یک زبـان بین‌المللی در تصویر فراهم می‌شـود تا با جزییات کم‌تر کلیاتی بیش‌تر تولید شود. معیار ما برای چیدن آثار مجموعه چیست؟ داور انتزاع‌گر (با آثار انتزاعی) چه گونه روی آثار مستند نظر می‌دهد؟ فرایند نگاه آنان به این آثار از دیدی انتزاعی سرچشـمه می‌گیرد. تعریف آنان از یک مجموعه بیش‌تر به فـرم و هم‌خوانی صوری نزدیک‌تر اسـت: محتوای راه آهن آذربایجان یا لرستان فدای تک عکس‌های خوش فرم می‌شـود. مثلا بحث ریتم یکی از عوامل چیدمان برخی‌هاسـت. از ایـن رو، مجموعه با عکس‌های خوش ساخت محبوبیت بیش‌تری می‌یابد.

■ فضای روستایی زندگی روستایی دارد که برای داوران پایتخت‌نشین مفهومی توریستی تولید می‌کند: آسمانی آبـی و درختان و مردمانی با صفا تعریف یک مجموعه از روستاسـت. اگر دو مجموعه از دو روستای گوناگون داده شود، چه گونه می‌توان فقر و امید را از هم جدا ساخت؟ اگر نه عکاس و نه داور نتواند که تفاوت این دو را روشن کند از گمراهی در تعریف مجموعه سرچشمه گرفته است. روش و منطق ما در چینش عکس‌ها در مجموعه به شدت تحت تأثیر خوش فرمی و یک دسـت بودن در آثار است، و این یعنی که، چند تک عکس می‌شود مجموعه. نگاه توریستی یکی از نگاه‌های غالب ماسـت که دخالت ناشایستی در گزینش آثار روسـتایی دارد. حساسیت ما نسبت به زنان سبب روی‌کرد بیش‌تر عکاسـان به این قشر در فضای عروسی می‌شود: عروس مهم است نه داماد. شاید گفتن این که، هنر ما بیش‌تر زنانه است تا مردانه جسارت آمیز باشـد. دیدن عروس ذوق بیش‌تری نسبت به داماد دارد، هم برای زنان و هم مردان. بنابراین، از روستاها بیش‌تر به عروسی پرداخته می‌شود.

■ عکاسـی در منطقه‌ای که فقـر اقتصادی و فرهنگی گریبان مردم را در گرفته و موجودی به نام زن جایگاهی ناخواسـته در بین غیرت مردان دارد، نشـان دادن تفاوت آن‌ها در واقع راز موفقیت عکاس است: نشان دهنده‌ی این است که او به شناخت تفاوت‌ها رسیده است. ولی قضاوت روی این مجموعه با یک نگاه چیره و مسلح به توریسم همه را در تشابه‌ها جا می‌دهد.

■ بدون وجود فضای نقد کار داوری فقط موجب یک‌سان سازی آثار می‌شـود. نقد ماهیت داوری و ارزیابی ندارد و داوری نیز ماهیت نقد و ارزیابی را ندارد. چه کسی تا کنون توانسـته اسـت نظر داور را در مورد اثرش بشنود که چرا پذیرفته شـد یا نشد؟ داوری پنهان کاری‌ست؛ کار نقد به رو آوردن حرف‌های پشـت پرده اسـت. کسانی که نظر می‌دهند، آثار را به گفت و گو می‌نشانند: از سکوت حاکم کاسته می‌شود. داور فوتبال هر چند به اشتباه سوت خطا بزند و بـازی کنی را به ناحق بیرون کند و موجب باخت تیم شود، کسی جلودارش نیست. اشتباه در داوری پاسخ‌گو ندارد. امتیازی که از دسـت تیم در رفت برگشتنی نیست ولی، بررسی بازی می‌تواند ضعف و قوت تیم را نشان دهد. جشـنواره‌ها باری بر دوش داوران‌اند و سلیقه‌هاشان تنها منطق‌شان. رقابت به رشد نمی‌انجامد فقط انگیزه را بیش‌تر می‌کند و می‌دانیم که انگیزه ماهیتی تو خالی دارد.

■ برای قاضی اسناد محکمه پسند نیاز است تا گریبان‌گیر میله‌های زندان نشود و رقابت در عکاسی با نزدیک شدن به اسـناد داوران خود را دسـت کم مصـون بدارند. این بازگشـت ارتجاعی به سـوی داوران نوعی خوش اقبالی برای جشنواره‌ها قلمداد می‌شـود. داوری که یک دست بودن آثار رسـیده را یکی از افتخارات جشـنواره می‌داند، مالک هیچ فلسفه‌ای نیست به غیر از شهرت. داوری که نتواند از موضع خودش دفاع کند بزرگ‌ترین کارش فقط به هم سان سازی آثار می‌انجامد و داوری که دفاع کند از پیشـه‌اش جدا می‌ماند. تجربه‌ی آثار ما در حول و حوش حدیث نفس می‌چرخد. دل تنگی‌ها و افسـرده‌گی‌هایی که در آثار جشـنواره‌ها می‌توان دید حاصل سوء استفاده از داوری‌سـت. روش‌هـای ثابت سـنتی و داوران کهنه کار و همیشـگی سبب آمار همیشـگی می‌شود: حدیث نفس چیزی جز تکرار اندوه‌بار نیسـت. یک عکس را در چندین جشنواره می‌توان دید. هیچ طرح نویی از برگزاری جشـنواره‌ها دیده نمی‌شود که سـبب تحول در گونه‌ی عکاسی شود و داوران ما چون کارمندان وظیفه‌شناس از هیچ جشنواره‌ای باز نمی‌مانند. این داوران‌اند که تولید هنر را بر عهده دارند نه هنرمندان. ما باید عادت کنیم تفاوت‌ها را نشانه بگیریم و تشابه‌ها را به خود عامه‌ی مردم واگذاریم و داوران همیشگی از دیدن تفاوت‌ها در پرهیزاند. تشابه‌ها در سمت و سوی یک سان سازی و تکرار و همیشگی‌ست و تفاوت‌هـا موجب پرش و تلاش ذهن در بین تضادها و تناقض‌هاست.

■ لایه لایه بودن عکس یکی از موارد ترکیب بندی‌ست که هر لایه می‌تواند پرش ذهن را موجب شـود. اعجاز و رازگویی در تصویر، برعکس، موجب هم سطح‌گرایی شده و اختلاف را نادیده می‌انگارد. این تعبیر در واقع در آثار خوش فرم دیده می‌شود. در فرم بندی‌محتوایی می‌توان لایه‌ها را بر حسب موضوع برگزید و به اختلاف سطح دست یافت. با این تعبیر، می‌توان دریافت روی‌داد پیش از شاتر زدن بر ذهن عکاس نشسته است. کار داوران جشنواره برعکس این قضیه روی می‌دهد. نگرش فرم‌گرایانه محتوا را پیش فرض می‌گیرد و جلب و جذب سوژه می‌شود: سوژه او را می‌رباید نه او سـوژه را؛ او تحت کنترل سوژه درمی‌آید و حاکمیت خردمندانه‌ی خود را بدان می‌بازد.

■ برای مجموعه پیش فرض‌های انبوهی سایه انداخته اسـت که داور گاه خود را مجاز به دخالت در آن می‌کند. ایـن پیش فرض‌هـا هم چـون قانون‌هایـی بدیهی با دستورالعمل‌های ثابت در کنار جشنواره‌ها برای عکاسان ترسـیم می‌شـود. این بدیهیات آثار هنری ما را از این رو بدان رو می‌گرداند. کسانی که به چنین بدیهیاتی به چشم تردید می‌نگرند، در تلاش ذهن خود بین این سـو و آن سوی امور واقعی می‌افتند. بدیهیات یا امور مسلم و ثابت عـکاس را از هر گونه تلاش برای ترسـیم یا بیان نو از پدیده‌ها پرهیز می‌دهد و به امور سطحی با بیانی بدیهی می‌غلتد. تلاش او صرف تقلید یا تکراری می‌شـود که با پیش‌فرض‌ها به پدیده‌ها می‌نگرد. پیش فرض‌ها اموری اساسـی‌اند ولی با این اصل که همواره رودرروی چشـم باشند نه در حاشیه‌ی امنیت. در غیر این صورت، این پیش فرض‌ها سـبب یک دست شـدن آثار تولیدی می‌شود و خلاقیت فردی را از دسـت می‌دهد. خلاقیتی که برخی از عکاسـان پیش کسوت ما شعار همیشگی‌شان شده و بـدون ارایه‌ی هیچ تعریف منطقـی و قابل قبول با یک جمله‌ی کوتاهِ «نوآوری» به پایان می‌برند. می‌دانیم که این گونه نوآوری نکته‌هایی‌سـت از تجربه‌ی سالیانه‌ی او که در قالب قضاوت‌های ناشایسـت بر ذهن عکاسان جوان قالب شده است. نوآوری بر هیچ ذهن مجربی بسته نشده است. اگر تعاریف ما از نوآوری از تجربیات ما بیرون تراود چیزی خواهد بود در حد کارهای تکراری جشـنواره‌های قارچی. کسانی که چنین جشنواره‌هایی را بنیان گذاشته‌اند در برابـر خرد و فرهنگ ایرانی باید پاسـخ‌گو باشـند. در تعریف نوآوری باید فردیت عکاس مورد نظر باشـد تا هر اثر تشـخص و هویت خودش را نـگاه دارد. این هویت یعنی نزدیکی تمام به ضربـان رگ‌های امور واقع، یعنی

«هر دم آسیبی‌ست بر ادراک تو/ نِبت نونو رَسته بین از خاک تو». در برابر، هنر جمعی، نزدیکی تمام به پایه‌های اصولی ثابت و همگانی‌ست. کسانی که با پیش کشیدن بحث‌های خلاقیت شـهرتی به هم رسانده‌اند و حال آن که نتوانسته هیچ نظریه‌ای از آن بنیان نهند، موفق شده‌اند جشنواره‌هایی راه اندازند که هنر را به قصد اقتصادِ داغون به حراج بگذارند.

هـر گونه خلاقیت فقط در حوزه‌ی فردی امکان پذیر می‌شـود و هیچ تجربه‌ای نمی‌تواند تکرار آن را رقم بزند و هیچ عکس خلاقی در گرو هیچ گروهی آفریده نشـده است. عکاسِ آفرینش‌گر کسی‌ست که ذهن ایده‌پرور دارد و با چنـد عکس تصادفی نمی‌توان خلاقیت به کار برد. امروزه غالبا بنیانی که بر گردن خلاقیت نهاده شـده گروه‌بازی‌هایی‌ست چون پاتوق‌های شبانه. و نقدها نیز شبیه خوش و بش‌های دوستانه است که بر اساس تعارفات مرسـوم برای هم دیگر نوشـابه باز می‌کنند. از واژه‌های غریب و جملات لوث چون، «این عکس می‌خواهد ...» و «خطوط بصری فلان نقطه...» به نتایجی می‌رسند که برای خودشان نیز معرکه می‌شود. شاهکارهای نقدی امروزه وام‌دار حلقه‌های دوستانه است.

■■■

در چینـش عناصر مربوط به یک موضوع، نوآوری ما به المان‌هایی تمرکز می‌یابد که توان گویایی مجموعه‌مان را بیش‌تر کند. ولی، گاه دایره‌ی موضوع ما با عکس‌های پـرت و ناهماهنگ گسـترده می‌شـود و گاه در نماهای ظاهری به هم پیوند می‌یابند: عکس‌های خوش ساختِ بی‌محتـوا. صورت ظاهـر آن‌ها به هـم نزدیک‌اند ولی محتوایی را بر مجموعه نمی‌افزاید. در واقع، ذهنیتِ تکْ عکس بر مجموعه حاکم می‌شود. هر موضوع المان‌هایی برای خود دارد که هوشیاری عکاس را می‌طلبد و در نظر نخست برای دیگران پرت و پلاست ولی تمرکز ناکافی و شـتاب زده روی مجموعهْ ما را به چنین قضاوتی خواهد کشـاند. عکاسـی که در پی ایده‌ی خود برآمده باشد به سـختی در وادی پرت و پلایی می‌افتد. پیش از این هم اشاره شـد که سـوژهْ عکاسِ ایده‌پرور را نمی‌فریبد ولی برعکسِ کسانی که ذهن آماده ندارند به سادگی شیفته‌ی سوژه‌شان می‌شوند. پس پایه‌ی چینش ما باید بر اساس ذهنیت هنری‌مان باشـد نه استقبال عامه. ما سوژه‌های خیلی زیادی داریم که مبنای اندیشه‌گی ندارند و بیش‌تر به تقلید و تکرار نزدیک است. با این حساب، چینش این قبیل آثار ساختار نامتمرکز خواهد داشت. ولی بر این عکس این وضعیت، کم کردن یک عنصر از مجموعه موجب آسیب کلی خواهد بود. عـکاس نمی‌تواند بپذیرد که چند اثر از مجموعه‌اش کنار گذاشته شود. و این کار فقط در کشوری چون ما روی می‌دهد که داوران‌اش ذهن شخصی ندارند.

جشنواره‌ها مهم‌ترین عامل شکست کارهای خلاقانه هستند. جشنواره‌هایی که بدین روش بنیاد نهاده شدند، و تعاریفی که هرگز مبنای منطقی نیافتند و به پاتوق‌های شبانه بدل شدند، به کارهای انتزاعی بی‌محتوا انجامید. این گروه‌ها چون سیاهی لشکر از این بام بر آن بام برمی‌آیند و سیل انبوهی از آثار تکراری را جابه‌جا می‌کنند. اعتبار این گروه‌گرایی چون کارهای خلاقانه نمود می‌یابد و برخی از پیش کسوتان را به هیجان درمی‌آورد.

هیچ کسـی تا حالا تعریفی از مجموعه در ایران نداده اسـت ولی با این حال هر داوری قضاوت خـودش را دارد که از قضاوت خود مطمئن‌اند. هیچ نقدی روی آثار داوری انجام نگرفته که خود قضاوت در ایران را به چالش بکشد. آثاری که کنار گذاشـته شده‌اندو آثاری که پذیرفته شده‌اند می‌تواند نابسـامانی ما در امر قضاوت را به اثبات برسـاند. این در حالی‌سـت که داوران ما غالبا کم کارترین عکاسان ایرانی هستند. هر روزه فضای اجتماعی و فرهنگی کشور ما فرق می‌کند و چهره‌ی دیگری به خود می‌گیرد و قضاوت کنندگان ما هنوز در صدد اِعمال داوریِ بیست- سی سال پیش‌اند. برخی عکاسان در جایگاه پیش‌روتری از داوران و یا کسانی که به گونه‌ای دستی در روند عکاسی در ایران دارند، ایستاده‌اند. هر طیف عکاس مخاطب خود را دارد و این که چرا غالب آثار تولیدی ما خیلی یک سان و مشابه هم شده‌اند به‌لطف دیدگاه‌های متحجرانه وواپس گرایانه است. نشریات ما آثـاری را چاپ می‌کنند که هرگز در جشـنواره‌ها دیده نمی‌شوند. مردم با چنین آثاری بیگانه‌اند و توان فهم‌شان هم راستا با کارهای خلاقانه‌ی کنونی نیست.

با این وضعیت، عکاس برای چینش آثار خود در قالب مجموعه یک نگاه به داوران دارد و نگاهی به مجموعه‌های پیشین. تمرکز او روی موضوع را هیچ عکاس دیگری ندارد که بتواند دخل و تصرفـی در آن بکند. او باید خطر کنار گذاشته شدن آثارش را به جان بخرد ولی دست از آن چه که کشف کرده است به سادگی برندارد. برای برنده شدن و «به چشم آمدن» ایده‌ی خود را فدای جایزه می‌کنیم. پس کسـی که هنوز از خلاقیت سخن می‌گوید یا این اوضاع قاراشـمیش را نفهمیده یا از خلاقیت چیز زیادی سرش نمی‌شود.

یکـی از دلایـل یک دسـت شـدن آثـار تولیدی، قضاوت‌های یک دست است که آن هم از نگاه به پشت و به زمان‌های دوران شکوفایی در دهه‌ی شصت برمی‌گردد. محتوای تجربه‌های شصتی توان فردگرایی در عکاسی را از دسـت هر کس ربوده است؛ یا بهتر است بگوییم، نگاه جمعی و ارتجاعی همیشه مرتکب گناهی نابخشودنی‌ست. این محتوا سنگ محکی برای سنجش تولیدات شده است. چرا؟ سهم ما از جریان پست مدرنیسیتی چیست؟ کسانی که حنجره و چینه‌دان خود را برای پاسـخ به این جوش می‌آورند غالبا فهم قرون وسـطایی دارند. و عکاسانی که با نزدیک شـدن به بزرگان و پیش کسوتان عکاسی سر از پا نمی‌شناسـند سبک و روش شصتی را دوباره تجربه می‌کنند: تجربه‌ی آزموده‌ها- این است سهم ما از ارتجاع. برخی گنده گوزی‌ها به نام کارهای مدرن وصله‌ی ناجور بر تن محتوای شـصتی شده اسـت. اگر که از افتخارات ما انتخاب داور فیلم سـاز دوران شـصتی در جشنواره‌ی امروزی‌ست، این برگشت ارتجاعی به گذشته است.

بهمن جلالی کسـی که از نقد صریح و گاه شکننده دست برنداشت ولی به اندازه‌ی کسی که خود را جلودار روند عکاسی در ایران معرفی می‌کند، شناخته نشد. عکس‌ها و پرتره‌های او به اندازه‌ای که منتشر شد از محتوای اندیشه‌ها و ایده‌هایش تهی بود: از چشم ما حضوری در آثارش ندارد. کم‌تر کسی به غیر از او بتوان یافت که به فردیت ایده‌ها و تمرکـز محتوایی روی موضوع اهمیت فراوان بدهد. به سادگی می‌توان آثار ایرانی و خارجی را در کارهای عکاسان یافت. آثاری که از چشم دیگران تولید می‌شود و آثاری که از چشـم یک ایرانی متولد می‌شود. یک عکاس خارجی ایـران را به چشـم خود می‌کاود و این نمی‌تواند سـبک همیشگی باشـد. ذهن ایرانی در پشـت آثار به دشواری رخ نشان می‌دهد. سخن از تقلید و کپی نیست، سخن از فلسفه‌ی آمیخته و بی‌دروپیکری‌ست که در واقع، پاسخی به نگاه‌های نگران و منتظر آن سوی آب‌هاست: آثاری که برای کم نیاوردن با پست مدرنیسم پر می‌شود.

دسـت اندازی برخی عکاسان روی آثار جوانان سبب بی‌اعتمادی می‌شـود. او با دیدن چند اثر از عکاس جوان نمی‌تواند بفهمد چه ایده‌ای در سر دارد و راهنمایی‌های‌اش غالبـا به تخلیه شـدن عـکاس منجر می‌شـود. پیش فرض‌های انبوه در ذهن عکاسـانی که شـهرتی به هم رسانده‌اند، راهنمای بدی برای آنان می‌شود و از آن جایی که از سخن منطقی و گفتار سنجیده و منظم بی‌بهره‌اند، عکاس را در سردرگمی رها می‌کنند. انرژی جوانان صرف وقت گذرانی روی پیش فرض‌های اندوه‌بار می‌شود. این پیش‌فرض‌ها باز هم قضیه‌ی خلاقیت را مسـخره جلوه می‌دهـد وحجم آن‌ها جایی برای جـولان دادن جوانان نمی‌گذارد.

یکی از عکاسـان (ملک مدنی) در کارگاه عکاسی‌اش

در حالی که عکس‌های دهه‌ی شصت‌اش را شاهکار می‌دانست گفت، کسی تا کنون چنین زاویه‌ای را تجربه نکرده است. در دهه‌ی نود با یک ضربه شصتی می‌شویم! ضربه‌ای که به احتمال زیاد کسی را متأثر نکرد. فهم عمومی بیش از این حماقت‌هاست. او گرفتار در تور توهم چاره‌ای جز خودبزرگ بینی ندارد. کسان زیادی چون او تعطیل شده‌اند و برگزاری کارگاه شأنی بر مقام او نمی‌افزاید.

■■■

پاسکال: مبادا گفته شود که من هیچ چیز تازه‌ای نگفته‌ام. نحوه‌ی ترتیب مصالح، تازه است. هنگام توپ بازی، هر دو حریف با یک توپ بازی می‌کنند، اما یکی بهتر از دیگری آن را به کار می‌برد.

■ چیده‌مان مجموعه یکی از مصالحی‌ست که در معنای اثر می‌تواند مؤثر باشد. با هر گونه چیده‌مان یک مراد می‌شود. آیا راهی برای چیده‌مان درست وجود دارد؟ هرگز. «چیده‌مان درست» اصلا مفهوم ندارد. اگر بگوییم چیده‌مان درست همان است که در ذهن مؤلف نقش بسته، باز ادعای دشواری‌ست. یافتن ذهن مؤلف حتا برای خود او نیز دشوار است. آیا او از سوژه‌ی خود هیچ مرادی نداشته است؟ او چیزی در ذهن‌اش قطعا داشته است ولی این چیز پوشیده از مفاهیم کلی‌ست و تعابیر روی آثارش دیگر به خود او بستگی ندارد. خود عکاس نیز چون دیگران به آثار خود به چشم تعبیر می‌نگرد. پس، جزییات یک اثر هنری پس از انتشارش آشکار می‌شود. اما یک جور چیده‌مان نزدیک به «درست» وجود دارد که، از ذهن مؤلف می‌تراود. از بین ده چیده‌مان شاید عکاس هفت تایش را نپسندد. «نپسندیدن» او از انبوهی مفاهیم انباشته شده می‌تراود. قطعا دست کاری داوران چیزی نیست که به «درست» نزدیک باشد و برعکس، دارای مشکلاتی‌ست انبوه که یکی‌اش یک‌سان سازی اندیشه‌هاست.

■ داوران قضاوت کننده هیچ توضیحی بلد نیستند که چه گونه فلان عکس کنار گذاشته می‌شود و فلان برای چندمین بار برگزیده می‌شود. داوری‌ها درِ گوشی‌ست. مصاحبه‌ها و نوشته‌های آنان در حد و اندازه‌ی کلیاتی‌ست به درد نخور که بیش‌تر شبیه انشاهای کلاس پنجمی‌ست. یک اثر در مجموعه در حکم یک واژه در جمله‌ای از رمان است. با جابه‌جا کردن واژه‌ها که ترکیب جمله تغییر می‌یابد، معنای‌اش نیز تغییر می‌یابد. حتا پس و پیش کردن یک واژه علاوه بر شکستن آهنگ جمله، مفهوم آن را عوض می‌کند. چه گونه می‌توان شعر یا رمانی را دو- سه نفری نوشت در حالی که یک مجموعه عکس می‌تواند زیر نظر دو- سه نفر تولید شود. مسؤولیت یک اثر کاملا باید بر دوش مؤلف‌اش باشد و با دخالت دیگران نمی‌توان فهمید مؤلف چه کسی‌ست. رسیدن به جایزه یکی از عواملی‌ست که سبب بی‌مسؤولیتی عکاس شده و بار اعتماد را از دوش خودبرمی‌افکند.

■ یکی از داوران ادعا می‌کند در صورتی که داوری درست انجام گیرد عکاسی در بین نخواهد بود! با این وضعیت مگر عکاسی در بین هست؟ تو با این سخنان‌ات دروغ گفتن را مباح می‌کنی و روند عکاسی را با خودت می‌سنجی. اگر تو حوصله‌ی عکاسی نداری، قضاوت را به دست کسی بسپار که با دروغ هنر را دلداری ندهد. در هیچ گونه محافظه کاری (چه در اقتصاد و چه در مدیریت و هنر) نباید مترصد نوآوری بود، مگر نوآوری کسانی که افکار دهه‌ی شصت‌شان هنوز حاکمیت بی انقطاع در ایران دارد. نباید کار جوانان این مرز و بوم را از یاد برد که مایه‌ی سربلندی ایران ما شده‌اند. ولی به احتمال زیاد اینان کسانی‌اند که مثل من درگیر افکار نیرنگ مآبانه و کوته نگرانه صاحبان املاک هنری نبوده‌اند. کسی که به این ملک هنر وارد می‌شود هنرش را به جوایز تحقیرآمیز جشنواره‌ها می‌بازد. در این ملک هر هنر ارزش‌اش با مبالغی سنجیده می‌شود که اگر شانس یارش باشد، گریبان او خواهد شد. هیچ جشنواره‌ای حال و حوصله‌ی تغییر در ساختار یک نواخت و کسالت آور خود ندارد. روشی که چندین سال است هم چنان خریدار عکس‌های آرشیوی‌ست و عملا به هیچ تولیدی منجر نمی‌شود مگر انواع سفارش‌های جشنواره‌ای. کالای هنر در رونق جشنواره‌ها هم چون بهره‌ای فلج کننده شده است که داغ پشیمانی‌اش را پس از سال‌ها خواهد فهمید. یک گام به جلو و دو گام به عقب سبب کالایی شدن آثار هنری‌ست. چیزی برای افتخار کردن وجود ندارد مگر گذشته‌های دست نیافتنی. روش‌ها و نگاه‌های سنتی (ولی در ادعا مدرنیستی) افراد با اذهانی یک سان و هم‌اندیش بار آورده که آنان نیز با آرمیدن بر صدارت قضاوت یا دبیری جشنواره راه نیاکان خود را با منجنیق و سپرهای آتشینِ رقابت سپری می‌کند. بی‌دردسرترین راه کم هزینه‌ترین و ساده‌ترین راه است. نیازی به اندیشیدن نیست؛ همه‌ی اندیشه‌ها آزموده شده و هم‌آوردی از ادعاهای هنری ایجاد کرده که آزمون‌های نو را پشت سر می‌اندازد. کاری نکنید که خطر داشته باشد، راه‌های طی شده بهترین آزمون تاریخی‌اند. تاریخ مدیریت ایرانی چنین راه‌کارهای تکراری را بیش‌تر می‌پسندد و در تولیداتی که از واژه‌های نانوتکنولوژی و اصطلاحات بی‌محتوای امروزی بهره ببرد، شادمان می‌شوند.

■ این دستاوردها به همراه نیروهای انسانیِ هم‌سان و هم فکر و پخمه موجب یک‌سان شدن خواست‌ها و ایده‌های افراد شده است. یاد گرفته‌ایم در بخت آزمایی‌های هنری شانس خود را بیازماییم و نام‌اش را اقتصاد عکاسی گذاشته‌ایم. جایزه‌ها هم چون بخت‌آزمایی‌ها درآمد ثابت و معقول محسوب نمی‌شوند. در این وضعیت، عکاسان سر هم دیگر را نشانه می‌روند و رقابت جایزه‌ی زنده ماندن می‌شود. میانگین درآمد او از کار عکاسی (که گونه‌ای شغل قلمداد می‌شود) کسب درآمد از جایی و هزینه کردن در شرط بندی‌های حلال است. همه‌ی دست اندرکاران جشنواره‌ها باخت را نه در رقابت‌های مردانه که در قمارهای نابرابر نهادینه می‌کنند و جالب‌تر این که آنان خود در جشنواره‌ی دیگری شرکت می‌کنند. این گونه تجارت هنر برازنده‌ی کشورهای درگیر بحران و انزوای ناخواسته‌اند.

■ در فیلم بسیار جالب شکارگران گوزن چند دوست که درگیر روی‌دادی ناخواسته شده‌اند، به وضعیت فلاکت باری رسیده‌اند که به ناچار به یک درآمد عجیب و غریب دست می‌یابند: زنده ماندن آنان در گرو رقابت با هم دیگر است. دو نفرشان در یک شرط بندی روبه روی هم قرار می‌گیرند با تفنگی تنها با یک تیر. شانس هر کدام یار باشد پول‌دار شده و دیگری بی‌جان روی میز خواهد افتاد. تجارت خانه‌ی عکس و هنر ما به دست خود ما به گونه‌ای شده است که هم دیگر را در رقابتی ناگزیر رها کرده‌ایم. یکی شرمنده و دیگری شادان. در این کارزار توان فرسا آشکار نیست که ارزش هنر را چه گونه می‌توان بر این دوئل سرتاسر خطرناک نهاد. عکس صرفا ابزاری به رو کم کنی تبدیل شده است. جشنواره‌ها غیر از رو در رو قرار دادن چند اثر کاری انجام نمی‌دهند. انتخاب عکس از آرشیو هم چون دست بردن بر کیسه‌ی پر از مهره‌هاست که یا سفیداند یا سیاه. مهره‌های سفید موجبات شادی و سربلندی او را به همراه خواهد داشت و مهره‌های سیاه برعکس، سرافکنده‌گی او را. این گونه تجارت هنری که غیر از دو راهِ سیاه و سفید چیز دیگری در برندارد، گستره‌ی خود را به صفر و یک محدود می‌کند. هیچ کاری غیر از دست بردن بر کیسه نیست. چند صد هزار عکس از موضوعات گوناگون مرتب ردیف شده‌اند که هر دو هفته یک بار در جشنواره‌ای شرکت کند. نکبت بارترین کار از آنِ داورانیست که از آثار تکراری و هم سطح خسته نمی‌شوند. این داوران خود درگیر رقابت‌های تجاری‌اند که برای زنده ماندن مبارزه می‌کنند. برخی از آنان گروه‌هایی را رهبری می‌کنند تا زنده ماندن خود را پشت انبوهی از آثار و اندیشه‌های آرشیوی تضمین کنند. در این وضعیت، کسی حق اظهار نظر دارد که گروهی بزرگ را پشت سر خود داشته باشد.

■ از داورانی که غیر از داوری کار دیگری بلد نیستند تا عکاسان جایزه گرفته که تا چند هفته پیپ انگلیسی می‌کشند، می‌توان اوضاع قاراشمیش هنر را سنجید. کسانی که از این پیپ‌های گران بها بی‌بهره‌اند، از دایره‌ی دوئل به روش کثافت دوراند. اینان به قضاوت خود پای‌بنداند تا قضاوت‌های تهی مغز و بی‌محتوا که تنها مورد مصرف‌اش گله‌های رقابت جو هستند. گاه برای تنوع، کارگردانان نام‌آور بر صدارت داوری می‌نشینند. این تنوع، در واقع، بالا کشیدن نرخ کارشان است. تقوایی و کیارستمی نام‌اورانی‌اند که زمانی در رقابت برای زنده ماندن تلاش کردند و گرچه امروزه تعطیل‌اند، هنوز در بازار تجاری هنر خریدار دارد. این نام‌آوران آخرین ضربه بر پیکر هنر ما را بر عهده دارند.

Picasa
بهترین برای آرشیو

سـهم ویندوز از برنامه های مدیریت تصاویر، کاملا عادلانه اسـت. برنامه های بسـیاری در این زمینه برای ویندوز ساخته شده اند. اما در این بین، پیکاسا به خاطر مجموعه موثری از امکانات و سهولت استفاده نسبی، به عنوان بهترین برنامه انتخاب گردید. با ما باشید تا قابلیت ها و نقاط ضعف و قوت پیکاسا را بررسی کرده و رقیبانش را هم در ویندوز به شما معرفی کنیم.

امکانات

- ایمپورت آسان تصاویر از دوربین، فلش یا هارد درایو.
- قابلیت اسکن کردن فولدر های خاص روی هارد درایو شما و اضافه کردن اتوماتیک تصاویر جدید به کتاب خانه برنامه.
- مرتب کردن اتوماتیک تصاویر با تاریخ و رویدادها
- تشخیص چهره و قابلیت مرتب کردن تصاویر با چهره ها
- تگ جغرافیایی تصاویر و قابلیت نمایش آلبوم ها روی نقشه جهانی، بسته به موقعیت جغرافیایی آنها
- حل مشکلاتی مانند قرمزی چشم، مشکلات رنگی و نور دهی به وسیله ی یک ویرایشگر ساده و آسان
- طراحی و ساخت کلاژ تصاویر، اسلاید شو ویدئویی، اسکرین سیور و ...
- اشتراک گذاری تصاویر با ایمیل یا از طریق وب آلبوم های پیکاسا

نقات قوت

نقطه قوت اصلی پیکاسا، قدرت طبقه بندی و ویرایش آسانش است. اگر شما یک ویرایشگر پیشرفتهتصاویر می خواهید، پیکاسـا برایتان اصلا مناسـب نیسـت. اما این نرم افزار برای کاربران خانگی عادی که فقط به سـازمان دهی عکس ها و ویرایش های سـبک در زمان کوتاه، نیاز دارند؛ فوق العاده اسـت. برای ویرایش تصاویر به وسیله پیکاسا، لازم نیست چیز زیادی از فنون ویرایشی بدانید. شما می توانید تمام تصاویر موجود روی هاردتان را سازمان دهی کنید، آن ها را با وب آلبوم های پیکاسا همگام سازی کنید، تصاویر را به ترتیب افرادی که در آن هستند مرتب کنید، و انواع اسلاید شوهای فانتزی را بسازید.

شـما همچنین قادر خواهید بود تا ادیت های کوچکی را روی نور دهی و رنگ انجام دهید. بیشـتر این ادیت ها به صورت اتوماتیک نیز قابل انجام اند. البته می توانید کمی هم به ادیت های دسـتی متوسـل شوید. در نهایت پیکاسـا برای افرادی که نمی خواهند غرق در مرتب کردن عکس ها و ویرایش شـان شـوند، بسیار مناسب است.

متاسفانه، بزرگترین نقطه قوت پیکاسا، نقطه ضعفش هم هست. قدرت طبقه بندی پیکاسا فوق العاده است، اما در ابتدا کمی گیج کننده به نظر می رسد. وقتی پیکاسا را اجرا می کنید، این نرم افزار تمام هارد درایو شما را برای یافتن تصاویر جستجو می کند و آن ها را در کتاب خانه شما قرار می دهد. این برای هارد های آشفته که در هر درایو و فولدری از آن ها یک عکس دیده می شود، عالی است. اما به هر حال در طی این فرایند، شـما هسـتید و یک عالمه والپیپر و آیکون و عکس و ... همین نکته ای است که شاید نخواهید در نرم افزار مدیریت تصاویرتان وجود داشته باشد. شما می توانید این مشکل را در مدیریت پوشه های پیکاسا رفع کنید. اما رفع آن هم نیاز به کمی زمان گذاشتن دارد و در هر حال گیج کننده است. این مسائل می تواند کاربران را به شدت عصبی کند.

از طرف دیگر، پیکاسـا هنگام ویرایش تصاویر، به سـختی کنترل را به شما می سـپارد. بیشتر اوقات، شـما یا تصوویری که خودتان گرفتـه اید را دارید، یا تصویری که پیکاسـا برای شما ادیت کرده! برای ویرایش دستی، کنترل های کمی در اختیارتان قرار می گیرند. مانند: کنترل سـایه روشن ها، سایه ها و دمای رنگ. البته در این مورد خیلی ناراحت نباشید. چـون قابلیت های ویرایش خودکار، واقعا خوب کار می کنند و به خوبی از پس درست کردن تصاویرتان بر خواهند آمد.

پیکاسـا همچنین فقط توانایی سینک شدن با وب آلبوم ها را دارد که این شـما را ناراحت می کند. اگر بخواهید تصاویرتان را به یک سرویس غیر گوگلی مانند فیس بوک یا Flickr آپلود کنید. به یکی دوتا افزونه نیاز خواهید داشت.

رقیبان

بیشتر ویرایشگر های پایه، تقریبا شبیه پیکاسا هستند. یـک گزینه ی پرطرفدار دیگر در وینـدوز، نرم افزار Windows Live Photo Gallery است که به خوبی با ویندوز یکپارچه سازی شده و به شما اجازه آپلود تصاویر به اسـکای درایـو، فیس بوک و فلیکر را مـی دهد. در این نرم افزار قابلیت پانوراما سـازی دستی با تصاویر هم وجود دارد. امکانی که پیکاسا از آن محروم اسـت. هرچند باید گفت که این نرم افزار قابلیت های ویرایش ویدئوی پیکاسا را ندارد و از وب آلبوم های پیکاسا هم پشـتیبانی نمی کند. شاید در زیبایی و سادگی استفاده نیز به پای پیکاسا نرسد. چیز دیگری که ممکن است شما را به این نرم افزار علاقه منـد کند، قابلیت ذخیره ی تغییـرات (مانند نام افراد یـا تگ های جغرافیایی) در قالب یک metadata (ابرداده) در عکس مربوطه اسـت. این کار باعث می شـود که اگر عکس را به هـر کامپیوتر دیگری هم منتقل کردیـد، این تغییرات روی آن باقی بمانند. اما پیکاسا از این قابلیت بهره ای نمی برد.

لایت روم با پرداخـت ۳۰۰ دلار برای این نرم افزار، قابلیت های ویرایشی پیشرفته بسیار زیادی در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

اگر تنها کار شما با تصاویرتان، همگام سازی آن ها با وب و موبایل های تان است، دراپ باکس واقعا گزینه خوبی است. اما اگر احساس می کنید که باید یک نرم افزار در سازمان دهی پوشه تصاویر به شما کمک کند؛ دراپ باکس دیگر گزینه خوبی به شمار نخواهد رفت.

فراخوان چهارمین دوره مسابقه عکس شوکا

۱- موضوع مسابقه «اتاق تلویزیون» با نگاه مستند.
۲- عکس‌ها اعم از آنالوگ یا دیجیتال باید چاپ شده ارایه شود.
۳- هر عکاس می‌تواند حداکثر با ۵ عکس در این مسابقه شرکت کند.
۴- قطع عکس‌ها ۳۰×۲۰ سانتی‌متر خواهد بود.
۵- عکس‌ها نباید پاسپارتو یا قاب شده ارسال شوند.
۶- مهلت ارسال تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ خواهد بود.
۷- لازم است عکاسان مشخصات خود را که شامل نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، نشانی پستی و شماره تماس است را در پشت فیش بانکی به مبلغ هفت هزار تومان به شماره حساب ۲۱۹۲۴۳۰۱۴ بانک تجارت شعبه گاندی جنوبی کد ۲۱۹۰ به نام یارعلی پورمقدم، یادداشت و به همراه عکس‌ها بفرستند. (دریافت این مبلغ پس از کسر هزینه‌ها بین برندگان تقسیم خواهد شد تا به این ضرورت پاسخ داده شود که عکاسان می‌توانند خود حامی جشنواره های خود باشند.)
۸- این مسابقه دو برنده خواهد داشت و وجوه ارسالی پس از کسر هزینه‌های برگزاری به نسبت ۶۰ و ۴۰ بین برگزیدگان اول و دوم تقسیم خواهد شد.
۹- برگزار کننده نهایت دقت را برای حفظ آثار ارسالی به عمل خواهد آورد ولی هیچ مسئولیتی در قبال آسیب‌های ناشی از ارسال را نمی‌پذیرد.
۱۰- برگزار کننده حق استفاده از عکس‌های منتخب را برای فروش، چاپ و انتشار در کتاب‌ها یا نشریات مربوط به خود و برگزاری نمایشگاه با ذکر نام عکاس محفوظ داشته و هرگونه درآمد حاصل از آن را با رعایت تعرفه برگزار کننده به صاحب عکس پرداخت خواهد کرد.
۱۱- تصمیم گیری در موارد پیش بینی نشده به عهده برگزار کننده است.
۱۲- ارسال عکس برای این مسابقه به معنای پذیرش مقررات آن است.
۱۳- ارسال عکس از نظر برگزار کننده به معنای اعلام مالکیت اثر از سوی ارسال کننده است، درصورت اثبات خلاف آن مسئولیتی متوجه برگزار کننده نیست.
۱۴- مراسم افتتاحیه و اهدای جوایز خرداد ماه سال ۱۳۹۱ در تالار بتهوون خانه هنرمندان ایران برگزار و عکس‌های برگزیده به مدت یک هفته در همین مجموعه به نمایش در خواهد آمد.
۱۵- عکس‌های ارسالی تا یک ماه بعد از اعلام برندگان در کافه شوکا نگهداری خواهد شد و پس از پایان زمان مقرر برگزار کننده هیچگونه مسئولیتی در قبال استرداد عکس‌های باقی مانده نخواهد داشت.

جایزه بخش ویژه: این بخش تحت عنوان «بهمن جلالی» منفردا توسط سرکار خانم رعنا جوادی (همسر بهمن جلالی و عکاس) داوری خواهد شد و برنده آن یک عکس از آثار بهمن جلالی را دریافت خواهد کرد.

هیئت داوران: بهرام دبیری (نقاش)، محمدرضا صفدری (نویسنده)، پیمان هوشمندزاده (عکاس)
جایزه نفر اول: تندیس آهوی مازنی به علاوه ۶۰ وجوه ارسالی جایزه نفر دوم: لوح پیروز به علاوه ۴۰ وجوه ارسالی

عکس‌ها به آدرس: تهران، خیابان گاندی، نبش کوچه چهارم، مرکز خرید گاندی، طبقه دوم، کافه شوکا کدپستی: ۱۵۱۷۷۳۸۷۷۷ تحویل و یا ارسال شود.
شماره تماس: ۸۸۷۹۲۰۳۶-۰۲۱

اطلاعیه - بیست فروردین ۱۳۹۱

قابل توجه شرکت کنندگان در چهارمین دوره مسابقه عکس شوکا
برای راحتی بیشتر پرداخت مبلغ شرکت در مسابقه می‌توانید علاوه بر پرداخت به حساب گفته شده در اطلاعیه اصلی فراخوان از روش پرداخت الکترونیکی به حساب ATM به شماره کارت زیر نیز استفاده کنید.

۶۲۳۷-۵۳۱۰-۴۰۲۶-۵۷۲۷
بانک تجارت به نام یارعلی پورمقدم

در این صورت لازم است مشخصات فردی خود شامل: نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، نشانی، کدپستی و شماره تماس را در برگه‌ای مجزا تایپ و آنرا به رسید خودپرداز یا پرینت شناسه پرداخت اینترنتی الصاق کرده، به همراه عکس‌های خود به دبیرخانه مسابقه عکس شوکا ارسال کنید. برای اطلاع از سایر موارد به اطلاعیه اصلی فراخوان مراجعه نمایید.

فراخوان اولین نمایشگاه و فروش آثار عکس صبا

بی‌تردید عکاسی را باید یکی از تأثیرگذارترین و وسیع‌ترین رسانه‌های هنر معاصر به حساب آورد. رسانه‌ای که هم در شکل مستقل خود و هم با همزیستی‌اش در کنار سایر رسانه‌ها به یکی از توانمندترین ابزارهای بیانی هنرمند معاصر بدل شده است. با این وصف، این پروژه بر آن است تا با مشارکت حداکثری جامعه عکاسی و با در نظر گرفتن تمام پتانسیل‌های این رسانه روشی سودمند را برای ارایه و فروش عکاسی اندیشمندانه در فضای هنر معاصر ایران تدارک ببیند. از همین روی موضوع این نمایشگاه به عهده هنرمند و برداشت شخصی او از تجربیات زندگی گزارده شده است.
«عکس صبا» تلاش دارد تا به دور از هرگونه موازی کاری در فضایی غیررقابتی برآیندی حقیقی از عکاسی جدی عکاسان ایرانی را هر ساله در معرض دید علاقه مندان و خریداران عکس قرار دهد.

شرایط شرکت:

موسسه فرهنگی و هنری صبا و هیات برگزاری «عکس صبا» از هنرمندان سراسر ایران در هر سن و گرایشی دعوت می‌کند تا در صورت تمایل جهت شرکت در این گردهمایی، آثار خود را با توجه به شرایط مندرج در فراخوان ارسال نمایند. لازم به ذکر است که هیات انتخاب از میان آثار رسیده، با درنظر گرفتن ابعاد کیفی و فضای نمایشگاه آثار را انتخاب خواهند کرد.

۱- شرکت در نمایشگاه برای همه هنرمندان عکاس آزاد می‌باشد.

۲- الزامی است، هنرمندان عکاس آثار خود را صرفا به شکل مجموعه عکس همراه با بیانیه شخصی (Statement) در (حداکثر ۱۰۰ کلمه) ارسال نمایند.

۳- آثارهنری اعم از (چیدمان، هنردیجیتال و...) با تاکید بر محوریت عکس قابل پذیرش است، لذا کلیه هنرمندانی که آثارشان در این حیطه می‌گنجد لازم است بنا به صلاحدید خود پیش طرحی قابل فهم را به هیئت انتخاب ارایه دهند.

۴- هر هنرمند می‌تواند ۲ مجموعه عکس ارایه نماید.

۵- دبیرخانه از پذیرش تک عکس‌های پراکنده معذور است.

۶- دبیرخانه فایل‌های آسیب دیده و فاقد کیفیت چاپ را داوری نخواهد کرد.

۷- محدودیتی برای چگونگی ارایه و نمایش عکس‌ها وجود ندارد و هنرمندان (در صورت پذیرفته شدن) می‌توانندآثار خود را درابعاد دلخواه و با متریال مورد نظرشان به نمایش بگذارند.

۸- لازم است هنرمندان آثار خود را (برای انتخاب اولیه)، به شکل فایل JPEG، ۱۰۰ DPI، A۴ به آدرس دبیرخانه ارسال نمایند.

۹- متقاضی متعهد می‌شود که عکس‌های ارسالی متعلق به خود اوست و مسئولیت اخلاقی و حقوقی آن را به عهده می‌گیرد وبرگزارکننده هیچ مسئولیتی درقبال این موضوع ندارد.

۱۰- قیمت گذاری آثار با توافق هنرمند و گروه کارشناسی «عکس صبا» تعیین می‌گردد.

۱۱- نحوه فروش بر اساس فرم تنظیمی و تفاهم بین هنرمند و برگزار کننده مشخص خواهد شد.

۱۲- کتابی نفیس از آثارنمایشگاه چاپ و ارایه خواهد شد.

۱۳- تصمیم گیری درباره موارد پیش بینی نشده به عهده شورای سیاستگزاری است.

۱۴- «عکس صبا» مجاز است از عکسهای پذیرفته شده در کتاب و تبلیغات خود استفاده کند

۱۵- تکمیل فرم عکس صبا به منزله قبول مفاد فراخوان است.

هیات انتخاب:

۱- محمد غفوری ۲- شهریار توکلی ۳- مهدی مقیم‌نژاد

بزرگداشت:

نمایشگاه هنری عکس صبا بر آن است که همه ساله جهت رونق و توجه به عکاسی برگزار گردد، لیکن همزمان با برگزاری، بخشی مستقل و مرتبط با ایران اسلامی را در جهت تکریم و بزرگداشت آن رونمایی خواهد کرد. «فتح خرمشهر» عنوان بخش مستقل اولین حرکت عکس صبا خواهد بود که یاد آور دلیری و جانبازی بسیاری از عزیزان در دفاع از کیان این مرز و بوم به یادگار گذارده شده است.

گاه شمار:

مهلت ارسال آثار: ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۱ (تا ۳۱ فروردین تمدید شد.)
داوری و انتخاب آثار: ۱۷ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۱
اعلام به برگزیدگان: ۲۲ و ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۱
مهلت ارسال آثار برگزیدگان: ۱۰ تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱
شروع نمایشگاه: اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

متعاقباً اطلاعات بیشتر در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد.

دبیرخانه عکس صبا: خیابان طالقانی، جنب سینما فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷ - ۶۶۴۸۷۵۳۶ نمابر: ۶۶۴۹۴۵۱۲
gallerysaba@gmail.com

فراخوان جشنواره هنرهای تجسمی بوم برکت

امروز نزد صاحب نظران، تردیدی وجود ندارد که آنچه می تواند منشأ عمده تحولات بشری در دنیای جدید واقع شود، قدرت اقتصادی، برتری سیاسی و مسایلی از این دست نیست، بلکه «فرهنگ» است که می تواند پایه و اساس تغییر و تحول در دنیای امروز قرار گیرد. در این میان، فرهنگ عمومی، به عنوان ساحتی از فرهنگ که رابطه‌ای مستقیم با عموم مردم دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فرهنگ عمومی دارای دو جهت محسوس و نامحسوس است.

ابعاد محسوس و عینی آن شامل مواردی چون شکل لباس، نوع معماری، انواع غذاهای مورد استقبال مردم، آیین، سنن و رسوم مربوط به شادی، ازدواج، عزاداری و... می باشد که تأثیر خاصی بر ذهنیات، خلقیات، منش و تربیت افراد دارد.

بخش دیگر فرهنگ عمومی نیز مربوط به امور نامحسوس مثل اخلاق فردی و اجتماعی مردم وقت‌شناسی، تعهد و وجدان کاری، مهمان دوستی، احترام به بزرگ‌تر، اعتماد اجتماعی، احترام به قانون، انضباط اجتماعی، فرهنگ کار، تلاش و جدیت، مسئولیت پذیری و... است.

آیین نامه شرکت در جشنواره (بخش عکس):

موضوع: زندگی شهری، فرهنگ شهروندی و عمومی و عوامل موثر بر ارتقا آن همچون خانواده، قانون، رسانه‌ها و...

شرکت تمامی عکاسان حرفه‌ای و آماتور سراسر ایران در جشنواره آزاد است.

عکس مستند اجتماعی عکسی است که به موضوع خود سندیت می بخشد، هر گونه دستکاری که شکل واقعی اشیا را تغییر دهد از حوزه این عکاسی خارج می شود و جنبه اسنادی عکس را از میان می برد. این نوع عکاسی حامل پیامی مشخص است.

منظور از بخش خلاقه (ابداعی) هر نوع نگاه عکاسانه، تکنیک لابراتواری یا نرم افزاری، نوع ارائه و به طور کلی کارکردهایی است که توسط آن واقعیت به صورتی درآید که مردم قادر به دیدن آن در دنیای واقعی نباشند.

بخش مستند این جشنواره به صورت کارگاهی / اردویی در شیراز و با دعوت از عکاسان منتخب، و بخش خلاقه (ابداعی) این جشنواره به صورت آزاد، پذیرای آثار ارسالی است.

برای شرکت در بخش مستند، عکاسان لازم است ۵ عکس از نمونه آثار عکاسی خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

برای شرکت در بخش خلاقه (ابداعی) هر عکاس می تواند حداکثر با ۵ عکس در مسابقه شرکت نماید. عکس های ارسالی در این بخش، بلافاصله وارد مرحله داوری می شوند.

به این ترتیب هر شرکت کننده می تواند حداکثر با ۱۰ عکس در این جشنواره شرکت کند.

تاریخ ثبت عکس ها محدوده زمانی ندارد.

آثار ارسالی باید بر روی لوح فشرده cd و یا dvd با فرمت jpg، در حداقل اندازه؛ ضلع بزرگ عکس ۳۰۰۰ پیکسل و رزولوشن خروجی دوربین ارسال گردند و نیازی به ارسال پرینت یا نسخه چاپی نیست.

شرکت کنندگان می توانند عکس های خود را از طریق سایت نیز Upload نمایند. (مقررات این بخش در قسمت ثبت نام قید گردیده است.)

عکاسان لازم است محتویات CD عکس های ارسالی از طریق پست را در دو فولدر بنام های Documentary و Creative قرار داده و عکس های هر بخش را درون آن ذخیره نمایند.

الزاماً بر روی لوح فشرده ارسالی نام و نام خانوادگی، شماره تماس و نشانی پستی خود را یادداشت نمایید.

هر گونه آسیب دیدگی و ارسال نامناسب بسته پستی بر عهده فرستنده می باشد و دبیرخانه جشنواره هیچگونه مسئولیتی در قبال ارسال نامناسب آثار نمی پذیرد.

لوح های فشرده ارسالی عودت نمی شود و پس از داوری معدوم می گردد.

عکاسان برگزیده در بخش عکاسی مستند، به صورت کارگاهی به رقابت می پردازند.

تمامی هزینه اسکان و پذیرایی عکاسان منتخب بخش مستند و همچنین عکاسان منتخب بخش خلاقه (ابداعی) در ایام جشنواره بر عهده ستاد برگزاری جشنواره می باشد.

بخش ویژه جشنواره با عنوان «شیراز، سومین حرم اهل البیت (ع)» نیز همزمان داوری می گردد.

اولین جشنواره هنرهای تجسمی بوم برکت بخش ویژه‌ای را برای تقدیر از نوجوانان زیر ۱۸ سال ترتیب داده است که می توانند در هریک از بخش های جشنواره شرکت نمایند.

آثار منتخب و راه یافته به بخش مسابقه مستند و خلاقه (ابداعی) در قالب کتاب جشنواره به چاپ می رسد و یک نسخه از این کتاب برای تمامی شرکت کنندگان ارسال خواهد شد.

شرکت در مسابقه به معنای قبول قوانین جشنواره می باشد.

هیئت داوران: بخش مستند: اسماعیل عباسی، اسعد نقشبندی، دکتر محمد ستاری / بخش مفهومی: افشین شاهرودی، کیارنگ علایی، دکتر مهدی مقیم نژاد

جوایز بخش مستند و خلاقه:

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر، مبلغ ۲۰ میلیون ریال

نفر دوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر، مبلغ ۱۶ میلیون ریال

نفر سوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر، مبلغ ۱۲ میلیون ریال

نفر چهارم: لوح تقدیر و مبلغ ۷ میلیون ریال

نفر پنجم: لوح تقدیر و مبلغ ۵ میلیون ریال

جایزه بخش ویژه «شیراز، سومین حرم اهل بیت (ع)»: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۲۰ میلیون ریال

جایزه هنرمند زیر ۱۸ سال (۲ نفر): لوح تقدیر و مبلغ ۴ میلیون ریال

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱

نمایشگاه آثار برگزیده: ۲۰ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

مراسم پایانی جشنواره: ۲۵ جشنواره ۱۳۹۱

دبیرخانه: شیراز، چهارراه خیرات، نرسیده به سینما قیام جنب بانک ملی حوزه هنری فارس کدپستی: ۷۱۴۹۷۴۴۹۱۴

تلفن تماس: ۵-۰۷۱۱۲۳۴۹۱۷۳

سایت: hhfest.ir

فراخوان دومین جشنواره بیرجند در قاب ایران

سازمان رفاهی تفریحی شهرداری بیرجند با هدف به تصویر کشیدن واقعیت امروز شهر بیرجند دومین دوره جشنواره بیرجند درقاب ایران را با شرایط و مقررات زیر برگزار می‌کند.

محورهای موضوعی جشنواره: جشنواره در سه بخش برگزار می‌شود.

بخش یک: مناظر شهری

در این بخش عکس‌هایی مورد نظر است که موضوعات زیر را به تصویر کشیده باشد:

بافت معماری (جدید و قدیم)، مناظر و چشم اندازهای شهری، می‌ادین، بازارها، کوچه‌ها و خیابان‌ها، مکان‌های زیارتی و توریستی، حضور مردم در شهر، و تمامی نشانه‌ها و نمادهایی که مربوط به بیرجند بوده و مستقیم یا غیر مستقیم بیرجند را معرفی می‌کنند.

بخش دو: مردم نگاری

در این بخش عکس‌هایی مورد نظر است که موضوعات زیر را به تصویر کشیده باشد:

پرتره‌های محیطی، تیپ نگاری مردم، پوشش‌های خاص محلی، فرهنگ عامه، مشاغل، جلوه‌های بومی، آیین‌ها، رسم و رسومات سنتی و هرچه که مستقیم یا غیر مستقیم به زندگی روزمره مردم بیرجند مرتبط است.

بخش سه: آلبوم‌های خانوادگی و یادگاری

در این بخش عکس‌های یادگاری و مستندی مورد نظر است که به صورت‌های گوناگون توسط همگان اعم از عکاس و غیر عکاس بصورت یادگاری و توریستی در بیرجند گرفته شده است. از تمامی کسانی که در آلبوم‌های خانوادگی یا شخصی خود عکس‌هایی دارند که در جای جای شهر بیرجندگرفته شده و می‌تواند معرف بیرجندباشد دعوت می‌شود عکس‌های خودرا به این منظور در اختیار برگزار کننده قرار دهند.

جوایز در دو بخش مناظر شهری و مردم نگاری:

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۱۰میلیون ریال

نفردوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۸ میلیون ریال

نفرسوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۶ میلیون ریال

تقدیر استانی: لوح تقدیر و مبلغ ۴ میلیون ریال

تقدیر سازمان رفاهی تفریحی در بخش مناظر شهری مبلغ ۴ میلیون ریال

تقدیر دبیرجشنواره در بخش مردم نگاری مبلغ ۴ میلیون ریال

در بخش آلبوم‌های خانوادگی جایزه‌ای داده نمی‌شود ولی به سه عکس که به شکل مطلوبی تصویری از گذشته بیرجند را در مقابل دید امروزیان قرار دهد به انتخاب گروه گزینش هر کدام مبلغ ۴ میلیون ریال اهدا خواهد شد.

هیأت داوران: اسماعیل عباسی، افشین شاهرودی، مسعود زنده روح کرمانی، شهریارتوکلی، کیارنگ علایی

مشاور گروه داوری: دکتر محمد علی بیدختی

گروه گزینش بخش آلبوم‌های یادگاری: دکتر محمد علی بیدختی، احمد عابدی، رضا خالدی

مدرسین کارگاه‌های آموزشی: حسن غفاری، گوهر دشتی

ناظر کل جشنواره: علی مظفری نیا

رییس ستاد جشنواره: محمدرضا قلاسی مود

دبیر جشنواره: رضا خالدی

گاهشمار جشنواره:

اردوهای عکاسی برای عکاسان خراسان جنوبی: دوم و سوم اردیبهشت۱۳۹۱

اردوهای عکاسی برای عکاسان سایر شهرها: دوم اردیبهشت لغایت پنجم اردیبهشت ۱۳۹۱

آخرین مهلت ارسال آثار: پایان ساعت اداری روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

داوری: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱

اطلاع رسانی: خردادماه ۱۳۹۱

مراسم پایانی: تابستان ۱۳۹۱

آدرس دبیرخانه: خراسان جنوبی، بیرجند، انتهای میدان توحید، خیابان مفتح۳۴، پلاک ۹، سازمان رفاهی تفریحی شهرداری بیرجند

تلفن دبیرخانه: ۴۴۵۰۳۳۲ و ۴۴۲۲۰۱۳ و ۴۴۲۲۰۱۴ کد بیرجند ۰۵۶۱

دبیر جشنواره: ۰۹۳۵۴۸۰۴۶۴۹ – مدیر اجرایی: ۰۹۱۵۹۶۱۰۶۹۰

فراخوان مسابقه عکاسی از سفره‌های هفت‌سین

سرزمین کهن ایران از دیر باز روز تولد دوباره طبیعت را جشن می‌گیرند و پس از اسلام نیز با تاییداتی که در احادیث از این آیین شد، نوروز به حیات خود ادامه داد. سایت لقمه نیز از چهار سال گذشته برای اولین بار با هدف حرکتی در جهت نگاهی دوباره و زیبا به آئین‌ها و آداب و رسوم مردم خوبمان، مسابقات فرهنگی هنری سفره‌های ایرانی اسلامی را آغاز کرد و هم اکنون با برگزاری چهارمین دوره مسابقه عکاسی از سفره‌های هفت سین لذت نشاطی وصف ناپذیر از حضور در عید زیبای ایرانیان را در کنار هنرمندان سراسر کشور تجربه می‌کند.

موضوع مسابقه:

بدون تردید در سراسر این سرزمین پهناور آداب و رسوم و آیین‌های خاص اقوام در ایام نوروز ساری و جاری است اما معتقدیم که حلقه رابط و تنها نشان ثابت نوروز همه ایرانیان، سفره هفت سین است و به استناد همین موضوع و عنوان مسابقه ما هم «هفت سین» است. سفره‌ای بی‌مثال که در هر جا که گسترده می‌شود نشان از مه‌مان نوازی و همدلی ایرانیان و مایه شور و نشاط است و بی‌تردید یکی از خاطره سازترین پدیده‌های فرهنگی زندگی ما است.

در این مسابقه نام سفره‌های هفت سین تنها یک استعاره از کلیه عکس‌های مستند اجتماعی، خبری و یا خلاقه و مفهومی در خصوص سفره‌های هفت سین از هر نقطه‌ای در کشور عزیزمان و یا سایر نقاط جهان است و به کلیه مراحل تهیه و گستردن و حضور سفره‌های هفت سین در اماکن خصوصی و یا عمومی با حضور افراد و یا بدون ایشان اشاره دارد و برگزارکننده با تکیه بر آداب و رسوم رایج از تمامی هنرمندان، عکاسان و علاقمندان دعوت می‌کند با نگاهی وسیع به موضوع «سفره‌های هفت سین» توصیه می‌کند محوریت آیین‌ها و رسوم غذایی در تدارک و گستردن این سفره پر برکت، اعم از: تهیه، خرید، بازار، برخورد و نگرش اقوام ایرانی، آرایش سفره، نقش اعضای خانواده در تزیین این سفره، تکریم جایگاه پدر و مادر، نگاه‌های ویژه به حاشیه‌های این سفره، احترام به حریم سفره و... مد نظر شرکت کنندگان قرار گیرد.

موضوع بخش ویژه مسابقه:

دو جایزه که هر کدام به مبلغ ۳ میلیون ریال و از طرف عکاس پیشکسوت میراث فرهنگی، حسن غفاری و به انتخاب هیات داوران است، به بهترین عکس‌هایی که با موضوعات تهیه و آماده سازی سبزه برای نوروز، نمایش و حضور سبزه در سفره هفت سین و یا رهاسازی سبزه در طبیعت ثبت شده‌اند، تعلق می‌گیرد.

تعداد آثار ارسالی:

هر متقاضی می‌تواند در هر بخش (آزاد و ویژه) حداکثر با ۵ قطعه عکس به صورت سیاه و سفید یا رنگی در قالب‌های آنالوگ یا دیجیتال شرکت کند. (مجموعا حداکثر ۱۰ عکس)

گاه شمار مسابقه:

آخرین مهلت ارسال عکس: ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۹۱
ارزیابی و داوری: حداکثر تا ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱
اطلاع رسانی: از طریق سایت لقمه و خبرگزاری‌ها و سایت‌های معتبر عکاسی
نمایشگاه: همزمان با هفته میراث فرهنگی در ۲۸ اردیبهشت– مکان نمایشگاه متعاقبا اعلام می‌شود

دبیر مسابقه: محمد صالح حجت الاسلامی

هیات انتخاب و داوری: محمدمهدی رحیمیان، فرزاد هاشمی و حسن غفاری

جوایز برگزیدگان:

نفر اول: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه شش میلیون ریال جایزه نقدی
نفر دوم: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه پنج میلیون ریال جایزه نقدی
نفر سوم: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه چهار میلیون ریال جایزه نقدی

حامیان این مسابقه

این مسابقه توسط بخش خصوصی و با مشارکت موسسه فرهنگی هنری توسعه هنرهای معاصر و حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری (فرهنگسرای رویش) و البته تاکنون عکاسان و هنرمندان عزیز مهم‌ترین حامیان آن بوده‌اند و با شرکت در این مسابقات ضمن رونق بخشیدن به آن، زمینه ساز برگزاری مسابقات منظم

سالیانه با تمرکز بر روی فرهنگ زیبای ایران اسلامی شده‌اند.

آیین نامه شرکت در مسابقه:

۱- برگزارکننده به منظور احترام به سایر شرکت کنندگان هیچ زمانی را برای تمدید مهلت دریافت عکس در نظر نخواهد گرفت.
۲- شرکت در این مسابقه هزینه‌ای در برنداشته و برگزارکننده از تمامی عکاسان و علاقمندان برای حضور در این حرکت عکاسانه دعوت می‌کند.
۳- برگزارکننده در صورت صلاحدید هیات داوران می‌تواند رتبه‌های اول تا سوم را در نظر نگیرد و یا حذف نماید و یا جایزه این بخش را بین سایر عکاسان تقسیم کند
۴- آثار به صورت تک رنگ، سیاه و سفید و رنگی و در قالب‌های آنالوگ و دیجیتال پذیرفته می‌شوند.
۵- گروه ارزیابی و داوری حداکثر ۴۰ قطعه عکس را برای نمایشگاه و چاپ در کتاب انتخاب می‌کنند که به تمامی عکسهایی که در نمایشگاه پذیرفته شده باشند گواهی شرکت و به جز سه عکس برتر مبلغ پانصد هزار ریال به عنوان حق التصویر تعلق خواهد گرفت.
۶- عکس‌ها باید در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ گرفته شده باشند و برگزارکننده با توجه به اصل پویایی و پیشرفت و همچنین احترام به عکاس و مخاطب از پذیرش عکس‌هایی که در سایر مسابقه‌ها دارای رتبه بوده و یا جایزه‌ای را کسب کرده باشند، معذور است. ملاک تشخیص در این اصل، برگزارکننده و گروه داوران می‌باشند.
۷- هر متقاضی می‌تواند به صورت مستقل با ارسال حداکثر ۵ قطعه عکس در بخش آزاد و با حداکثر ۵ قطعه عکس در بخش ویژه، شرکت کند.
۸- امکان ارسال آثار تنها به صورت اینترنتی وجود دارد و علاقمندان باید آثار خود را از طریق ایمیل وبه نشانی loghme@gmail. com ارسال کنند.
۹- حجم فایل عکس‌های ارسالی برای هر عکس حداکثر ۲ مگا بایت و اندازه ضلع بزرگ هر عکس حداکثر ۳۰ سانتیمتردر نظر گرفته شود.
۱۰- عکس‌های آنالوگ باید اسکن شده وبا کیفیت مناسب ارسال شود.
تبصره۱: از هنرمندان عزیز تقاضا می‌شود از فشرده سازی فایل‌ها پرهیز کنند.
تبصره ۲: متقاضیان می‌توانند هر عکس را در یک ایمیل جداگانه ارسال نمایند.
۱۱- برگزارکننده تنها ویرایشی را بر روی عکس می‌پذیرد که سندیت عکس را از بین نبرد، البته تنظیم نور و کنتراست و اصلاح رنگ قابل پذیرش است. ویرایش‌هایی به وسیله ابزارها و نرم افزارها که منجر به اتلاق عنوان دخل و تصرف باشد عکس را از دور مسابقه خارج خواهد کرد.
۱۲-نامگذاری فایل عکس‌های ارسالی بایستی با حروف و اعداد انگلیسی انجام شود.
برای نامگذاری فایل‌ها ابتدا نام خانوادگی ثبت شود. سپس با قرار دادن نقطه عدد عکس ارسالی و بعد از خط فاصله تعداد آثار ارسالی ثبت شده و سپس با درج نقطه شماره همراه عکاس تایپ شود. (مثال: Eslami. ۱-۵. ۰۹۱۲۳۲۰۸۸۴۲ و Eslami. ۲-۵. ۰۹۱۲۳۲۰۸۸۴۲)
۱۳- عکس‌های دریافتی که فاقد نامگذاری صحیح و یا «فرم تکمیل شده شرکت در مسابقه» باشند، پذیرفته نخواهند شد.
۱۴- عکس‌های راه یافته به نمایشگاه باید به سرعت و در زمان حداکثر یک هفته پس از اعلام نتایج با کیفیت مناسب برای چاپ در ابعاد ۷۰×۱۰۰ به دبیرخانه ارسال شود.
۱۵- آثاری که مورد پذیرش داوران قرار نگرفته باشند پس از برگزاری مسابقه برای انجام کارهای پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و یا معدوم می‌شوند.
۱۶- دبیرخانه مسابقه به طور قطع آثار دریافتی پس از مهلت اعلام شده را نخواهد پذیرفت.
۱۷- ستاد برگزاری، ارسال کننده را مالک عکس می‌شناسد اما در صورت تشخیص خلاف این نکته، برگزارکننده تمامی امتیازهای متعلقه را سلب و عکس مربوطه را از دور مسابقه حذف خواهد کرد.
۱۸- برگزارکننده مجاز است تا از عکس‌های منتخب گروه داوران در امور مربوط به تبلیغات دبیرخانه، نمایشگاه‌های متعدد با همین عنوان و چاپ کتاب با ذکر نام عکاس استفاده نماید.
۱۹- اطمینان از دریافت آثار ارسالی بر عهده متقاضی است.
۲۰-ارسال آثار به منزله قبول آیین نامه شرکت در مسابقه و تایید مالکیت عکس‌ها است.
۲۱- تصمیم گیری در مورد مسایل پیش بینی نشده بر عهده برگزار کننده است.
۲۲- تبعات عدم ارسال کامل اطلاعات خواسته شده نظیر عدم اطلاع رسانی از زمان نمایشگاه، عدم ارسال کتاب، عدم پرداخت به موقع حق التصویرها و یا جوایز، به عهده شرکت کنندگان است.

نحوه ارسال آثار:

متقاضیان می‌توانند آثار خود را به صورت پستی به نشانی تهران، خیابان شریعتی، جنب سینما سروش، خیابان بوشهر شماره ۱۷، واحد ۳ کد پستی ۱۶۱۳۹۳۹۹۱۱و یا به صورت اینترنتی به نشانی loghme@gmail.com ارسال کنند اما به یاد داشته باشند که برای همه شرکت کنندگان تکمیل فرم فراخوان الزامی است.

نحوه دریافت فرم شرکت در مسابقه:

فرم مسابقه یک فایل متنی (در نرم افزار word) است که می‌تواند توسط خود عکاس برای هر یک از بخش‌های آزاد و ویژه آماده شود و شامل اطلاعات شخصی هنرمند (نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، تاریخ تولد، شماره تلفن، آدرس ایمیل) و مشخصات عکس (عنوان عکس، محل عکاسی، تاریخ عکاسی و شرح عکس) می‌شود و ارائه آن برای شرکت در مسابقه الزامی است.

متقاضیان می‌توانند در طول دوره مسابقه با شماره تلفن‌های ۰۹۱۲۳۲۰۸۸۴۲ و ۰۹۳۶۷۸۳۲۸۹۶ از ساعت ۸ تا ۲۰ هر روز تماس بگیرند.

فراخوان اولین کنفرانس عکس ایران

عکاسی، حقوق عکاس و ارتباطات
تاریخ برگزاری: بهار ۱۳۹۱
برگزار کننده: آژانس عکس خبری ایران
با همکاری دانشگاه ها، سایت های معتبر هنری و ...

تاریخ‌های مهم:
مهلت ارسال اصل مقاله: ۱۵/۰۱/۱۳۹۱
دریافت نسخه نهایی مقالات: ۲۰/۰۱/۱۳۹۱
مهلت ثبت نام در کنفرانس: ۲۹/۰۱/۱۳۹۱

درباره همایش:
هنر عکاسی زاییده‌ی تکنولوژی بود و همراه با آن نیز پیشرفت کرد و روزبه‌روز بر تکامل دوربین و طریقه‌ی چاپ افزوده شد. این تکامل علاوه بر تکنولوژی ساخت، به کشف سوژه‌ها و زمینه‌های تازه و شعور اجتماعی و هنری عکاسان نیز کمک شایانی کرد.
خلق یک عکس با عکس گرفتن تفاوت دارد. یک عکس مطلوب که بتوان آن را در قالب یک رشته دانشگاهی در آورد مختصات خاص خود را دارد. انتقال بسیاری از مفاهیم بصورت عکس امکان پذیر است.گرچه دوربین‌های اتوماتیک دیجیتالی به سرعت در بین عکاسان راه خود را باز کرده‌اند و عکاسی تجربی رشد به سزایی داشته ولی ما باید آنچه در این زمینه در دانشگاه مطرح می شود با تجربه عکاسان در هم بیامیزیم.
آژانس عکس خبری ایران دوربین.نت با همین محور به دنبال برگزاری اولین کنفرانس عکس ایران است تا بتواند ضمن پیوند فعالان عرصه عکاسی با دانشجویان و اساتید دانشگاهی این رشته ضمینه انتقال اطلاعات و بهبود نگاه جامعه عکاسی را فراهم کند.

محورهای همایش:
– راه‌کارهای عکاسی بهتر در سال ۱۳۹۱

– عکاسی مستند اجتماعی، شاخص‌ها و راه‌کارهای بهبود
– حقوق معنوی و اجتماعی عکس و عکاس
– عکاسی در جامعه ایران، موانع و مشکلات
– ژورنالیسم و استفاده از عکس خبری
– عکس و سلامت اجتماعی
– آرشیو و راه‌کارهای نگهداری عکس‌های آنالوگ و دیجیتال
– شیوه‌های ارائه نوین عکس در فضای حقیقی و مجازی

نحوه‌ی نگارش مقاله:

مقاله با Word۲۰۰۳ و یا Word۲۰۰۷ تایپ شود
حداکثر تعداد صفحات: ۸ صفحه A۴
حاشیه از هر طرف: ۲ سانتیمتر
فاصله بین سطرها: ۱ سانتیمتر
فونت: Nazanin با رعایت نکات زیر:
۱. عنوان مقاله ۱۸ بولد وسط چین
۲. نام نویسندگان و سمت آنها فونت ۱۲ و بولد
۳. چکیده و کلمات کلیدی با فونت ۱۲
۴. عناوین بخش‌ها با فونت ۱۲ بولد
۵. متن با فونت ۱۲
۶ عناوین جداول و اشکال با فونت ۱۰
نام نویسندگان و سمت آنها در زیر عنوان مقاله آورده شود و زیر نام نویسنده اصلی خط کشیده شود. آدرس پست الکترونیک نویسندگان در زیر اسامی آورده شود.
چکیده مقاله حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سطر در برگ جداگانه تنظیم گردد(عنوان و چکیده جزء ۸ صفحه مقاله لحاظ نمی‌شود)

قیمت کنفرانس

هشتاد هزارتومان
تخفیف‌های کنفرانس به زودی اعلام می‌شود

ثبت نام

برای ثبت نام عضو سایت شوید در بخش خدمات کنفرانس را انتخاب کنید.

ساعت برگزاری

بخش اول : ساعت ۹ صبح تا ۱۰:۳۰
بخش دوم : ساعت ۱۱ تا ۱۳
بخش سوم : ۱۴ تا ۱۸

اطلاعات تماس با دبیرخانه:

مسوول کنفرانس : احسان رافتی
دبیر کنفرانس : اسماعیل حق پرست
تلفن و فکس دبیرخانه: ۶۶۷۵۷۹۵۴
ایمیل : doorbin.net@gmail.com
وب‌سایت : www.bestphotos.ir

سفرعکاسی
|گنبد / خالدنبی و ... |
اردیبهشت ماه ۹۱
safar.doorbin.net

چهارمین جشنواره
عکس‌های برتر سال
www.bestphotos.ir

دووونات
|خوشمزه‌ترین بخش دوربین.نت|
www.doonut.ir

سفرعکاسی
| قشم |
دی ماه
safar.doorbin.net

سفرعکاسی
|شیراز و تخت جمشید و پاسارگاد |
اردیبهشت ماه ۹۱
safar.doorbin.net

سفرعکاسی
| کردستان |
خرداد ماه ۹۱
safar.doorbin.net

CLUB
|عضویت در بزرگترین کلوپ آموزشی عکاسی|
Club.doorbin.net

سفرعکاسی
| لرستان |
خرداد ماه ۹۱
safar.doorbin.net

ترم تابستان



کلاس های عکاسی

دوربین نت

یادگیری را جور دیگی تجربه کنید

| عکاسی خبری | ادیت عکس | عکاسی مقدماتی | مالتی‌مدیا |

Amouzesh.doorbin.net

۰۹۱۹۲۰۵۳۰۰۹

گارانتی + بیمه

ایده‌آل

تعمیرگاه مرکزی دوربین

شرکت ایده‌آل با پشتیبانی
تعمیرگاه مرکزی دوربین



خدمات **رایگان** درمدت نمایشگاه

- رفع پیکسل سوخته
- اعلام وضعیت شاتر
- به روز رسانی نرم‌افزار
- سرویس حسگر (CMOS - CCD)

Nikon
At the heart of the image
Canon FUJIFILM

علاوه بر خدمات فوق شرکت ایده‌آل با پشتیبانی تعمیرگاه مرکزی دوربین DVD آموزشی دوربین‌های حرفه‌ای کانن و نیکون و دوربین‌های خانگی کانن را به صورت رایگان به بازدید کنندگان محترم اهدا می‌نماید.

وعده دیدار ما
نمایشگاه تخصصی دوربین‌های دیجیتال و تجهیزات وابسته
زمان: ۳۱ اردیبهشت لغایت ۳ خرداد ۱۳۹۰
مکان: مصلی بزرگ امام خمینی غرفه A30

گارانتی + بیمه ایده‌آل
نشانی: تهران، میدان هفت تیر، ابتدای خیابان بهار شیراز
پلاک ۱۸۹، طبقه سوم، واحد۶ تلفن: ۵۰-۸۸۳۱۹۲۴۵

تعمیرگاه مرکزی دوربین
نشانی: تهران، خیابان جمهوری، ساختمان آلومینیوم
طبقه یازدهم، واحد ۱۱۱۷ تلفن: ۶۶۷۰۱۰۳۸